

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ



فیزیک

شاخه فنی و حرفه‌ای و کاردانش

دوره دوم متوسطه





وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی



- نام کتاب: فیزیک - ۲۱۰۱۴۶
- پدیدآورنده: سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
- مدیریت برنامه‌ریزی درسی و تألیف: دفتر تألیف کتاب‌های درسی فنی و حرفه‌ای و کاردانش
- شناسه افزوده برنامه‌ریزی و تألیف: افشار بهمنی، مجتبی جهانی‌فر، مریم رحمانی بلداجی، نسرین طاهری اصغری، محمدرضا فرخ‌نیا، محمد نوروزخانی، محسن کیالاشکی و فائزه سادات ابراهیمی (اعضای شورای برنامه‌ریزی)
- مدیریت آماده‌سازی هنری: افشار بهمنی، مجتبی جهانی‌فر، مریم رحمانی بلداجی، نسرین طاهری اصغری، محمدرضا فرخ‌نیا و محمد نوروزخانی (اعضای گروه تألیف) - حسین داوودی (ویراستار)
- شناسه افزوده آماده‌سازی: اداره کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی
- نشانی سازمان: مجید ذاکری یونسی (مدیر هنری) - راحله زادفتح‌اله (صفحه‌آرا) - فاطمه رئیس‌یان فیروزآباد (رسام)
- تلفن: ۹-۸۸۸۳۱۱۶۱، دورنگار: ۸۸۳۰۹۲۶۶، کد پستی: ۱۵۸۴۷۴۷۳۵۹
- وب‌گاه: www.irtextbook.ir و www.chap.sch.ir
- ناشر: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران: تهران - کیلومتر ۱۷ جاده مخصوص کرج - خیابان ۶۱ (داروپخش)
- چاپخانه: تلفن: ۵-۴۴۹۸۵۱۶۱، دورنگار: ۴۴۹۸۵۱۶۰، صندوق پستی: ۱۳۹-۳۷۵۱۵
- سال انتشار و نوبت چاپ: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران «سهامی خاص»
- چاپ نهم ۱۴۰۳

کلیه حقوق مادی و معنوی این کتاب متعلق به سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش است و هرگونه استفاده از کتاب و اجزای آن به صورت چاپی و الکترونیکی و ارائه در پایگاه‌های مجازی، نمایش، اقتباس، تلخیص، تبدیل، ترجمه، عکس برداری، نقاشی، تهیه فیلم و تکثیر به هر شکل و نوع بدون کسب مجوز از این سازمان ممنوع است و متخلفان تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند.



ما باید زحمت بکشیم تا در همهٔ جناح‌ها خودکفا باشیم. امکان ندارد که استقلال به دست بیاید، قبل از اینکه استقلال اقتصادی داشته باشیم. اگر ما بنا باشد که در اقتصاد احتیاج داشته باشیم، در چیزهای دیگر هم وابسته خواهیم شد و همین‌طور اگر در فرهنگ، ما وابستگی داشته باشیم، در اساس مسائل وابستگی پیدا می‌کنیم.

امام خمینی «قَدَسَ سِرُّهُ»

۱ پودمان ۱- اندازه گیری

شایستگی ۱: توانایی تبیین واقعیت‌ها برحسب کمیت‌های فیزیکی
شایستگی ۲: تجزیه و تحلیل و کاربرد ابزارهای اندازه‌گیری

۳۱ پودمان ۲- مکانیک

شایستگی ۱: سینماتیک و کاربردهای آن
شایستگی ۲: دینامیک و کاربردهای آن

۵۷ پودمان ۳- حالت‌های ماده و فشار

شایستگی ۱: سواد بهره‌گیری از حالت‌های مختلف ماده
شایستگی ۲: به کار بستن مفهوم فشار در حالت‌های مختلف مواد

۷۹..... پودمان ۴- دما و گرما

شایستگی ۱: اندازه‌گیری دما
شایستگی ۲: کاربرست روش‌های انتقال گرما

۱۰۱..... پودمان ۵- جریان و مدارهای الکتریکی

شایستگی ۱: درک، تبیین و کاربرد کمیت‌های الکتریکی
شایستگی ۲: مقاومت الکتریکی و کاربردهای آن در مدارها

علم تجربی حاصل تلاش انسان برای درک دنیای اطراف و دانشی آزمودنی است که با ظهور شواهد و دلایل جدید در معرض تغییر قرار گرفته است و از گستره وسیعی از روش‌های تحقیق بهره می‌برد. در حوزه علوم پایه، اندیشمندان مسلمان، مباحثی را بنیان‌گذاری نمودند که نشان از اهمیت آن دارد.

از نظر بیشتر کارشناسان و نخبگان علمی کشور توجه به اهمیت و جایگاه علوم پایه است که تولید علم را برای کشور در پی خواهد داشت. این امر زمانی میسر می‌شود که جایگاه واقعی خود را در نظام آموزشی پیدا کند و اصلاحات جدی در شیوه‌ها و روش‌های یاددهی - یادگیری و تکنیک‌های آموزشی و نیز استفاده از ابزار و تجهیزات آزمایشگاهی در این دروس انجام شود.

در چارچوب ایده والای «نهضت تولید علم» که از سوی مقام معظم رهبری (دامت‌ظله) مطرح شده است، دفتر تألیف کتاب‌های درسی فنی و حرفه‌ای و کاردانش خوشه دروس شایستگی‌های پایه فنی را در برنامه‌های درسی رشته‌های فنی و مهارتی طراحی و محتوای بسته یادگیری آن را تولید نمود. درس فیزیک از جمله دروس این خوشه می‌باشد که برنامه درسی آن برای رشته‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش با رویکرد شایستگی محور طراحی و تدوین شده است. به این معنا که در رسالت این دروس، رسیدن به شایستگی بهره‌گیری از علوم پایه در حرفه و زندگی است. از این‌رو تلاش شده تا در محتوا، بیش از پرداختن به انتزاع، به مضامین ملموس و تقویت استدلال و اگر در هنرجویان پرداخته شود و انتظار می‌رود دبیران فرهیخته، علمی‌اندیشیدن و تفکر فناورانه را در هنرجویان تقویت نمایند. بسته یادگیری درس فیزیک شامل کتاب درسی و فیلم آموزشی برای هنرجویان عزیز و کتاب راهنمای معلم برای دبیران محترم می‌باشد.

برای تسهیل و هم‌نوآوری ارزشیابی‌ها، استاندارد ارزشیابی مبتنی بر شایستگی در انتهای هر پودمان آورده شده است. ارزشیابی مبتنی بر شایستگی اگرچه ارزشیابی کتبی را به‌عنوان یک روش رد نمی‌کند اما تنها زمانی آن را مورد پذیرش می‌داند که حتی‌الامکان با ارزشیابی‌های فرایندی و پروژه محور ترکیب شود و آزمون آن نیز از سطح دانش فراتر رفته و درک و تحلیل ارزیابی شوندگان را محک بزند. برای آشنایی هنرآموزان و هنرجویان گرامی، نمونه‌ای از الگوی ارزشیابی کتبی مبتنی بر شایستگی در هر پودمان آورده شده است. معرفی پروژه‌های نیمه‌تجویزی در پایان هر پودمان، قدرت انتخاب و انعطاف را در فرایند یاددهی - یادگیری افزایش می‌دهد. هر هنرجو حتماً باید یکی از پروژه‌های انتخابی پایان پودمان را انتخاب نموده تا ضمن ارتقای شایستگی خود، هنرآموز را به سمت ارزشیابی بهتر از سطح شایستگی خود رهنمون سازد. پویا (Scan) رمزینده‌های سریع پاسخ (QR Code) در ابتدای هر پودمان تدریس بخش‌های مختلف را به‌صورت کوتاه و کم‌حجم در اختیار قرار می‌دهد. امید است تا حرکت به سمت واقعیت افزوده در ارتقای کیفیت آموزشی مؤثر باشد.

دست در دست هم دهیم به مهر میهن خویش را کنیم آباد

حضور شما در شاخه فنی و حرفه‌ای به این معناست که به دنبال کسب شایستگی برای تأمین معاش حلال و ارتقای توانایی و شایستگی خود در زندگی هستید. این رسالت نیک و خطیر، نیازمند کسب توانایی انجام کار شایسته است. برای این منظور در دروس مبتنی بر شایستگی از جمله فیزیک، در هنگام یادگیری موضوعات مختلف به یافتن کاربرد و استدلال برای رخدادهای طبیعی با توجه به آموخته‌ها بپردازید و آزمایش کردن و پرسش‌گری را سرلوحه کار خود قرار دهید. از میان پروژه‌های نیمه تجویزی در پایان هر پودمان، یکی را با مشورت دبیر انتخاب نموده و با انجام آن به شایسته‌ترین نحو ممکن، دبیر را در قضاوت بهتر از شایستگی‌هایتان یاری کنید. در هنگام انجام آزمایش‌ها حتماً به توصیه‌های دبیر توجه نموده و قبل از انجام هر آزمایش از ایمنی و بهداشت فرایند کار اطمینان حاصل کنید. برای یادگیری بهتر، حتماً رمزینه‌های سریع پاسخ ابتدای هر پودمان را مشاهده کنید.

الف) تصویر اول پودمان: هر پودمان با نمایش تصویری از کاربردهای مرتبط با موضوع آن پودمان شروع می‌شود. هدف آن، درگیر کردن دانش‌آموزان با موضوع پودمان و ایجاد انگیزه در آنها است. برای رسیدن به این اهداف، تشویق دانش‌آموزان برای بیشتر دانستن و پرورش مهارت مشاهده در آنها، پرسش‌هایی مطرح شده است که هنرجویان باید در قالب فعالیت گروهی به آنها پاسخ دهند. با تلفیق پرسش‌های هنرجویان با این‌گونه پرسش‌ها می‌توان آنها را به بحث و گفت‌وگو واداشت. شما می‌توانید از تصاویر مناسب دیگری نیز استفاده کنید؛ به این طریق از دانسته‌های قبلی هنرجویان آگاه می‌شویم و آنها را برای یادگیری موضوع مورد نظر آماده می‌کنیم.

ب) فکر کنید: این‌گونه پرسش‌ها برای مشارکت هرچه بیشتر هنرجویان در فرایند یاددهی - یادگیری در نظر گرفته شده است. لذا شایسته است برای آشنا شدن با دانش جدید، استفاده از شبکه‌های اطلاعاتی، افزایش خلاقیت، افزایش قدرت استدلال، ایجاد انگیزه، درگیر کردن هنرجویان با موضوع درسی و ایجاد حس همکاری در دانش‌آموزان حتماً این بخش‌ها مورد توجه همکاران گرامی قرار گیرد.

پ) بیشتر بدانید: برای آشنایی بیشتر هنرجویان با برخی از موضوعات مرتبط با بخش، این قسمت‌ها تدارک دیده شده است. ذکر این نکته قابل توجه است که ارزشیابی از این مباحث انجام نمی‌شود.

ت) تمرین کنید: برای افزایش مهارت هنرجویان در حل مسئله و افزایش قدرت استدلال آنها، این بخش‌ها تدارک دیده شده است.

ث) دانسته‌های قبلی: این قسمت که توسط آیکنی مشخص گردیده، دانسته‌های قبلی هنرجویان که در پایه‌های تحصیلی پایین‌تر مطرح شده و مرتبط با بحث است، برای یادآوری آورده شده است.

ج) نکته: برای برجسته‌نمودن بعضی از مباحث مهم و گاهی جلوگیری از کج‌فهمی‌های هنرجویان، بعضی از نکات قابل توجه، تحت عنوان «نکته» ارائه گردیده است.

چ) آزمایش کنید: قسمت عمده‌ای از یادگیری توسط انجام دادن آزمایش و کارهای عملی صورت می‌گیرد. لذا این فعالیت هم باید به طور عملی در آزمایشگاه و توسط هنرجویان در گروه‌های آنها انجام گیرد و هم در صورت دسترسی به رایانه، و نرم افزارهای مربوطه به طور مجازی انجام شود.

ح) تجربه کنید: این بخش‌ها به منظور هدایت هنرجویان برای کسب مهارت‌های عملی ارائه گردیده است. تفاوت این بخش با بخش آزمایش کنید در این است که هنرجو با خلاقیت خود مواد و وسایل لازم را تدارک دیده و کار عملی انجام می‌دهد.

(خ) کاربرد در صنعت: از آنجا که هدف این کتاب آموزش مفاهیمی است که هنرجو را با دنیای واقعی خود ارتباط دهد، قرار دادن این بخش به هنرجویان کمک می‌کند تا ارتباط آموزش‌های خود را با دنیای اطراف برقرار نمایند.

(د) پروژه انتخابی (نیمه تجویزی) انتهای پودمان: در پایان هر پودمان به منظور هدایت هنرجویان به انجام کار عملی و افزایش حس کار گروهی، پروژه‌های عملی طراحی گردیده است. لازم به ذکر است که انجام این پروژه‌ها در ارزشیابی تأثیر دارد.

جدول توزیع فعالیت‌های پودمان‌ها

نام پودمان	تعداد صفحات	نکته	مثال	تمرین کنید	تحقیق کنید	فکر کنید	تجربه کنید	آزمایش کنید	کاربرد در صنعت	بیشتر بدانید	چند پرسش	چند مسئله	پروژه پیشنهادی
اندازه‌گیری	۲۷	۸	۶	۲	۵	۲	۳	۲	۱	۹	۵	۴	۳
مکانیک	۲۴	۷	۷	۵	۱	۵	۳	۳	۱	۲	۶	۷	۲
حالت‌های ماده و فشار	۱۹	۵	۶	۵	۲	۳	۵	۱	۳	۶	۶	۵	۳
دما و گرما	۱۸	۳	۴	۴	-	۵	۵	۱	۳	۴	۷	۵	۳
جریان و مدارهای الکتریکی	۲۲	۳	۹	۴	۱	۱۰	۲	۱	۳	۶	۷	۶	۳



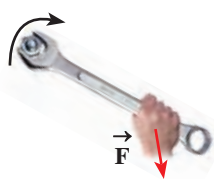
پودمان ۱

اندازه گیری

اندازه نگه‌دار که اندازه نکوست هم لایق دشمن است و هم لایق دوست «سعدی شیرازی»



به نظر شما منظور هنرجو از ۱۰۰ چیست؟ آیا یک عدد به تنهایی معنی می‌دهد؟ به‌ویژه هنگامی که این عدد بیانگر طول یک الوار باشد؟!



کمیت‌های برداری و نرده‌ای



آشنایی با وسایل اندازه‌گیری و مفاهیم مرتبط با آنها



کمیت‌های اصلی و فرعی



علم فیزیک و اهمیت اندازه‌گیری

سیمای پودمان

شایستگی ۱: توانایی تبیین واقعیت‌ها بر حسب کمیت‌های فیزیکی



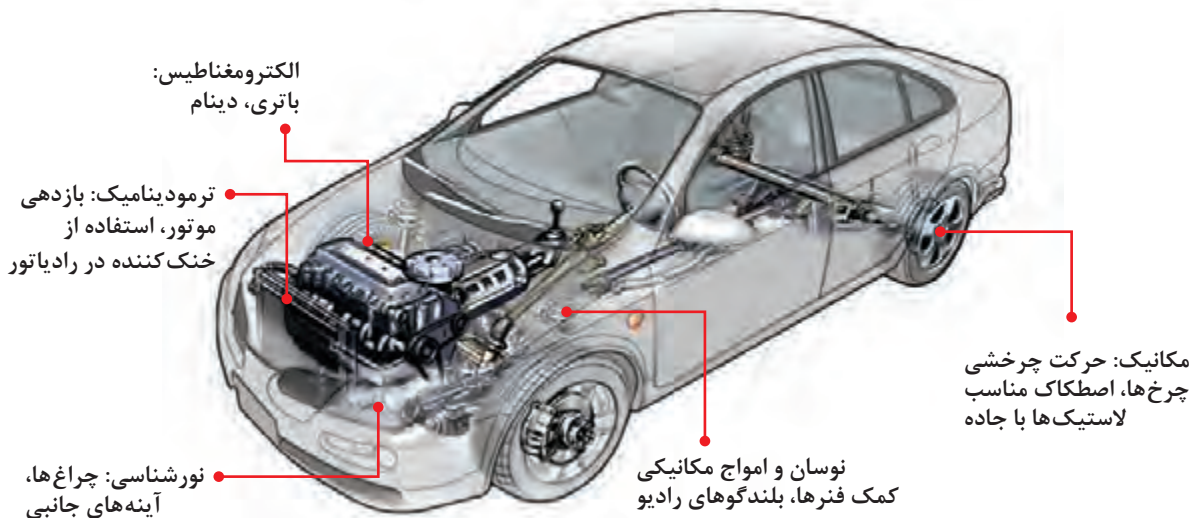
شایستگی ۲: تجزیه و تحلیل و کاربرد ابزارهای اندازه‌گیری



فیزیک چیست؟

بسیاری از افراد تصور می‌کنند علم فیزیک، علمی پیچیده و دشوار است و با زندگی واقعی آنها هیچ ارتباطی ندارد. البته شاید این تصور ناشی از آن باشد که بسیاری از دانشمندان مشهور این حوزه، با استفاده از ابزارهای پیچیده، در خصوص مفاهیمی همچون ساختار جهان و یا ذرات بسیار کوچک درون اتم‌ها مطالعه و پدیده‌های مورد مشاهده خود را اندازه‌گیری می‌کنند.

اما باید قبول کرد که همه پدیده‌های پیرامون شما را می‌توان با استفاده از علم فیزیک مورد بررسی قرار داد. اگر به معنای لغوی این علم دقت کنیم، واژه فیزیک برگرفته از واژه یونانی *Physis* به معنای **طبیعت** است. همان‌گونه که از معنای این واژه نیز مشخص است، هدف اصلی علم فیزیک این است که با استفاده از تعداد اندکی مفاهیم پایه، معادلات و فرضیات، طبیعت پیرامون بشر را توصیف نماید. در واقع با استفاده از اصول و قوانین موجود در علم فیزیک، می‌توان در مورد گستره وسیعی از پدیده‌ها، به پیش‌بینی‌های دقیق پرداخت و از آنها در ساخت ابزار و وسایلی که لازمه زندگی انسان‌هاست، استفاده نمود؛ برای مثال شما با مشاهده شکل ۱-۱ متوجه خواهید شد که چگونه حوزه‌های مختلف این علم در ساخت یک خودرو تأثیرگذار بوده است.



شکل ۱-۱ در ساخت یک خودرو، حوزه‌های مختلفی از علم فیزیک کاربرد دارند.



شکل ۲-۱ ناوچه دماوند (جماران ۲)

ما در زندگی روزمره خود با انواعی از قوانین و اصول فیزیکی مواجه‌ایم و به همین دلیل است که بسیاری از افراد در مورد این علم بیش از آنچه که تصور می‌کنند، اطلاعات دارند؛ برای مثال هنگامی که شما بستنی را در فریزر یخچال می‌گذارید، به خوبی از این قانون فیزیک مطلع هستید که اگر بستنی را به مدت طولانی در فضای اتاق نگه دارید، ذوب خواهد شد! طراحان کشتی‌ها، ناوچه‌های جنگی (شکل ۲-۱) و قایق‌ها نیز، به استفاده از قوانین فیزیک در مورد شاره‌ها (پودمان ۳ همین

کتاب) نیاز دارند. آنها می‌کوشند تا با استفاده از اصول و قوانین این حوزه، کشتی‌ها و قایق‌ها را به گونه‌ای بسازند که به راحتی بر روی آب شناور شوند و بتوانند به بهترین و سریع‌ترین شکل ممکن بر روی آب حرکت کنند. در دانش موشک‌های بالستیک مفهومی وجود دارد به نام «**دایره خطای احتمالی**» موسوم به «*cep*» که هرچه

میزان این دایره کوچک تر باشد، دقت موشک بالستیک نیز بیشتر خواهد بود. جمهوری اسلامی ایران یکی از پنج کشوری است که از موشک‌هایی با دقت بالا و دقتی که به دقت نقطه‌زنی تعبیر می‌شود دست یافته است.



الف) اندازه‌گیری قطر یک قطعه توسط ریزسنج (میکرومتر)



ب) اندازه‌گیری فشار هوای درون لاستیک خودرو



ج) دستگاه اسیدسنج خاک

شکل ۱-۳ کاربرد اندازه‌گیری در صنعت، زندگی روزمره و کشاورزی

دقت چند نمونه از موشک‌های ساخت ایران را بررسی کنید.

در واقع شاخه‌های مختلف علم فیزیک، بازخوانی و کشف برخی از حقایق و قوانین است که خداوند حکیم برای بندگانش در طبیعت خلق کرده است.

اهمیت اندازه‌گیری در علم فیزیک: فیزیک‌دان‌ها برای بررسی

فرضیات خود در مورد این موضوع که تغییرات یک متغیر در یک حالت ویژه، چگونه متغیر دیگری را تحت تأثیر قرار می‌دهد، دست به انجام آزمایش می‌زنند و برای آنکه فرایند آزمایش و نتایج آن از لحاظ علمی قابل قبول باشد، لازم است در حین اجرای این آزمایش‌ها دست به اندازه‌گیری‌های عددی بزنند.

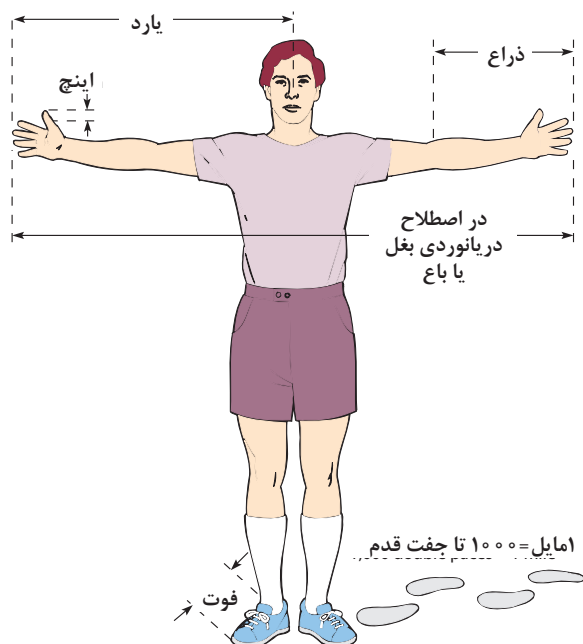
اندازه‌گیری‌های عددی با اعدادی که شما در کلاس‌های ریاضی با آنها روبه‌رو می‌شوید، متفاوت هستند. در ریاضیات، از عددی مانند ۷ می‌توان به‌تنهایی یا در درون یک معادله به‌راحتی استفاده نمود ولی در علم فیزیک، اندازه‌گیری چیزی فراتر از یک عدد است؛ برای مثال همان‌طور که در شکل آغازین پودمان آمده است، اگر شما بگویید که نتیجه یک اندازه‌گیری ۱۰۰ است، این گفته باعث به‌وجود آمدن سؤالات بسیاری در ذهن شنونده خواهد شد. چه کمیت فیزیکی (طول، جرم، زمان و ...) را اندازه‌گیری کرده‌اید؟ اگر پاسخ شما کمیت طول است در این صورت یکای اندازه‌گیری شما چه بوده است؟ (متر، فوت، اینچ و...).

همه ما می‌دانیم که نیازهای آدمی از طریق ارتباط با محیط و دادوستد با یکدیگر برآورده می‌شود. ارتباط با محیط و جامعه از راه حواس صورت می‌گیرد، از جمله هنگامی که اجسام را می‌بینیم، آنها را لمس می‌کنیم و از بو و مزه آنها آگاه می‌شویم و همچنین صداهای اطراف را می‌شنویم. به بیان دیگر اطلاعاتی که ما از پیرامون خود به‌دست می‌آوریم، در اثر مقایسه اجسام با یکدیگر حاصل می‌شود. رنگ اجسام، زبری، نرمی، کوتاهی، بلندی، دوری، نزدیکی، سردی، گرمی، شیرینی، تلخی و بسیاری از اطلاعات دیگر از راه مقایسه آنها با هم یا مقایسه آنها با مجموعه‌ای از اجسام و استانداردهای مشخص و معین صورت می‌گیرد.

به‌طور کلی مقایسه‌ای را که نتیجه آن به‌دست آوردن عدد باشد، اندازه‌گیری می‌نامند. اندازه‌گیری در حیات انسان نقش مهمی دارد. اندازه‌گیری اساس کارهای صنعتی، علمی و پژوهشی است. در کشاورزی دانستن زمان کاشت، مقدار بذر، سطح زیر کشت و دوره‌های آبیاری اهمیت دارد. هر قدر که هر یک از این کمیت‌ها مشخص‌تر و دقیق‌تر باشند، بهره‌وری بیشتر خواهد شد. در کارهای مهندسی و فنی نیز با اندازه‌گیری قطر پیچ و مهره‌ها، فشار هوای درون لاستیک اتومبیل، نیروی کشش قطارها و... سروکار داریم و در کارهای علمی و پژوهشی به اندازه‌گیری دنیای بی‌نهایت کوچک درون اتم و سلول تا دنیای بی‌نهایت بزرگ جهان می‌پردازیم (شکل ۱-۳).

شایستگی ۱- توانایی تبیین واقعیت‌ها بر حسب کمیت‌های فیزیکی

در گذشته انسان‌ها کمیت‌هایی را که به‌طور مستقیم با آنها سر و کار داشتند (مانند طول)، با مقایسهٔ مستقیم آنها با اعضای بدن خود مانند دست، پا و... اندازه‌گیری می‌کردند، در واقع اعضای بدن آنها نقش استاندارد و وسیله اندازه‌گیری را ایفا می‌نمود (شکل ۴-۱).



شکل ۴-۱ نمونه‌هایی از یكاهای قدیمی طول

با تشکیل گروه‌هایی از هم‌کلاسی‌های خود، در مورد مشکلات اندازه‌گیری توسط اعضای بدن در زمان قدیم بحث و تبادل نظر کنید و در نهایت، نتیجه را در قالب یک گزارش ارائه دهید.

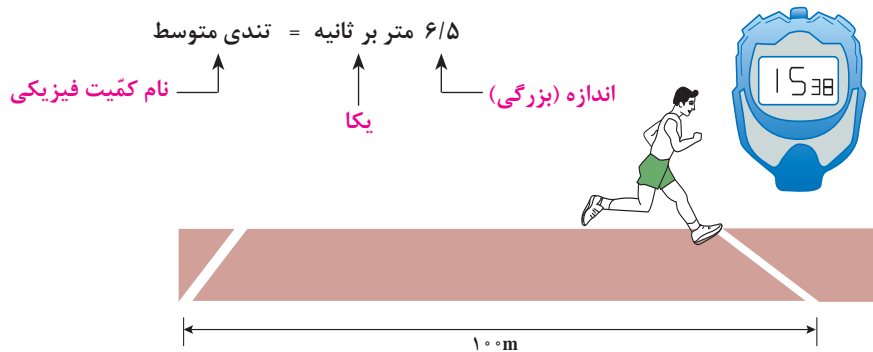
تحقیق کنید



کمیت‌های فیزیکی و یكاهای

همان‌گونه که در صفحهٔ قبل آموختیم، فیزیک علمی تجربی است. تجربه‌ها (آزمایش‌ها) نیازمند اندازه‌گیری هستند و عموماً برای توصیف نتایج اندازه‌گیری‌ها از اعداد استفاده می‌کنیم. در نتیجه کمیت‌های فیزیکی، ویژگی‌های فیزیکی مربوط به یک پدیده، جسم و یا ماده هستند که از طریق اندازه‌گیری و آزمایش می‌توان به آنها عدد نسبت داد. برای مثال، دو کمیت فیزیکی که از ویژگی‌های فیزیکی شما به حساب می‌آیند، وزن و ارتفاع (قد) شما هستند. در این میان برخی از کمیت‌های فیزیکی هستند که از طریق نحوه محاسبه آنها توسط دیگر کمیت‌های قابل اندازه‌گیری تعریف می‌شوند. برای مثال، همان‌گونه که از **علوم تجربی پایه نهم** به یاد دارید، تندی متوسط از تقسیم کمیت فیزیکی مسافت پیموده شده به زمان صرف شده به دست می‌آید و آن را مسافت پیموده شده در واحد زمان تعریف می‌کنند.

باید توجه داشت که هر کمیت فیزیکی متشکل از دو بخش، یعنی اندازه و یکای مربوط به آن کمیت است. به عنوان مثال در شکل ۵-۱ هنگامی که گفته می‌شود تندی متوسط دوندۀ ۶/۵ متر بر ثانیه است، داریم:



شکل ۵-۱ محاسبه تندی متوسط دوندۀ

یکای هر کمیت، مقدار معین و ثابتی از همان کمیت است.

نکته



شکل ۶-۱ استاندارد کیلوگرم فلزی از جنس پلاتین- ایریدیوم می‌باشد که به صورت قراردادی جرم آن را معادل ۱ کیلوگرم تعریف کرده‌اند.

در اندازه‌گیری هر کمیت، اندازه آن را با اندازه یکای همان کمیت مقایسه می‌کنند، تا مشخص شود که اندازه و بزرگی آن چند برابر یکایش است.

نتیجه این مقایسه عددی است که اندازه (مقدار یا بزرگی) آن کمیت نام دارد. برای مثال یکی از یکاهای مرسوم اندازه‌گیری جرم، کیلوگرم است. در تمام دنیا برای تعریف یک کیلوگرم، استاندارد را تعریف نموده‌اند (شکل ۶-۱). در نتیجه تمامی اندازه‌گیری‌هایی که با مقایسه جرم جسم با جرم این استاندارد صورت می‌پذیرد بر حسب یکای کیلوگرم گزارش می‌شوند. هنگامی که گفته می‌شود جرم یک هنرجو ۶۰ کیلوگرم است، یعنی جرم آن ۶۰ برابر جرم استاندارد تعیین شده برای یکای کیلوگرم است.

با تشکیل گروه‌هایی سه نفره از هم کلاسی‌های خود و مشورت با یکدیگر به این سؤال پاسخ دهید که استاندارد تعیین شده برای اندازه‌گیری یک کمیت، چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد؟

تحقیق کنید



اکنون، پس از آشنایی با تعریف دقیق کمیت‌ها در فیزیک، اگر به دورۀ اول متوسطه بازگردید، متوجه خواهید شد که در درس علوم تجربی با کمیت‌های مختلفی چون طول، جرم، زمان، چگالی، سرعت و ... آشنا شده‌اید. همان‌گونه که می‌دانید، در پیرامون ما کمیت‌های قابل اندازه‌گیری بسیاری وجود دارد که اگر بخواهیم تمامی آنها را جمع‌آوری کنیم به رقمی بیش از ۱۰۰ کمیت فیزیکی خواهیم رسید و در نتیجه برای

تعیین و اندازه‌گیری هر یک از آنها نیز باید بیش از ۱۰۰ یکای ویژه تعیین کنیم، که عملاً کاری سخت و شاید امکان‌ناپذیر باشد. ولی همان‌طور که در ابتدای بحث آمد، برخی از کمیت‌های فیزیکی هستند که وابسته به کمیت‌های فیزیکی دیگرند (به‌عنوان مثال چگالی که از تقسیم کمیت فیزیکی جرم به حجم به دست می‌آید). فیزیک‌دان‌ها بر اساس این واقعیت، کمیت‌های فیزیکی را به دو دسته کلی **کمیت‌های اصلی و فرعی** تقسیم کرده‌اند که در ادامه با آنها آشنا خواهید شد.

بیشتر بدانید



نماد علمی کمیت‌ها، معمولاً بر اساس حرف اول نام لاتین آنهاست. به‌عنوان مثال برخی از کمیت‌های فیزیکی که در این کتاب با آنها آشنا خواهید شد در جدول زیر آمده است:

نماد	نام لاتین کمیت	کمیت	نماد	نام لاتین کمیت	کمیت
V	Volume	حجم	L	Length	طول
ρ	Density	چگالی	m	mass	جرم
v	Velocity	سرعت	t	time	زمان
a	acceleration	شتاب	T	Temperature	دما
F	Force	نیرو	I	Current Intensity	شدت جریان الکتریکی
W	Weight	وزن	R	Resistance	مقاومت الکتریکی
P	Pressure	فشار	V	Voltage	اختلاف پتانسیل الکتریکی
Q	Thermal Energy	انرژی حرارتی	A	Area	مساحت

کمیت‌ها و یکاهای اصلی: کمیت‌های اصلی مجموعه‌ای از کمیت‌های مستقل فیزیکی هستند که دیگر کمیت‌ها به کمک آنها به دست می‌آیند. با توجه به این تقسیم‌بندی، فیزیک‌دان‌ها، هفت کمیت فیزیکی را در قالب کمیت‌های اصلی در نظر گرفته‌اند و یکای مرتبط با آنها را **یکاهای اصلی** نامیده‌اند.

شما در کتاب‌های **علوم تجربی دوره اول متوسطه** با برخی از آنها همچون طول، جرم، زمان، دما آشنا شده‌اید. باید در نظر داشت که نکته مهم در تعیین کمیت‌های اصلی انتخاب یک استاندارد مناسب برای اندازه‌گیری این کمیت‌ها است، زیرا در دنیای علم و ارتباطات یکی از ملزومات اصلی برای برقراری رابطه میان افراد و دادوستدهای معنی دار، وجود یک قرارداد و استاندارد مناسب میان افراد است که حوزه اندازه‌گیری در علم نیز نیازمند این قراردادهای استاندارد و جهان شمول است.

فکر کنید



با گروه‌هایی از هم‌کلاسی‌های خود، راجع به اهمیت تعیین یکا و استاندارد در علم اندازه‌گیری بحث کنید و با در نظر گرفتن محیط زندگی، آموزشگاه، کارگاه‌ها و ... به چند مورد از مشکلات ناشی از نداشتن یکا و استاندارد یکسان در اندازه‌گیری اشاره نمایید.

به این منظور و هم‌زمان با پیشرفت روزافزون مطالعات در علم، نیاز به داشتن یک دستگاه‌بین‌المللی یکاها شدت گرفت؛ دستگاهی متشکل از یکاهای کمیت‌های فیزیکی که بتوان به آنها در همهٔ جهان استناد نمود.

بیشتر بدانید



برای نام‌گذاری این دستگاه‌ها، ابتدای نام یکاهای سه کمیت اصلی طول، جرم و زمان درون آن دستگاه به ترتیب از چپ به راست استفاده شده است. به‌عنوان مثال در دستگاه انگلیسی آمریکایی، جهت نام‌گذاری از حرف ابتدای نام یکاهای اندازه‌گیری طول، جرم و زمان در این دستگاه استفاده نموده است:

FPS: Foot/Pound/ Second

و یا در دستگاه‌های دیگر داریم:

MKS: Meter/Kilogram/Second

CGS: Centimeter/Gram/Second

از میان دستگاه‌های معرفی شده و بر اساس دو ویژگی مهم و اساسی، دستگاه بین‌المللی یکاها (SI)^۱ مورد اقبال و پذیرش همگانی قرار گرفت. اولین ویژگی این دستگاه این است که اندازه کمیت‌های فیزیکی در آن را می‌توان بر اساس **توان‌هایی بر پایهٔ ۱۰** اندازه‌گیری کرد و ارائه داد. دیگر اینکه در این دستگاه، مجموعه‌ای سازماندهی شده از **پیشوندها** برای نمایش اندازه کمیت‌های مختلف فیزیکی فراهم گردیده است که در صفحه ۱۰ به آن اشاره می‌کنیم.^۲

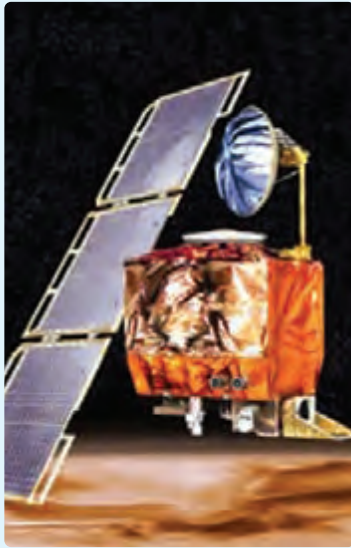
دستگاه بین‌المللی یکاها در سال ۱۹۶۰ در یازدهمین کنفرانس بین‌المللی اوزان و اندازه‌ها تصویب گردید و نام اختصاری آن در تمام جهان «SI» نامیده شد. در این دستگاه، که بر اساس ۷ کمیت اصلی پایه‌ریزی گردیده، برای هر یک از این ۷ کمیت یک یکا و یک استاندارد (همانند شکل ۱-۶) تعریف شده است. در جدول ۱-۱ با یکای برخی از مهم‌ترین کمیت‌های اصلی مورد بحث در این کتاب در دستگاه بین‌المللی یکاها آشنا خواهید شد.

جدول ۱-۱ یکاهای کمیت‌های اصلی در دستگاه بین‌المللی یکاها (SI)

نام کمیت و نماد	یکای آن در SI	نماد یکا
طول (L)	متر	m
جرم (m)	کیلوگرم	kg
زمان (t)	ثانیه	s
دما (T)	کلوین	K
شدت جریان الکتریکی (I)	آمپر	A

۱- System International

۲- در کتاب ریاضی پایه دهم با دستگاه انگلیسی / آمریکایی بیشتر آشنا خواهید شد.



در سال ۱۹۹۸ میلادی کاوشگری با نام Mars Climate Orbiter، با مأموریت تحقیق بر روی آب و هوا و تعیین مقدار دی اکسید موجود در جو مریخ و همچنین بررسی وجود آب در این سیاره به فضا فرستاده شد اما این کاوشگر هنگامی که می‌خواست در مدار خود قرار بگیرد، در اتمسفر مریخ بسیار پایین آمد و سقوط کرد.

علت این حادثه نقص فنی کاوشگر نبود. بلکه تفاوت در دستگاه‌های اندازه‌گیری سازندگان این وسیله، باعث این سقوط گردید. در واقع یکی از پیمانکاران که در ساخت این کاوشگر همکاری کرده بود از دستگاه اندازه‌گیری انگلیسی/آمریکایی استفاده می‌کرده است ولی کاوشگر بر مبنای دستگاه اندازه‌گیری متریک ساخته و برنامه‌ریزی شده بود و این تفاوت در دستگاه‌های اندازه‌گیری باعث گردید کاوشگر در تشخیص فشار هوا اشتباه کند.

بیشتر بدانید



با مراجعه به منابع معتبر مربوط به دقیق‌ترین ساعت اختراع‌شده در جهان (NIST-F2) گزارشی را در رابطه با ویژگی‌های منحصر به فرد این ساعت و کاربردهای آن تهیه کرده و در کلاس ارائه دهید.

تحقیق کنید



کمیت‌ها و یکاهای فرعی: همان‌طور که در ابتدای بحث اشاره شد، تعیین یکا برای تمامی کمیت‌ها در علم، کار سخت و امکان‌ناپذیری است اما با در نظر گرفتن این واقعیت که برخی از کمیت‌های فیزیکی را می‌توان توسط کمیت‌های دیگر به دست آورد، باعث گردید تا **یکاهای فرعی** معرفی شوند. در نتیجه یکاهای فرعی، یکاهای مربوط به **کمیت‌های فرعی** هستند. این کمیت‌ها را می‌توان بر اساس اندازه‌گیری کمیت‌های دیگر و به‌خصوص کمیت‌های اصلی به دست آورد. برای مثال کمیت سرعت از تقسیم دو کمیت اصلی جابه‌جایی (طول) به زمان به دست می‌آید، یا کمیت شتاب از تقسیم یک کمیت فرعی سرعت به یک کمیت اصلی زمان حاصل می‌شود. برای آشنایی بیشتر با کمیت‌های فرعی به مثالی که در ادامه آورده شده است، توجه کنید.

در دستگاه بین‌المللی یکاها یکای نیرو را به دست آورید.

پاسخ: نیرو یک کمیت فرعی است زیرا به کمیت‌های دیگری وابسته است. در **علوم تجربی سال نهم** آموختید:

$$F = ma = m \frac{\Delta v}{\Delta t}$$

حال اگر بخواهیم یکای نیرو را به عنوان یک کمیت فرعی در دستگاه بین‌المللی یکاها به دست آوریم می‌بایست با توجه به محل قرارگیری هر یک از کمیت‌ها در رابطه بالا، یکای آنها را در محل خود قرار

دهیم، یعنی:

$$(F) = \text{یکای نیرو} = \text{kg} \times \frac{\text{m}}{\text{s}^2} = \text{kg} \frac{\text{m}}{\text{s}^2}$$

مثال



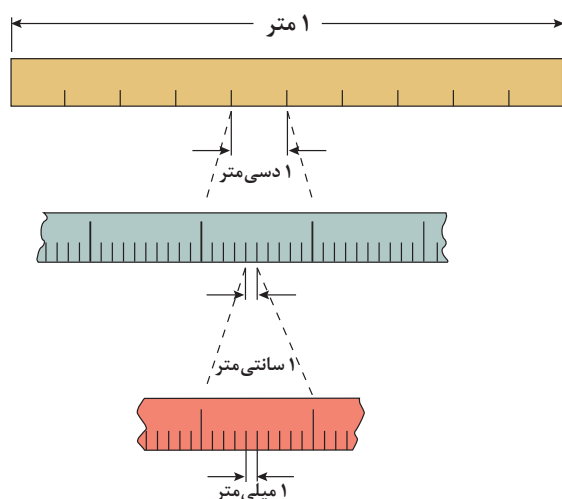
توجه داشته باشید که در این کتاب تغییرات یک کمیت را با علامت Δ نشان می‌دهیم. در نتیجه در رابطه صفحه قبل Δv به معنی تغییرات سرعت و Δt به معنی تغییرات زمانی است.



البته باید در نظر داشت که برای برخی از کمیت‌های فرعی نیز در علم فیزیک به منظور قدردانی از کسانی که برای کشف یا تشریح آن کمیت تلاش نموده‌اند، یکاهای معادل با یکای آنها، با در نظر گرفتن اسم آن شخص تعریف می‌کنند. به عنوان مثال در فیزیک، $\frac{\text{kg}}{\text{s}^2}$ را با حرف N نشان می‌دهند و آن را **نیوتن** می‌خوانند.

تبدیل یکاها و پیشوندها: در بخش پیش اشاره گردید که یکی از فواید استفاده از دستگاه بین‌المللی یکاها این است که می‌توان در آن، اندازه‌گیری‌ها را بر اساس توانی از 10 نمایش داد. به همین منظور برای توضیح اینکه چه توانی از 10 را باید برای آن اندازه‌گیری در نظر گرفت، می‌توان از پیشوندها استفاده نمود. پیشوندهای عددی عباراتی هستند که با خود اعداد بسیار بزرگ و یا بسیار کوچک را به همراه می‌آورند، به عنوان نمونه کیلو یعنی هزار و میلی یعنی یک هزارم. این پیشوندها می‌توانند همراه کمیت‌های فیزیکی مانند گرم یا متر و ... بیایند (شکل ۱-۷). پیشوندها به خصوص در زمانی که اندازه‌گیری‌ها خیلی کوچک و یا خیلی بزرگ باشند قابل استفاده‌اند، در جدول ۱-۲ برخی از پرکاربردترین پیشوندها و معنی آنها آورده شده است.

جدول ۱-۲ پیشوندهای مورد استفاده در دستگاه SI



شکل ۱-۷ پیشوندهای کوچک کننده یکای متر

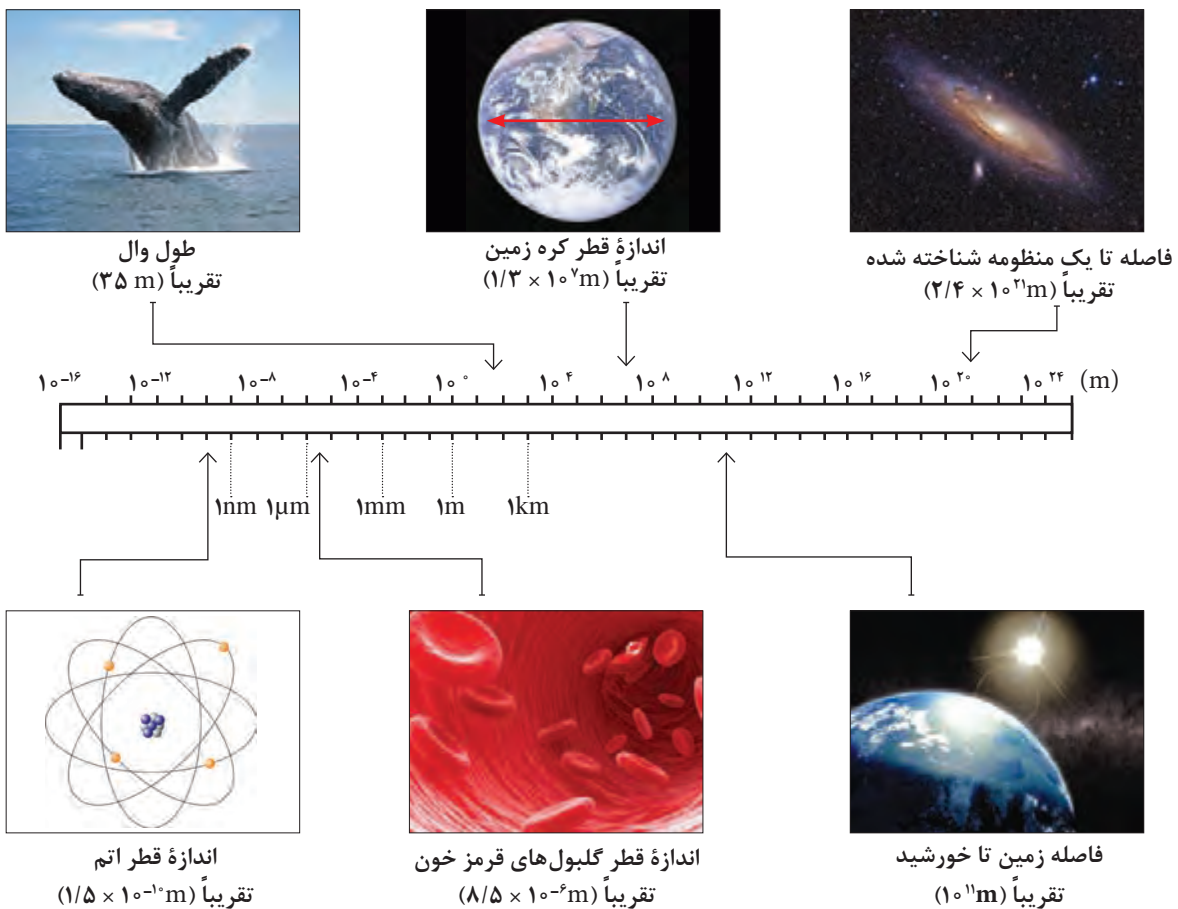
پیشوندهای کوچک کننده			پیشوندهای بزرگ کننده		
نماد	پیشوند	مضرب	نماد	پیشوند	مضرب
a	آتو	10^{-18}	E	اگزا	10^{+18}
f	فمتو	10^{-15}	P	پنتا	10^{+15}
p	پیکو	10^{-12}	T	ترا	10^{+12}
n	نانو	10^{-9}	G	گیگا	10^{+9}
μ	میکرو	10^{-6}	M	مگا	10^{+6}
m	میلی	10^{-3}	k	کیلو	10^{+3}
c	سانتی	10^{-2}	H	هکتو	10^{+2}
d	دسی	10^{-1}	da	دکا	10^{+1}



علم و فناوری نانو (نانو تکنولوژی) توانایی به دست گرفتن کنترل ماده را در ابعاد نانومتری (مولکولی) و بهره‌برداری از خواص و پدیده‌های این بعد در مواد، ابزارها و سیستم‌های نوین را دارد.

این حوزه نوظهور از علم، باعث پیشرفت‌های بسیاری در حوزه پزشکی، داروسازی، صنعت و ... گردیده است که کشور ایران نیز سهم بسیار مهمی در پیشرفت آن داشته است.

در شکل ۸-۱ مجموعه‌ای از طول‌های متفاوت، از خیلی کوچک تا خیلی بزرگ که در اطراف ما وجود دارد، نمایش داده شده است. با در نظر گرفتن این گستره طول‌ها، به اهمیت استفاده از دستگاه بین‌المللی یکاها و پیشوندهای آن پی می‌بریم.



شکل ۸-۱ گستره طولی جهان پیرامون ما

حال که با مفهوم و معنای پیشوندها در دستگاه بین‌المللی یکاها آشنا شدیم، یادآور می‌شویم که در فیزیک و در برخی مسائل، ما ناچار به تغییر پیشوند یکای اندازه‌گیری‌های انجام شده هستیم، برای این منظور باید از **ضرایب تبدیل** استفاده نماییم. ضرایب تبدیل، کسرهایی هستند که توسط آنها پیشوندهای قبلی حذف و پیشوندهای موردنظر جایگزین می‌شوند. برای آشنایی با شیوه ساخت و کاربرد این ضرایب به مثال زیر دقت کنید.

نکته



مقدار کسرهایی ضریب تبدیل برابر یک است و تنها برای تبدیل یکا استفاده می‌شوند.

مثال



تبدیل یکاهای زیر را انجام دهید.

الف) $10^{-6} \text{g} = ? \text{mg}$

پاسخ: برای یافتن ضریب تبدیل مورد نیاز، با رجوع به جدول ۱-۲ در می‌یابیم که ۱ میلی‌گرم (۱mg) معادل (10^{-3}g) است. در نتیجه خواهیم داشت:

$$1 \text{mg} = 10^{-3} \text{g} \Rightarrow \frac{1 \text{mg}}{10^{-3} \text{g}} = 1 \quad \text{یا} \quad \frac{10^{-3} \text{g}}{1 \text{mg}} = 1$$

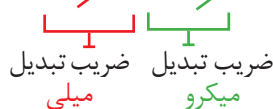
حال با توجه به اینکه در تبدیل یکای خواسته شده، باید یکای گرم (g) حذف و به جای آن یکای میلی‌گرم (mg) قرار گیرد، کافی است ضریب تبدیل مناسب آن را در مقدار عددی سؤال ضرب کنیم:

$$10^{-6} \text{g} = ? \text{mg} \Rightarrow 10^{-6} \text{g} \times \frac{1 \text{mg}}{10^{-3} \text{g}} = 10^{-3} \text{mg}$$

ب) $25 \text{mm} = ? \mu\text{m}$

پاسخ: در این مثال ابتدا می‌بایست، پیشوند یکای میلی (m) برداشته شود و به جای آن پیشوند میکرو (μ) قرار گیرد. در نتیجه با دو ضریب تبدیل مختلف روبه‌رو هستیم:

$$25 \text{mm} = ? \mu\text{m} \Rightarrow 25 \text{mm} \times \frac{10^{-3} \text{m}}{1 \text{mm}} \times \frac{1 \mu\text{m}}{10^{-6} \text{m}} = 25 \times 10^{-3+6} \mu\text{m}$$



نکته



۱- تنها یکاهای مربوط به یک کمیت را می‌توان به یکدیگر تبدیل نمود. یعنی هیچ‌گاه نمی‌توان یکای زمان را به جرم تبدیل نمود.

۲- در تبدیل پیشوند یکاهای توان‌دار، مانند (مساحت (m^2) یا حجم (m^3) و ...) ضرایب تبدیل نیز باید به همان توان برسند و در عدد اصلی ضرب شوند.

۳- در تبدیل پیشوند یکاهای کسری باید برای تبدیل هر یک از پیشوندهای صورت و یا مخرج از ضریب تبدیل جداگانه‌ای استفاده نماییم.

مثال

تبدیل یکاهای خواسته شده را انجام دهید.

$$\text{الف) } 30 \text{ cm}^3 = ? \text{ nm}^3$$

پاسخ:

$$30 \text{ cm}^3 \times \left(\frac{10^{-2} \text{ m}}{1 \text{ cm}}\right)^3 \times \left(\frac{1 \text{ nm}}{10^{-9} \text{ m}}\right)^3 = 30 \times 10^{+21} \text{ nm}^3$$

$$\text{ب) } 72 \frac{\text{km}}{\text{h}} = ? \frac{\text{m}}{\text{s}}$$

پاسخ:

$$72 \frac{\text{km}}{\text{h}} \times \frac{10^{+3} \text{ m}}{1 \text{ km}} \times \frac{1 \text{ h}}{3600 \text{ s}} = 20 \frac{\text{m}}{\text{s}}$$

نکته

برای تبدیل یکای اندازه‌گیری می‌توان از قاعده زیر نیز استفاده نمود، البته باید در نظر داشت که اصلی‌ترین راه تبدیل یکاها در فیزیک، استفاده از ضرایب تبدیل است. این قاعده را با حل یک مثال توضیح می‌دهیم:

$$25 \text{ mm} = ? \mu\text{m} \Rightarrow 25 \text{ mm} = x \mu\text{m} \Rightarrow x = \frac{25 \times 10^{-3} \text{ m}}{10^{-6} \text{ m}} = 25 \times 10^{+3}$$

$$\Rightarrow 25 \text{ mm} = 25 \times 10^{+3} \mu\text{m}$$

تحقیق کنید

با بررسی و جست‌وجو در کتاب‌های تخصصی رشته خود و به کمک دبیر، یکاهای رایج در رشته خود را شناسایی کنید و رابطه تبدیل آنها را بر حسب یکاهای SI به دست آورده و به کلاس ارائه دهید.

نمادگذاری علمی: همان‌گونه که اشاره شد، در فیزیک کمیت‌های بسیار زیادی برای اندازه‌گیری وجود دارد و با اندازه‌گیری هر یک از این کمیت‌ها با اعداد کوچک و بزرگ متفاوتی روبرو می‌شویم. برای مثال فاصله میان ماه تا زمین در حدود ۳۸۴,۴۰۰,۰۰۰ متر است و یا اندازه یک باکتری، کوچک‌تر از ۰/۰۰۰۰۰۲ متر است. همان‌طور که مشاهده می‌کنید به خاطر سپردن این اعداد کمی مشکل و حتی مقایسه آنها با یکدیگر از لحاظ بزرگی و کوچکی بسیار سخت است. برای حل این مشکل می‌توان تمام اندازه‌گیری‌های گزارش شده در فیزیک را به صورت نمادگذاری علمی و بر اساس توانی بر پایه ۱۰ ارائه نمود. به این منظور کافی است از قاعده زیر پیروی کنیم:

$$[x = m \times 10^n \quad (1 \leq m < 10)]$$

که n یک عدد صحیح مثبت (به ازای تعداد اعشارهایی که به سمت چپ می‌رود) یا منفی (به تعداد اعشارهایی که به سمت راست می‌رود) است. با این شرایط می‌توان گفت که در گزارش یک عدد به صورت نماد علمی لازم است تنها یک عدد صحیح در سمت چپ اعشار قرار گیرد. حال برای تبدیل فاصله میان ماه تا زمین می‌بایست به تعداد ۸ اعشار به سمت چپ برویم تا به یک عدد صحیح (۳) میان ۱ تا ۱۰ برسیم پس خواهیم داشت:

$$3/844 \times 10^8 \text{ m}$$

یا در نوشتن اندازه یک باکتری کوچک بر اساس نمادگذاری علمی باید به تعداد ۶ اعشار به سمت راست برویم تا به یک عدد صحیح (۲) میان ۱ تا ۱۰ برسیم، پس خواهیم داشت:

$$2 \times 10^{-6} \text{ m}$$

جدول ۳-۱ بیان چند کمیت به صورت نمادگذاری علمی

نمونه	اندازه کمیت (شامل عدد و یکا)	بیان به صورت نمادگذاری علمی
میانگین حجم بنزین مصرفی در ایران در فاصله روزهای ۲۵ اسفند ۱۴۰۰ تا یکم فروردین ماه ۱۴۰۱	۱۱۲۰۰۰۰۰۰ L	$1.12 \times 10^8 \text{ L}$
قطر موی انسان	۰/۰۰۰۰۰۰۸۰۱ m	$8.01 \times 10^{-6} \text{ m}$
مقدار بار الکتریکی الکترون	$1.6 \times 10^{-19} \mu\text{c}$	$1.6 \times 10^{-19} \mu\text{c}$

نمایش اعداد توان دار، به خصوص در صفحات دیجیتالی کوچک همانند ماشین حساب های مهندسی، همیشه امکان پذیر نیست. به همین دلیل در این گونه ابزارها، نمادگذاری علمی را در قالب mEn نمایش می دهند که به معنای $10^n \times m$ می باشد، برای مثال می دانیم که یک مول از هر ذره (اتم، مولکول یا یون) به تعداد عدد آووگادرو از آن ذره است، این عدد (6.02×10^{23}) به صورت نمادگذاری علمی در یک ماشین حساب مهندسی به این شکل نمایش داده می شود:

6.02E23

بیشتر بدانید



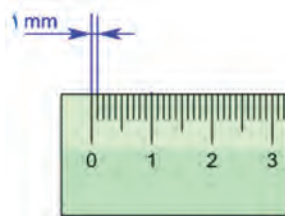
شایستگی ۲- تجزیه و تحلیل و کاربرد ابزارهای اندازه گیری

اندازه گیری کمیت ها



شکل ۹-۱ این حادثه، نتیجه یک خطای بسیار کوچک در تخمین مسافت توقف در پایان یک سفر طولانی است.

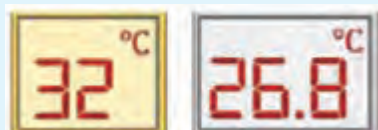
دانشمندان حوزه های مختلف علم (فیزیک، شیمی، زیست شناسی و...) برای اثبات فرضیه های خود دست به انجام آزمایش می زنند و لازمه انجام بسیاری از آزمایش ها در علم، اندازه گیری می باشد. هرچه اندازه گیری های صورت گرفته دقیق تر باشند، نتایج حاصل از آن آزمایش ها نیز قابل اعتمادتر خواهند بود. در واقع هیچ گاه نمی توان ادعا نمود که مقدار دقیق یک کمیت را اندازه گیری کرده ایم زیرا همواره عواملی همچون خطای ناشی از محدودیت وسایل اندازه گیری، خطای فرد آزمایشگر، خطای وسایل اندازه گیری به دلیل کالیبره نبودن و... بر نتایج به دست آمده از اندازه گیری ها تأثیرگذار هستند (شکل ۹-۱).



شکل ۱-۱ کوچک‌ترین درجه‌بندی این خط‌کش ۱mm است.

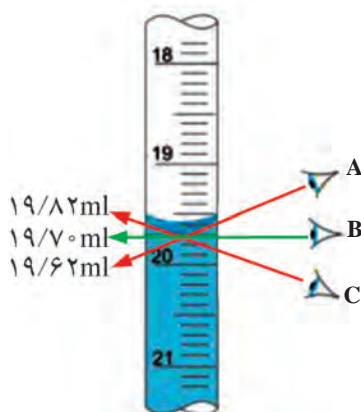
با وجود این، توجه به عوامل زیر نقش مهمی در افزایش دقت اندازه‌گیری دارد.
۱- قدرت تفکیک وسیله اندازه‌گیری: کوچک‌ترین تقسیم‌بندی یک وسیله اندازه‌گیری را **قدرت تفکیک** یا **دقت** یا **رزولوشن**^۱ آن وسیله می‌نامیم. یکی از روش‌های کاهش خطا در اندازه‌گیری، استفاده از وسایل اندازه‌گیری با قدرت تفکیک بالا است. به عنوان مثال کوچک‌ترین درجه‌بندی یک خط‌کش معمولی، ۱ میلی‌متر است در نتیجه قدرت تفکیک آن ۱mm خواهد بود.

بیشتر بدانید



قدرت تفکیک وسایل اندازه‌گیری در ابزارهای رقمی (دیجیتال)، برابر یک واحد از آخرین رقمی است که آن ابزار نمایش می‌دهد. به عنوان مثال آخرین رقمی که دماسنج رقمی سمت راست اندازه‌گیری کرده است ۰/۸ است، پس قدرت تفکیک آن ۰/۱ است و دماسنج سمت چپ ۱ درجه است.

۲- مهارت شخص آزمایشگر: از عوامل دیگر تأثیرگذار روی دقت اندازه‌گیری، مهارت شخص آزمایشگر در نحوه خواندن نتیجه اندازه‌گیری است. در شکل ۱-۱ خواندن نتیجه اندازه‌گیری از منظر B دقت بیشتری دارد.



شکل ۱-۱۱ خطای مشاهده، ناشی از اختلاف منظر، در خواندن و گزارش نتیجه اندازه‌گیری تأثیر مهمی دارد.

۳- تعداد دفعات اندازه‌گیری: برای افزایش دقت در اندازه‌گیری هر کمیت، معمولاً اندازه‌گیری آن را چند بار تکرار کرده و میانگین عددهای حاصل از اندازه‌گیری به عنوان نتیجه اندازه‌گیری در نظر گرفته می‌شود. البته در میان عددهای اندازه‌گیری، اگر یک یا دو عدد اختلاف زیادی با بقیه داشته باشند در میانگین‌گیری به حساب نمی‌آیند.

این نتیجه را در میانگین‌گیری در نظر نمی‌گیریم.

اندازه واقعی کمیت مورد نظر اینجاست.



شکل ۱-۱۲ هر نشانه قرمز رنگ، نشان‌دهنده نتیجه یک اندازه‌گیری است.



با تشکیل گروه‌هایی از هم‌کلاسی‌های خود، تکه‌ای از سیم لاکه‌ای نازک یا نخ قرقره تهیه نمایید. آزمایشی طراحی و اجرا کنید که به کمک یک خط‌کش میلی‌متری بتوان قطر این سیم یا نخ را اندازه‌گیری کرد.

تفاوت دقت^۱ و صحت^۲ (درستی): دقت به معنای نزدیک بودن مقادیر اندازه‌گیری به همدیگر است، خواه این مقادیر واقعیت را نشان بدهد یا خیر و صحت به معنای نزدیکی مقادیر اندازه‌گیری شده به مقدار واقعی است. برای درک بهتر تفاوت میان دقت و صحت به مثالی که در ادامه آمده است، توجه کنید.

مثال



چند نفر توسط تفنگ‌های بادی به سیبل‌هایی مطابق شکل‌های زیر شلیک کرده‌اند، اگر مبنای شلیک، برخورد گلوله به وسط سیبل باشد، چه توضیحی در رابطه با میزان دقت و صحت هر یک از این افراد وجود دارد؟



در شکل الف دقت و صحت، در شکل ب تنها دقت، در شکل پ نه دقت و نه صحت.

کاربرد فناوری در صنعت



در صنعت و به‌خصوص در حوزه قطعه‌سازی همواره به دنبال استفاده از دقیق‌ترین ابزارها برای اندازه‌گیری و تراش قطعات هستیم. یکی از دستگاه‌های تراش که از دقت بالایی نیز برخوردار هستند، دستگاه تراش CNC است. این دستگاه‌ها با استفاده از رایانه و امکانات حافظه‌ای خود اطلاعات وارد شده را پردازش می‌کنند و این اطلاعات توسط ریزپردازنده‌ها (میکروپروسورها) به علائم کنترل برای ماشین‌های افزار (دستگاه‌های ویژه کارهای مختلف صنعتی) تبدیل می‌شود. همچنین از این تکنولوژی در ساخت دستگاه‌های برش پارچه، کارتن، چوب و ... نیز استفاده می‌کنند که با بالا بردن دقت، محصول نهایی از کیفیت ظاهری به تناسب بالاتری برخوردار خواهد بود.

وسایل اندازه‌گیری: در فیزیک و در هر علمی برای اندازه‌گیری کمیت‌های مخصوص آن علم از وسایل اندازه‌گیری متناسب با آن کمیت‌ها استفاده می‌کنیم. در کتاب‌های **علوم تجربی دوره اول متوسطه** با برخی از مهم‌ترین وسایل اندازه‌گیری کمیت‌هایی نظیر طول (خط‌کش، متر، ...)، جرم (ترازو) و... آشنا شده‌اید. در برخی محیط‌های صنعتی که **دقت اندازه‌گیری** از اهمیت بالایی برخوردار است، برای اندازه‌گیری‌ها سعی می‌شود از ابزاری با **قدرت تفکیک بالاتر** استفاده کنند. برای مثال در تراشکاری‌ها، برای اندازه‌گیری طول قطعه مورد نظر معمولاً از وسایلی مانند **کولیس** و **ریزنسج** استفاده می‌شود. زیرا این وسایل از قدرت تفکیک بالاتری برخوردارند و می‌توانند مقادیر کوچک‌تری از طول را اندازه‌گیری کنند. به این منظور در این بخش به بررسی ساختمان این وسایل و نحوه استفاده از آنها می‌پردازیم.

تحقیق کنید



با مراجعه به یک پلافروشی و یا یک مغازه فروش ادویه‌های غذایی در مورد وسایل و یکاهای اندازه‌گیری به کاررفته در این اصناف برای سنجش جرم و قدرت تفکیک این وسایل، گزارشی تهیه و به کلاس ارائه دهید.

بیشتر بدانید



معمولاً وسایل اندازه‌گیری به دو صورت مدرج (آنالوگ) و رقمی (دیجیتال) ساخته شده‌اند که نمونه‌هایی از آنها را در تصاویر زیر می‌بینید.

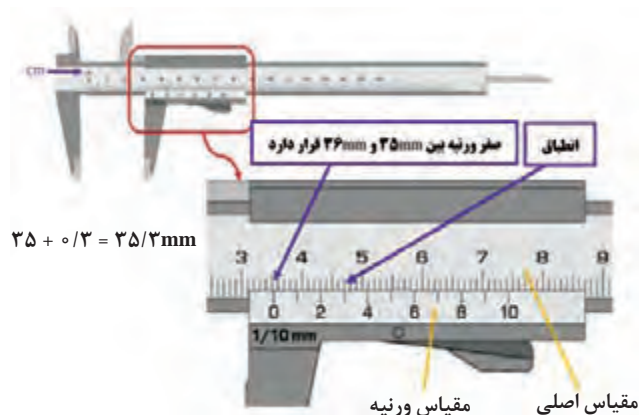


وسایل اندازه‌گیری رقمی (دیجیتال)



وسایل اندازه‌گیری مدرج (آنالوگ)

همان‌طور که در شکل ۱-۱۳ مشاهده می‌کنید، کولیس از یک خط‌کش معمولی ساخته شده که قدرت تفکیک این خط‌کش ۱ میلی‌متر (mm) است و بر روی این خط‌کش قطعه‌ای به نام **ورنیه** قرار گرفته است. وظیفه ورنیه افزایش قدرت تفکیک خط‌کش است و با توجه به تعداد تقسیم‌بندی‌های روی ورنیه، قدرت تفکیک کولیس‌های مرسوم ۰/۱ میلی‌متر، ۰/۰۵ میلی‌متر و ۰/۰۲ میلی‌متر است.



شکل ۱-۱۳ نحوه خواندن نتیجه اندازه‌گیری با کولیس ۰/۱ میلی‌متری

به نظر شما چگونه می‌توان ضخامت یک ورقه کاغذ A۴ را با استفاده از یک خط‌کش میلی‌متری اندازه‌گیری کرد؟ این کار را انجام داده و نتیجه آن را به کلاس خود گزارش دهید.

تجربه کنید



یکی دیگر از وسایل اندازه‌گیری دقیق طول در محیط‌ها و آزمایشگاه‌های صنعتی «ریزسنج» یا «میکرومتر» است. به کمک دبیر خود و با استفاده از فیلم‌های آموزشی شیوه کاربرد کولیس و ریزسنج، آزمایش زیر را برای آشنایی بیشتر با این دو وسیله انجام دهید.

آزمایش کنید



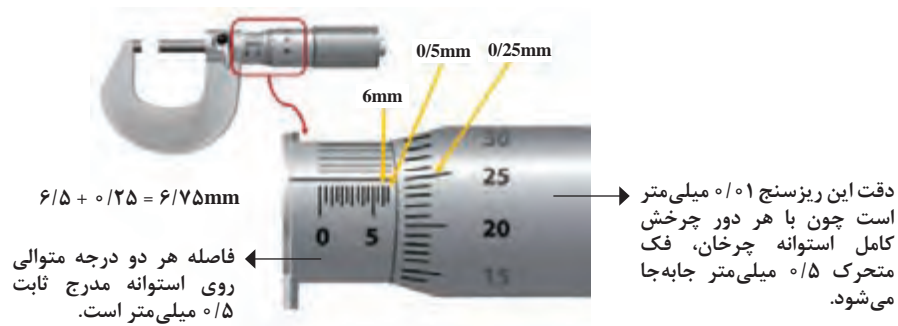
عنوان آزمایش: اندازه‌گیری ضخامت یک ورقه کاغذ A۴

وسایل اندازه‌گیری: کولیس، ریزسنج، ورقه کاغذ A۴

روش آزمایش: ابتدا به کمک یک کولیس و به کمک فک‌های اندازه‌گیری بیرونی، ضخامت یک ورقه کاغذ A۴ را ۳ بار اندازه‌گیری کنید و سپس میانگین مقادیر اندازه‌گیری شده را به عنوان مقدار صحیح ضخامت کاغذ یادداشت کنید. سپس همین کار را با استفاده از ریزسنج انجام دهید. پس از اتمام اندازه‌گیری‌ها به سؤالات زیر پاسخ دهید.

۱- با توجه به عددهای به دست آمده در هر مرحله، قدرت تفکیک کولیس و ریزسنج در آزمایشگاه مدرسه شما چه اندازه است؟

۲- به نظر شما و با توجه به اعداد به دست آمده در هر مرحله، دقت اندازه‌گیری با کدام وسیله، بیشتر است؟



شکل ۱۴-۱ نحوه خواندن نتیجه اندازه‌گیری با ریزسنج 0.01 میلی‌متری

وسایل اندازه‌گیری ثابت، آن دسته از وسایل اندازه‌گیری هستند که توسط آنها، تنها می‌توان فقط یک بُعد و یا یک مقدار خاص را اندازه‌گیری نمود، مانند شابلون‌ها، شعاع‌سنج، فیلر، شابلون میله و ...

بیشتر بدانید



شابلون میله
(اندازه‌گیری قطر میله‌ها)



شابلون فیلر
(اندازه‌گیری شکاف‌ها و شیارها)



شابلون زاویه
(اندازه‌گیری زاویه قطعات)

کمیت‌های برداری و نرده‌ای

در ریاضیات، هنگامی که می‌گویید من ۵ کتاب، ۶ سیب و ۱ دوچرخه دارم، اعداد ۵، ۶ و ۱ بیانگر تعداد اشیایی است که شما داشته‌اید. در فیزیک نیز با کمیت‌های بسیاری روبه‌رو هستیم که با بیان اندازه و یکای مناسب، به‌طور کامل مشخص می‌شوند. برای مثال، هنگامی که گفته می‌شود مساحت این کلاس ۱۲ مترمربع و یا دمای هوای اتاق ۲۵ درجه سانتی‌گراد است، شما با بیان یک عدد به‌عنوان اندازه و یک یکای متناسب با آن کمیت، منظور خود را به‌طور کامل رسانده‌اید. این دسته از کمیت‌ها در فیزیک را کمیت‌های **اسکالر**، **نرده‌ای** و یا **عددی** می‌نامیم.

کمیت نرده‌ای

کمیتی است که برای مشخص شدن، تنها به تعیین **اندازه** و **یکای مناسب** نیاز دارد و از **روش‌های جمع و تفریق جبری (ریاضی)** پیروی می‌کند.

نکته



اما برای تعیین همهٔ کمیت‌های فیزیکی بیان اندازه و یکای مناسب کافی نیست. قبل از ورود به بحث و آشنایی با نوع دیگر کمیت‌ها به مثال زیر دقت کنید.

تصور کنید شما در کلاس ایستاده‌اید و چشمان خود را بسته‌اید. آنگاه از دوست خود می‌خواهید مکان قرارگیری میز کار را برای شما مشخص کند. اگر او به شما بگوید: کافی است ۴ متر جابه‌جا شوید، به نظر شما یافتن مکان میز، کار ساده‌ای خواهد بود؟ به احتمال زیاد پاسخ شما به این سؤال خیر است. به بیان دیگر برای آنکه مکان میز کار خود را بیابید؛ دوست شما باید علاوه بر تعیین مقدار و یکای مناسب برای کمیت جابه‌جایی، جهت حرکت شما را نیز تعیین می‌کرد. برای مثال می‌گفت: ۴ متر به طرف جلو یا ۴ متر به طرف راست و ... جابه‌جا شوید.

همان‌طور که از مثال بالا می‌توان نتیجه گرفت برای تعیین برخی از کمیت‌های فیزیکی علاوه بر تعیین اندازه و یکای مناسب، تعیین جهت نیز الزامی است، این دسته از کمیت‌ها را **کمیت‌های برداری** می‌نامیم (شکل ۱-۱۵).



شکل ۱-۱۵ سرمای هوا در یک روز زمستانی، هم به دمای هوا (-2°C) به‌عنوان یک کمیت نرده‌ای و همچنین سرعت باد ($20 \frac{\text{km}}{\text{h}}$ به طرف شرق) به‌عنوان یک کمیت برداری بستگی دارد.

شما در درس **علوم تجربی پایهٔ نهم** با مفهوم تندی و سرعت آشنا شده‌اید. با این توضیحات درخواهید یافت که «تندی» کمیتی نرده‌ای است، زیرا تنها با بیان یک اندازه و یکای مناسب تعریف می‌شود ولی «سرعت» کمیتی برداری است، زیرا برای تعیین آن علاوه بر مشخص کردن تندی حرکت، باید جهت حرکت را نیز مشخص کنیم.

برای مثال هنگامی که گفته می‌شود یک اتومبیل با سرعت ۱۰۰ کیلومتر بر ساعت در یک بزرگراه از طرف شمال به جنوب در حال حرکت است، شما با بیان ۱۰۰ کیلومتر بر ساعت، اندازه و یکای سرعت را مشخص کرده‌اید و با بیان از شمال به جنوب جهت حرکت آن را نیز تعیین نموده‌اید.



همهٔ شما در بزرگراه‌ها با تابلوهایی به شکل روبه‌رو که محدودهٔ سرعت را در آن بزرگراه تعیین نموده‌اند، آشنا شده‌اید. به نظر شما منظور از نصب این تابلوها اعلام تندی یا سرعت مجاز برای حرکت انواع خودروها است؟ پاسخ خود را توضیح دهید.

فکر کنید



کمیت برداری

کمیتی است که علاوه بر تعیین اندازه و یکای مناسب، به تعیین جهت نیز نیاز دارد و از روش‌های جمع و ضرب برداری پیروی می‌کند.

نکته

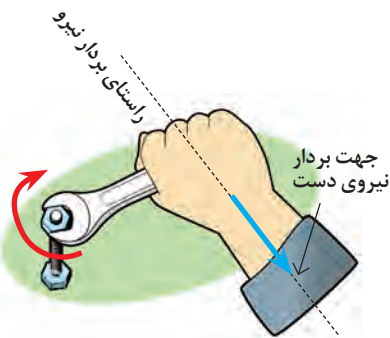


تجربه کنید



با تشکیل گروه‌هایی از هم‌کلاسی‌های خود، تمامی کمیت‌هایی که در کتاب‌های علوم تجربی دوره اول متوسطه خوانده‌اید را شناسایی کرده و در جدول زیر وارد نمایید. سپس با توجه به ویژگی‌های هر یک از این کمیت‌ها، تعیین کنید که هر کدام جزو کدام دسته از کمیت‌های تعیین شده در این پودمان‌اند.

نام کمیت	کمیت اصلی	کمیت فرعی	کمیت نرده‌ای	کمیت برداری



شکل ۱۶-۱ راستا و جهت یک بردار

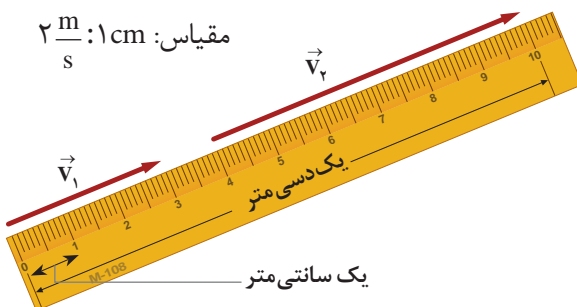
نمایش کمیت‌های برداری: با توجه به اینکه کمیت‌های برداری با کمیت‌های نرده‌ای تفاوت دارند، نمایش آنها نیز از روش‌های ویژه پیروی می‌کند. برای نمایش ریاضی کمیت‌های برداری، لازم است نماد آن کمیت را نوشته و در بالای آن علامت بردار بگذاریم.

برای مثال نیرو یکی از کمیت‌های برداری در فیزیک است (چرا؟) که آن را به صورت \vec{F} نشان می‌دهند. همچنین برای نشان دادن مقدار (یا اندازه) یک کمیت برداری، از علامت قدر مطلق استفاده می‌شود. یعنی اندازه یک بردار نیرو را به این صورت $|\vec{F}|$ یا بدون علامت بردار F نشان می‌دهند.

همان‌گونه که اشاره گردید، کمیت‌های برداری، کمیت‌هایی جهت‌دار هستند. در نتیجه آنها را با پاره‌خط‌های جهت‌دار (پیکان) نمایش می‌دهیم. می‌دانیم که هر پیکان دارای اندازه (طول پیکان) و سو (سوی نمایش داده شده توسط نوک پیکان) و راستای مشخصی است (شکل ۱۶-۱).

در نتیجه طول هر پیکان باید بیانگر مقیاسی از اندازه آن کمیت برداری و جهت و راستای آن بیانگر ویژگی‌های آن کمیت برداری باشد. برای فهم بهتر این موضوع به مثالی که در ادامه آمده است، توجه کنید.

مثال



می‌دانیم، سرعت کمیتی برداری است. در نتیجه برای نمایش آن از پاره‌خط‌های جهت‌دار استفاده می‌شود. بر این اساس اگر بخواهیم دو بردار هم‌جهت سرعت با اندازه‌های $v_1 = 6 \frac{m}{s}$ و $v_2 = 12 \frac{m}{s}$ را نشان دهیم، خواهیم داشت:

۱- راستا؛ خطی است که بردار بر روی آن در حال حرکت است.

در مسائل برای بیان جهت یک بردار قواعد بسیاری وجود دارد. یکی از ساده‌ترین قواعد تعیین جهت به صورت زیر است:

● نیروی ۴ نیوتن از چپ به راست به جسمی وارد می‌شود.

● بالنی به سرعت ۶۰ کیلومتر بر ساعت به طرف بالا در حرکت است.

همچنین از دیگر راه‌های نمایش جهت یک بردار، استفاده از جهت‌های اصلی شمال، جنوب، غرب و شرق است. ولی اگر برداری دقیقاً در راستای یکی از این جهات قرار نگیرد، چگونه باید جهت آن بردار را مشخص نمود؟ برای پاسخ به این سؤال به مثال زیر توجه کنید.

مثال

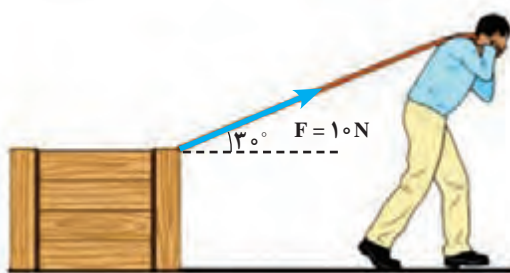


جهت بردارهای خواسته شده را مشخص کنید.

الف) بردار نیرو

پاسخ:

با توجه به شکل، شخص بردار نیرویی به اندازه ۱۰ نیوتن و تحت زاویه ۳۰ درجه بالای افق به جعبه وارد می‌کند.



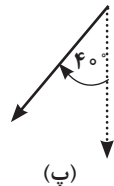
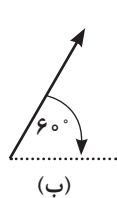
ب) بردار سرعت

در شکل زیر، خودرویی با سرعت $60 \frac{\text{km}}{\text{h}}$ در جهت ۵۳° جنوب شرق در حال حرکت است.



جهت هر یک از پیکان‌های ترسیم‌شده را با استفاده از قواعد گفته شده مشخص کنید.

تمرین کنید



با توجه به قواعدی که در بالا به آن اشاره گردید، می‌توان نتیجه گرفت که برای رسم یک کمیت برداری، باید مراحل زیر انجام شود:

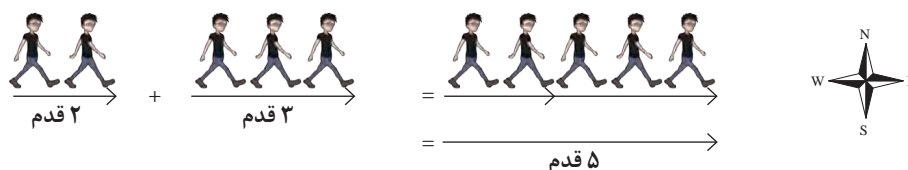
نکته



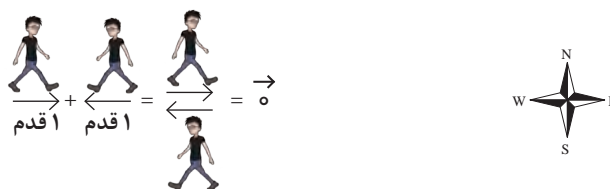
- ۱- مقیاسی را برای رسم آن کمیت برداری در نظر بگیرید.
- ۲- طول بردار معرف آن کمیت را با مقیاس اندازه آن کمیت با مقیاس در نظر گرفته شده، تعیین کنید.
- ۳- بر اساس جهت داده شده و با توجه به قواعد رسم بردارها، بردار آن کمیت را رسم کنید.

قواعد جمع برداری: همان‌گونه که قبلاً گفته شد، بر خلاف کمیت‌های نرده‌ای مانند دما، انرژی، مسافت و ... که برای جمع و تفریق از قواعد جبری پیروی می‌کنند، برای تعیین کمیت‌های برداری، علاوه بر اندازه و یکای مناسب، تعیین جهت نیز الزامی است. این کمیت‌ها باید برای جمع و تفریق با یکدیگر از دستورهایی پیروی کنند که در آن جهت کمیت برداری نیز لحاظ شده باشد.

برای مثال می‌دانیم جابه‌جایی کمیتی برداری است. فرض کنید شما بر روی یک مسیر مستقیم، دو قدم به طرف شرق برداشته‌اید و سپس سه قدم دیگر در همان جهت برمی‌دارید، در آن صورت اگر از شما پرسند که از نقطه شروع تا پایان حرکت چند قدم برداشته‌اید خواهید گفت پنج قدم به طرف شرق. اگر بخواهیم جابه‌جایی‌های شما را با بردار نمایش دهیم، خواهیم داشت:



حال شرایط دیگری را در نظر بگیرید. اگر شما یک قدم به طرف شرق برداشته و سپس یک قدم به طرف غرب بردارید، جابه‌جایی شما صفر خواهد بود در حالی که شما به اندازه دو قدم مسافت پیموده‌اید، در نتیجه خواهیم داشت:



با این مثال، بردار برابری را این‌گونه تعریف می‌نماییم:

بردار برابری چند بردار، برداری است که اثر آن به تنهایی مشابه حالتی است که تمامی آن بردارها همراه با هم اثر کنند. اگر بردار برابری دو بردار A و B را با بردار R نمایش دهیم، خواهیم داشت:

$$\vec{R} = \vec{A} + \vec{B}$$

یک مسابقه طناب‌کشی میان دو گروه از هم‌کلاسی‌های خود ترتیب دهید و پس از پایان بازی و معلوم شدن گروه برنده، درباره بزرگی بردار برابری نیروهای گروه برنده و بازنده، با یکدیگر مشورت کرده و نتیجه را به کلاس ارائه دهید.

تجربه کنید



تصور کنید که بر روی یک مسیر مستقیم، ابتدا ۱۰ متر به طرف راست حرکت کرده‌اید و سپس از همان نقطه، ۲ متر به طرف چپ حرکت می‌کنید، در پایان شما چند متر جابه‌جا شده‌اید و در این حرکت چقدر مسافت پیموده‌اید؟

تمرین کنید





حال که با مفهوم جمع برداری آشنا شده‌اید، می‌توان قواعد جمع کمیت‌های برداری را با جزئیات بیشتری و برای موقعیت‌های پیچیده‌تری (مثلاً حرکت در راستاهای متفاوت) شرح داد. برای این منظور به شرح دو روش جمع هندسی بردارها که عبارت‌اند از جمع برداری به روش چندضلعی و به روش متوازی‌الاضلاع می‌پردازیم.

الف) جمع کمیت‌های برداری به روش چندضلعی: یکی از روش‌های استاندارد جمع کمیت‌های برداری روش چندضلعی است. این روش مخصوص زمانی است که با بیش از دو کمیت برداری روبه‌رو می‌شویم. البته از این روش برای جمع دو بردار نیز می‌توان استفاده کرد که در این صورت آن را «روش مثلثی» می‌نامیم. برای جمع چند بردار به روش چندضلعی مراحل زیر را طی خواهیم کرد:

- ۱- برداری هم‌سنگ^۱ با بردار اول رسم می‌کنیم.
- ۲- از انتهای بردار اول برداری هم‌سنگ با بردار دوم را رسم می‌کنیم و این عمل را تا آخرین بردار ادامه می‌دهیم.
- ۳- در این صورت بردار برابری این بردارها از لحاظ هندسی، برداری است که از ابتدای بردار اول شروع می‌شود و به انتهای بردار آخر ختم می‌گردد.
- ۴- اگر در ترسیم بردارها، روش اشاره شده در مورد تعیین مقیاس را اجرا کنیم، در آن صورت با اندازه‌گیری طول بردار برابری می‌توان اندازه آن کمیت برداری را به دست آورد. برای درک بهتر این روش به مثال زیر دقت کنید.

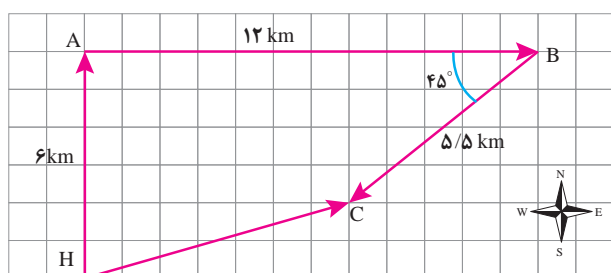
مثال



تصور کنید که می‌خواهید از منزل خود برای خرید به یک فروشگاه بروید. برای این منظور شما ابتدا به اندازه ۶ کیلومتر به طرف شمال حرکت کرده‌اید و سپس به اندازه ۱۲ کیلومتر به طرف شرق و در نهایت به اندازه ۵/۵ کیلومتر در جهت ۴۵ درجه جنوب غرب حرکت کرده و به فروشگاه می‌رسید. در این صورت مسافت پیموده شده در کل حرکت و جابه‌جایی کل انجام شده توسط شما به صورت زیر محاسبه می‌شود:

● **مسافت طی شده:** همان‌طور که می‌دانید، مسافت، کمیتی نرده‌ای است و از قواعد جمع جبری (ریاضی) پیروی می‌کند، در نتیجه برای محاسبه مسافت طی شده تنها باید تمامی مسافت‌های طی شده را بدون در نظر گرفتن جهت با یکدیگر جمع کنیم:

$$d = 6 + 12 + 5/5 = 23/5 \text{ km}$$



● **جابه‌جایی کل انجام شده:**

همان‌طور که می‌دانید، جابه‌جایی کل، جمع برداری جابه‌جایی‌های انجام شده است. در این صورت با استفاده از دستور جمع برداری به روش چندضلعی، خواهیم داشت:

۱- برداری هم‌اندازه و هم جهت با یک بردار را هم‌سنگ آن بردار می‌نامیم.

بردار HC بردار برایند سه بردار جابه‌جایی HA، AB و BC است. در نتیجه طول آن برابر با جابه‌جایی کل انجام شده توسط شما است. برای رسم این بردارها هر دو خانه کاغذ شطرنجی را معادل ۲ کیلومتر جابه‌جایی در نظر گرفته‌ایم (مقیاس انتخابی در این شکل تقریبی است) در نتیجه با اندازه‌گیری طول بردار برایند و مقایسه آن با مقیاس انتخابی خواهیم داشت:

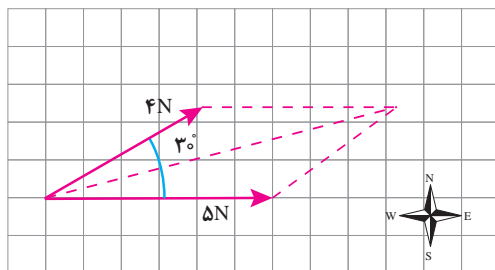
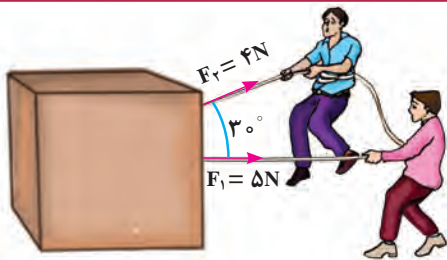
$$\frac{(\text{طول دوخانه}) 1 \text{ cm}}{3/6 \text{ cm}} = \frac{2 \text{ km}}{x} \rightarrow x = \frac{2 \text{ km} \times 3/6 \text{ cm}}{1 \text{ cm}} = 7/2 \text{ km}$$

ب) روش جمع هندسی دو بردار به شیوه متوازی‌الاضلاع: از این روش معمولاً برای جمع دو بردار استفاده می‌شود و در صورتی که با بیش از دو بردار مواجه گردیم، بهتر است از روش قبل استفاده کنیم. برای آشنایی بهتر با این روش به مثالی که در ادامه آمده است، توجه کنید.

بیشتر بدانید



مثال



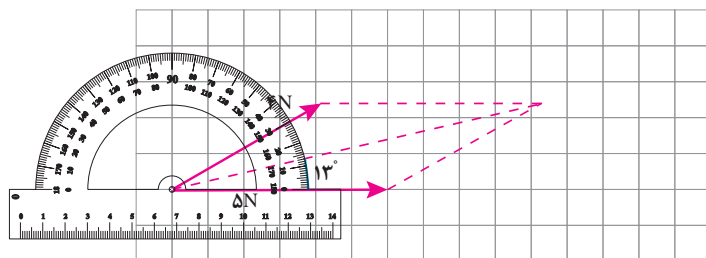
تصور کنید شما و دوستتان برای جابه‌جا کردن یک جعبه توسط دو ریسمان، مطابق شکل نیروهای ۴ و ۵ نیوتن را به جعبه وارد نموده‌اید، در آن صورت همان‌طور که خواهید دید جعبه نه در جهت نیروی ۴ نیوتن حرکت می‌کند و نه در جهت نیروی ۵ نیوتن. بلکه این جعبه در راستای نیروی برایند این دو نیرو جابه‌جا خواهد شد! برای محاسبه اندازه و جهت این نیروی برایند به روش متوازی‌الاضلاع به صورت زیر عمل خواهیم کرد:

۱- ابتدا هم‌سنگ دو بردار را از یک نقطه رسم می‌کنیم و خط‌چین‌ها را نیز رسم می‌کنیم تا یک متوازی‌الاضلاع تشکیل شود. در آن صورت بردار برایند برداری است که از ابتدای دو بردار شروع و به محل برخورد نقطه‌چین‌ها ختم می‌شود.

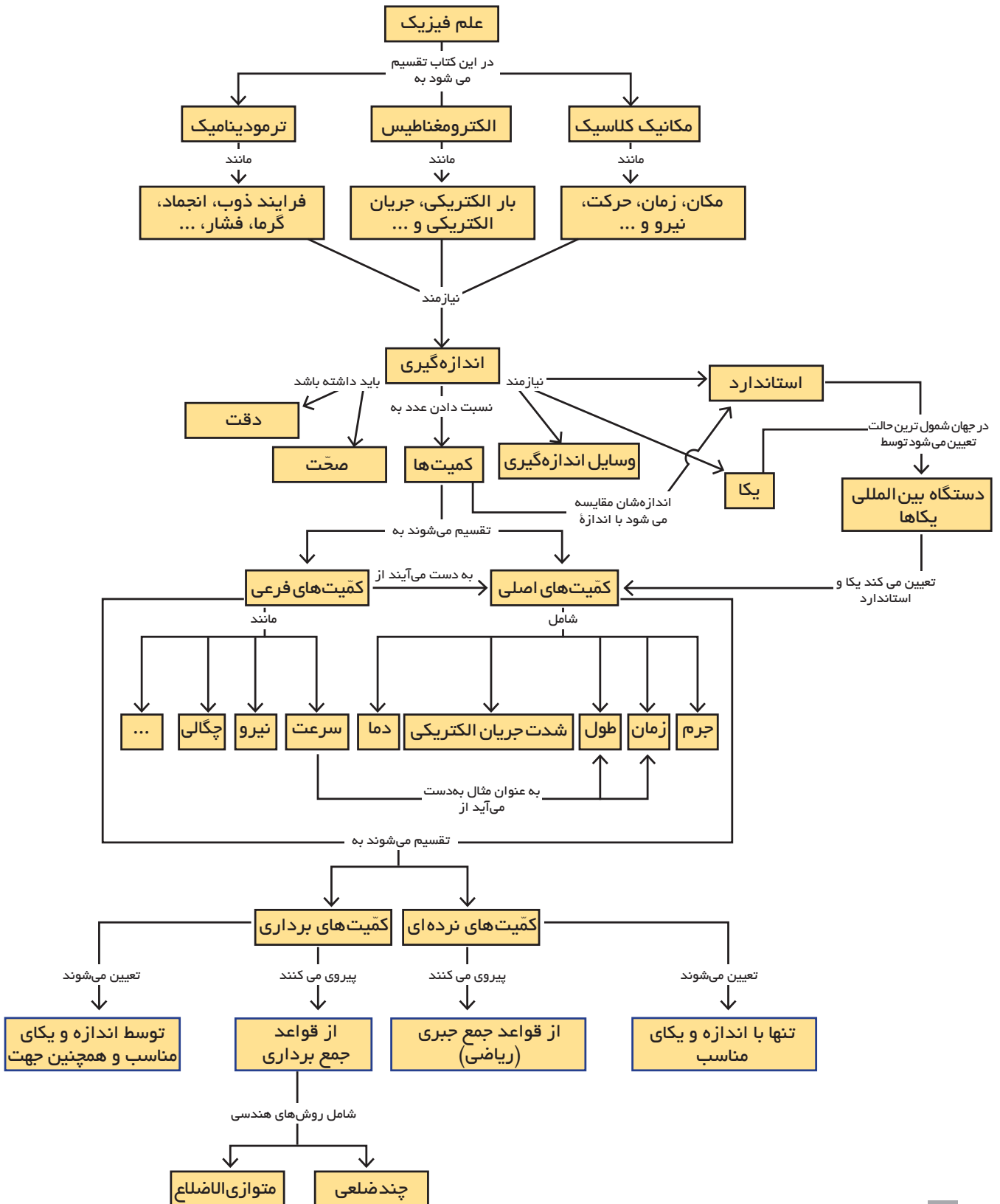
۲- همان‌گونه که مشاهده می‌کنید، برای رسم هر بردار از این مقیاس که هر ۱/۲ سانتی‌متر معادل ۲ نیوتن باشد، استفاده کرده‌ایم. در نتیجه با توجه به اینکه طول بردار برایند به دست آمده در این شکل تقریباً معادل ۴/۸ سانتی‌متر شده است، در آن صورت اندازه این نیرو تقریباً معادل ۸ نیوتن خواهد بود.

$$\frac{1/2 \text{ cm}}{2 \text{ N}} = \frac{4/8 \text{ cm}}{x} \rightarrow x = 8 \text{ N}$$

۳- برای محاسبه جهت نیروی برایند نیز کافی است به کمک نقاله، زاویه آن را با راستای افق (یعنی



بردار ۵ نیوتنی) رسم تصویر با قرار دادن نقاله اندازه بگیریم، که در این صورت تقریباً معادل ۱۳ درجه بالای افق، یعنی در جهت شمال شرق خواهد بود.

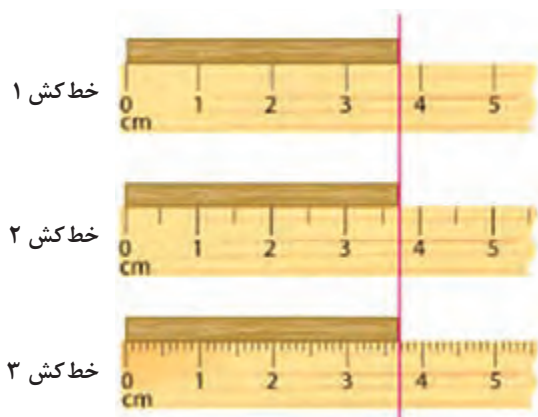




۱- به نظر شما منظور از نصب تابلوهای مشابه شکل روبه‌رو در کنار جاده‌های بیرون از شهر چیست؟ این موضوع چه ارتباطی با کمیت‌های برداری دارد؟

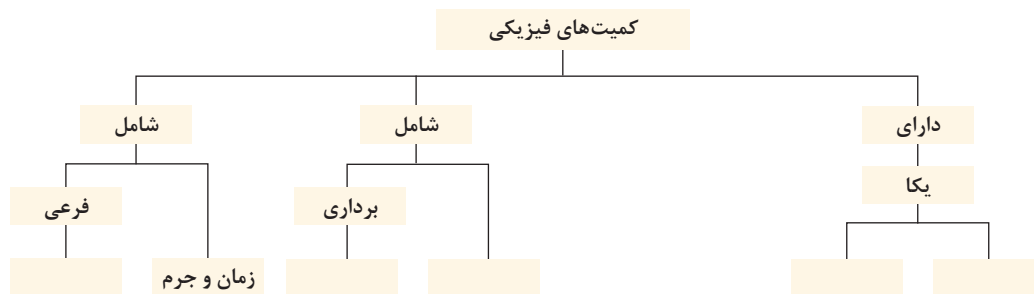
۲- اعداد زیر را برحسب اندازه از بزرگ‌ترین تا کوچک‌ترین مقدار منظم کنید:

$$۲/۷ \times ۱۰^۸ \mu\text{g} \quad \text{و} \quad ۴/۱ \times ۱۰^{-۸} \text{Gg} \quad \text{و} \quad ۲/۷ \times ۱۰^۵ \text{mg} \quad \text{و} \quad ۱۵\text{g} \quad \text{و} \quad ۰/۰۳۲\text{kg}$$



۳- نتیجه اندازه‌گیری با هر کدام از خط‌کش‌های زیر را با هم مقایسه نمایید. چه نتیجه‌ای می‌گیرید؟

۴- نقشه مفهومی زیر را کامل نمایید.



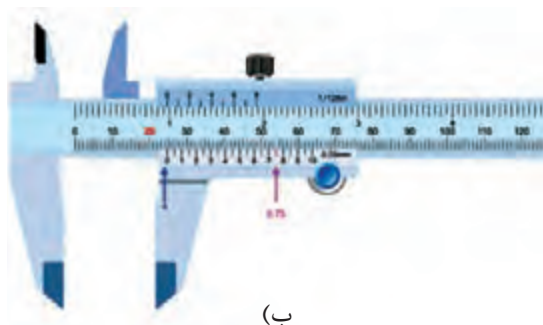
۵- سه هنرجو چگالی یک تکه فلز را سه بار اندازه‌گیری نموده‌اند. چگالی واقعی این قطعه $۱۱/۳۴ \frac{\text{g}}{\text{cm}^۳}$ است. با در نظر گرفتن اندازه‌های به‌دست آمده برای هر هنرجو، نتایج حاصل شده برای کدام هنرجو دقیق و برای کدام هنرجو صحیح و برای کدام هنرجو هم صحیح و هم دقیق است؟

۱- افشین: $۱۱/۳۲ \frac{\text{g}}{\text{cm}^۳}$ ، $۱۱/۳۵ \frac{\text{g}}{\text{cm}^۳}$ ، $۱۱/۳۳ \frac{\text{g}}{\text{cm}^۳}$

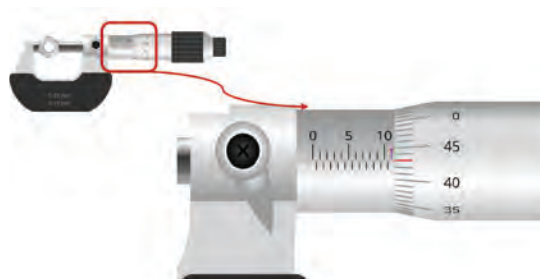
۲- آرش: $۱۱/۴۳ \frac{\text{g}}{\text{cm}^۳}$ ، $۱۱/۴۴ \frac{\text{g}}{\text{cm}^۳}$ ، $۱۱/۴۲ \frac{\text{g}}{\text{cm}^۳}$

۳- سروش: $۱۱/۰۴ \frac{\text{g}}{\text{cm}^۳}$ ، $۱۱/۳۴ \frac{\text{g}}{\text{cm}^۳}$ ، $۱۱/۵۵ \frac{\text{g}}{\text{cm}^۳}$

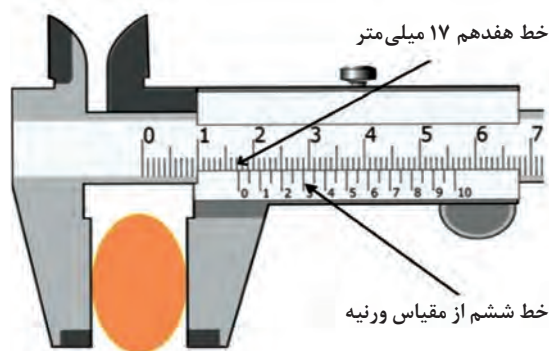
۱- نتیجه اندازه‌گیری توسط ریزسنج و کولیس زیر را گزارش دهید.



(ب)



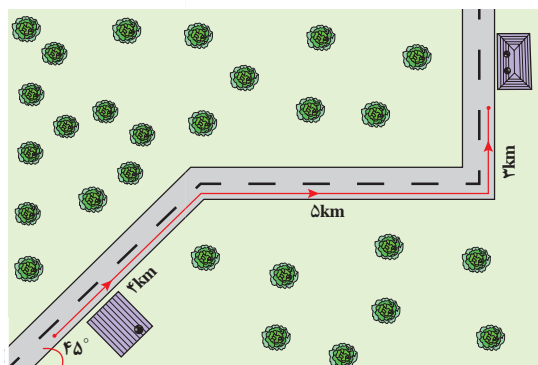
(الف)



(پ)

۲- یک قوطی رنگ با حجم $7/5 \times 10^{-3} \text{ m}^3$ دیواری به مساحت سطح 25 m^2 را می‌پوشاند. ضخامت رنگ بر روی دیوار بر حسب سانتی‌متر چقدر خواهد بود؟

۳- ویتامین D یکی از ویتامین‌های ضروری بدن است که برای جذب کلسیم، رشد استخوان‌ها و کارکرد بهتر و مؤثرتر سیستم ایمنی بدن و ... به آن نیاز داریم. میزان استاندارد مصرف ویتامین D در هر روز برابر 15 mg است. اگر بخواهیم این میزان از ویتامین D را تنها از طریق مصرف یک قرص مولتی‌ویتامین که حاوی 200 IU ویتامین D است، به‌دست آوریم، به‌نظر شما چند عدد از این قرص را باید در طول روز مصرف کنیم؟ ($1 \text{ IU} = 0.025 \text{ mg}$)



۴- شخصی فاصله میان محل زندگی و محل کار خود را به‌صورت مقابل می‌پیماید. اگر کل این جابه‌جایی در مدت ۲۵ دقیقه انجام گرفته باشد، (الف) اندازه جابه‌جایی این شخص را با رسم برداری و تعیین مقیاس بر روی کاغذ شطرنجی به‌دست آورید.

(ب) اندازه سرعت شخص چند $\frac{\text{km}}{\text{h}}$ بوده است؟

۱- پیشنهاد می‌شود در رابطه با منابع طبیعی ویتامین D در مواد غذایی که در طول روز مصرف می‌کنید، تحقیق انجام دهید.

۲- International Unit

پروژه انتخابی (نیمه تجویزی)

- ۱- همان‌طور که در ابتدای بحث اشاره شد، برخی از یک‌های اندازه‌گیری طول در قدیم بر اساس طول بخش‌هایی از بدن انتخاب شده‌اند. برای مثال طول بند انگشت شست معادل ۱ اینچ و یا اندازه کف پا معادل یک فوت حساب می‌شود. با در نظر گرفتن این معادل‌ها، مطلوب است:
 - الف) رابطه تبدیل میان یارد و اینچ را بر حسب اندازه بند انگشت شست دست و فاصله نوک بینی تا نوک انگشت میانی خود به دست آورید.
 - ب) رابطه میان فوت و اینچ را به شیوه بالا محاسبه کنید.
 - ج) رابطه میان یارد و فوت را به شیوه بالا محاسبه کنید.
 - د) اکنون روابط به دست آمده در سه قسمت نخست خود را با هم‌کلاسی‌های خود در میان بگذارید و همچنین مقدار دقیق این تبدیلات را مقایسه کنید. از این مقایسه چه نتیجه‌ای خواهید گرفت؟ به نظر شما چرا داشتن یک استاندارد مناسب برای اندازه‌گیری هر کمیتی اهمیت دارد؟
- ۲- با توجه به توانمندی خود جمع‌برداری را نمایش دهید. (ارائه در کاغذ شطرنجی، به صورت انیمیشن، به صورت دست‌ساز مکانیکی، ...)
- ۳- آزمایشی طراحی نمایید که بتواند اندازه یک برج ده طبقه را اندازه‌گیری نماید. چه مسیریابی پیشنهاد می‌کنید.

استاندارد ارزشیابی پیشرفت تحصیلی مبتنی بر شایستگی درس فیزیک پودمان اول (اندازه‌گیری)

عنوان پودمان	شایستگی‌های مورد انتظار (واحدهای یادگیری)	استاندارد عملکرد (کیفیت)	سطح شایستگی احراز	شاخص تحقق
اندازه‌گیری	۱- توانایی تبیین واقعیت‌ها بر حسب کمیت‌های فیزیکی ۲- تجزیه و تحلیل و کاربرد ابزارهای اندازه‌گیری	اندازه‌گیری کمیت‌های فیزیکی و نمایش مقادیر در دستگاه SI کاربرد مناسب ابزارهای اندازه‌گیری مدرج و دیجیتال	بالاتر از حد انتظار	انجام کلیه فعالیت‌های پودمان (اعم از تجربه کنید، تحقیق کنید، فکر کنید، آزمایش کنید و پروژه پیشنهادی ...)
			در حد انتظار	۱- تمیز کمیت‌های برداری از نرده‌ای ۲- مقایسه ابزارهای اندازه‌گیری با قدرت تفکیک متفاوت ۳- تمیز خطا در اندازه‌گیری و عوامل مؤثر بر آن ۴- تبدیل یکاهای آن به هم، اندازه‌گیری به شیوه نمادگذاری علمی ۵- توانایی کار با ابزار اندازه‌گیری
			پایین‌تر از حد انتظار	در صورتی‌که هنرجو تنها بخشی از شاخص‌های در حد انتظار (و نه همه آنها) را محقق نماید، پایین‌تر از حد انتظار ارزشیابی می‌شود.
لازم است تا کیفیت فرایند کسب شایستگی (بر اساس انجام فعالیت‌های کلاسی و آزمایشگاهی، نظم، رعایت توصیه‌های زیست‌محیطی، ایمنی و بهداشتی، مشارکت در فعالیت‌های آموزشی و تربیتی، ابتکار در تکالیف عملکردی درسی، مشارکت در فعالیت‌های گروهی و جمعی و...) در نظر گرفته شود.				

سطح شایستگی کسب شده در پودمان (بالاتر از حد انتظار، در حد انتظار، پایین‌تر از حد انتظار)



پودمان ۲

مکانیک

چرا برخی ماشین‌های مسابقه در پایان مسیر حرکت چتر عقب خود را باز می‌کنند؟



نیروی اصطکاک



نیروی وزن و نیروی عمودی تکیه‌گاه



حرکت یکنواخت و حرکت شتاب‌دار



نیرو، شتاب و قوانین حرکت



حرکت، جابه‌جایی و سرعت

سیمای پودمان

شایستگی ۱: سینماتیک و کاربردهای آن



شایستگی ۲: دینامیک و کاربردهای آن



شایستگی ۱- سینماتیک و کاربردهای آن

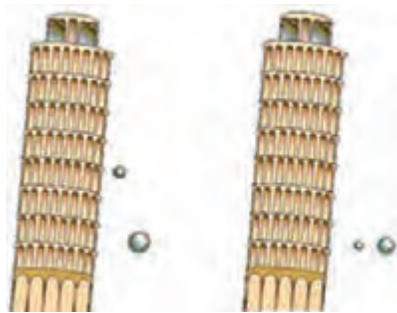
مکانیک یکی از قدیمی‌ترین و آشناترین شاخه‌های علم فیزیک است. این شاخه با اجسام در حال سکون یا در حال حرکت و همچنین شرایط سکون و حرکت آنها تحت تأثیر نیروها سروکار دارد. قوانین مکانیک به بررسی حرکت در تمام گستره جهان هستی، از الکترون‌ها در اتم گرفته تا سیارات در فضا و حتی کهکشان‌های دوردست می‌پردازد. مکانیک توضیح می‌دهد که چرا اجسام حرکت می‌کنند و یا اینکه جسم در وضعیت معینی چگونه حرکت خواهد کرد و این حرکت را چگونه می‌توان توصیف کرد.

علم مکانیک را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد: **سینماتیک و دینامیک**.

سینماتیک به توصیف حرکت اجسام و مسیر آنها، بدون توجه به نیروهایی که این حرکت را ایجاد کرده‌اند می‌پردازد و با مفاهیم مکان، سرعت، شتاب، زمان و روابط بین آنها سروکار دارد. دینامیک به نیروهایی که موجب تغییر حرکت یا تغییر خواص دیگر از قبیل شکل و اندازه اجسام می‌شوند، می‌پردازد. این بخش از مکانیک ما را به مفاهیم نیرو و جرم و قوانین حاکم بر حرکت اجسام هدایت می‌کند. در زمان ارسطو فرایند فکری مربوط به مکانیک گسترش سریعی پیدا کرد. اما از قرن هفدهم به بعد بود که مکانیک توسط گالیله^۱، هویگنس^۲ و نیوتن^۳ به درستی پایه‌گذاری شد.



ارسطو معتقد بود که برخی حرکت‌ها در طبیعت اجسام وجود دارد، دود به خاطر سبکی بالا می‌رود و تخته‌سنگ‌های بزرگ به خاطر سنگینی سقوط می‌کنند، همچنین حرکت ستارگان در آسمان شب به طور طبیعی رخ می‌دهد. در مقابل حرکت طبیعی، برخی دیگر از حرکت‌ها اجباری است و به وسیله هل دادن و کشیدن اجسام رخ خواهد داد، یعنی اجسامی که حرکت غیر طبیعی دارند حتماً کشیده یا هل داده شده‌اند، ارسطو بر این باور بود که قوانین طبیعت را تنها می‌توان از طریق **استدلال منطقی** کشف کرد. ادعاهای ارسطو برای نزدیک به ۲۰۰۰ سال



از دیدگاه گالیله از دیدگاه ارسطو

شکل ۱-۲ آزمایش گالیله نشان داد که سرعت سقوط آزاد به جرم جسم بستگی ندارد.

ادامه داشت، ادعای اول او این بود که اجسام سنگین همواره سریع‌تر از اجسام سبک حرکت می‌کنند و ادعای دوم برای اینکه حرکت جسم ادامه پیدا کند، باید نیروی خارج از جسم مداوم بر آن اثر کند. این ادعاهای ارسطو در قرن هفدهم میلادی توسط گالیله رد شدند، گالیله بر این باور بود که **آزمایش‌های تجربی** برای کشف قوانین طبیعت بر باورهای ذهنی و استدلال‌های منطقی برتری دارند. او به بالای برج مشهور و کج پیزا رفت و دو جسم با جرم‌های مختلف را رها کرد و نتیجه گرفت در غیاب مقاومت هوا آن دو باهم سقوط خواهند کرد (شکل ۱-۲). گالیله توانست ایده‌های انقلابی خود را به وسیله آزمایش‌های گوناگونی



شکل ۲-۲ نمونه‌ای از دستگاه‌هایی که گالیله برای آزمایش بر روی حرکت اجسام به کار می‌برد.

که با حرکت توپ روی سطح شیب‌دار با زاویه‌های مختلف انجام می‌داد به اثبات برساند، او از این آزمایش‌ها چنین نتیجه گرفت که **برای حرکت مداوم یک جسم لزومی به وارد کردن دایمی نیرو بر آن نیست**. در یک بیان ساده می‌توان نیرو را هل دادن یا کشیدن در نظر گرفت. گالیله نشان داد اگرچه برای شروع حرکت نیاز به وارد کردن نیرو وجود دارد ولی در غیاب اصطکاک، برای ادامه حرکت جسم نیازی به وارد کردن نیرو نیست (شکل ۲-۲).

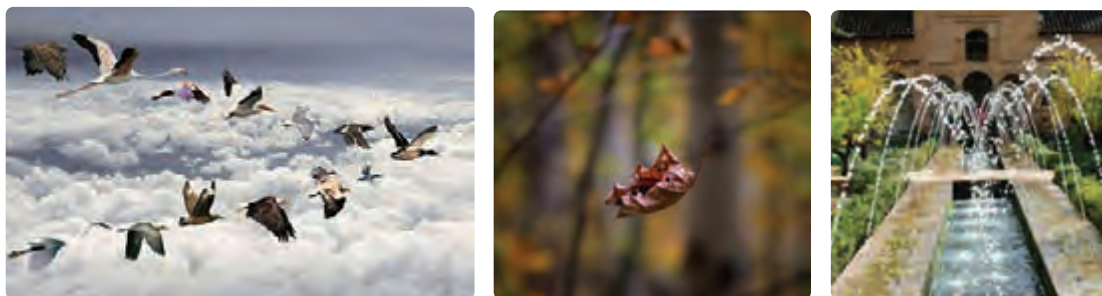


شما هم می‌توانید آزمایش گالیله را تجربه کنید. برای این کار از دو جسم هم شکل غیر هم جرم^۱ استفاده کنید و آنها را هم‌زمان رها کنید و نتیجه را به کلاس ارائه دهید.

در درس **علوم تجربی پایه نهم** با برخی از کمیت‌های مربوط به حرکت و همچنین قوانین حرکت آشنا می‌شوید. در این پودمان ضمن آشنایی بیشتر با این کمیت‌ها با برخی از انواع حرکت نیز آشنا خواهید شد، همچنین با گستردگی بیشتری به بررسی قوانین حرکت و نیروها می‌پردازیم.

حرکت

خداوند متعال در ده‌ها آیه از قرآن کریم به نشانه‌های رحمت خود از جمله حرکت اشیا در طبیعت اشاره کرده است.^۲ اگر به پیرامون خود نگاه کنید، حرکت را به گونه‌های مختلف در همه جا خواهید دید، مثل حرکت یک قطار تندرو روی خط ریل مستقیم، حرکت خمیده توپ بسکتبال در هنگام پرتاب، حرکت پیچیده یک برگ و حرکت چرخشی آب در هنگام خروج از آب‌پاش (شکل ۲-۳). برخی حرکت‌ها که در بالا به آنها اشاره شد پیچیده و برخی دیگر ساده هستند. بهتر است از حرکت‌های ساده‌تر شروع کنیم و با آنچه که در بررسی حرکت‌های ساده می‌آموزیم، می‌توانیم آموخته‌های خود را به موارد پیچیده‌تر نیز گسترش دهیم. برخی حرکت‌ها در طبیعت هم زیبا و هم نشانه‌هایی از خالق زیبایی‌ها هستند.



شکل ۲-۳ نمونه‌هایی از انواع حرکت

توضیح یک حرکت همواره به **مکان و زمان** وابسته است، برای توصیف و شناخت حرکت شما همواره باید بتوانید به این سؤال پاسخ دهید که جسم در یک لحظه معین در چه مکانی قرار دارد؟ سرعت و شتاب آن چقدر است؟ در این صورت است که می‌توانید حرکت آن را توصیف کنید، در ادامه درس **علوم تجربی پایه نهم**، در این پودمان ضمن یادآوری کوتاه از مفاهیم مکان، سرعت و شتاب، شما را با نمودار مسیر حرکت، حرکت‌های یکنواخت و شتاب‌دار و قوانین حرکت و نیروها آشنا خواهیم کرد که بتوانید حرکت اجسام روی خط راست را بهتر بشناسید و آن را توصیف کنید.

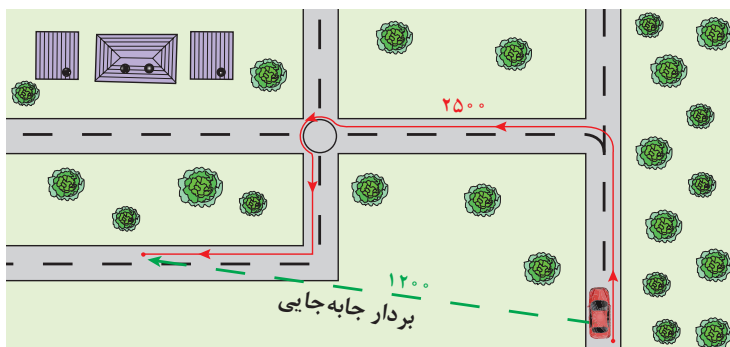
۱- مثلاً بطری پر و خالی

۲- سوره مبارکه روم، آیه ۴۶؛ سوره مبارکه فاطر، آیه ۹.



بردار مکان: همان گونه که در درس علوم تجربی پایه نهم آموختید، موقعیت هر جسم را می توان در لحظه های مختلف حرکتش توسط بردار مکان نشان داد، برداری که از مبدأ مختصات به مکان جسم رسم شده است را بردار مکان جسم می نامیم. طول این بردار، فاصله جسم تا مبدأ را مشخص می کند.

بردار جابه جایی: برداری که نقطه شروع حرکت هر جسم را به نقطه پایان حرکت آن وصل می کند، بردار جابه جایی آن جسم می گویند (شکل ۲-۴).



شکل ۲-۴ تفاوت بین مسافت و جابه جایی

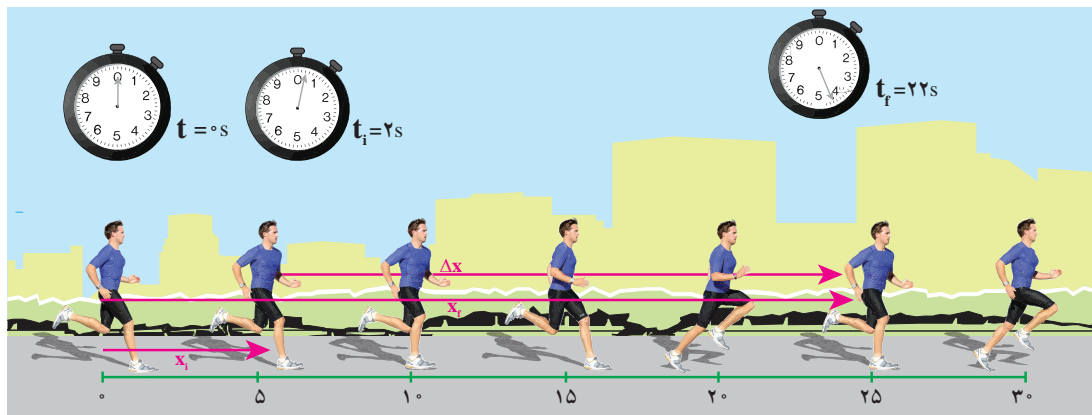
اگر مکان جسم در نقطه شروع حرکت را با نماد x_i و مکان جسم در انتهای حرکتش را با نماد x_f نمایش دهیم، برای اندازه جابه جایی روی خط راست خواهیم داشت:

$$\Delta x = x_f - x_i \quad (1-2)$$

زمانی را که جسم در شروع حرکتش قرار دارد t_i و زمانی را که جسم در پایان حرکتش قرار دارد t_f نام گذاری می کنیم، تفاضل این دو مقدار را یک **بازه زمانی** می نامیم و آن را با نماد Δt نمایش می دهیم، رابطه ریاضی بازه زمانی به صورت رابطه ۲-۲ تعریف می شود.

$$\Delta t = t_f - t_i \quad (2-2)$$

شکل ۲-۵ مسیر حرکت را برای دوندۀ نشان می دهد که در مدت زمان ۲۰ ثانیه از مکان ۵ متری مبدأ تا مکان ۲۵ متری جابه جا شده و اندازه بردار جابه جایی حرکت او ۲۰ متر است.

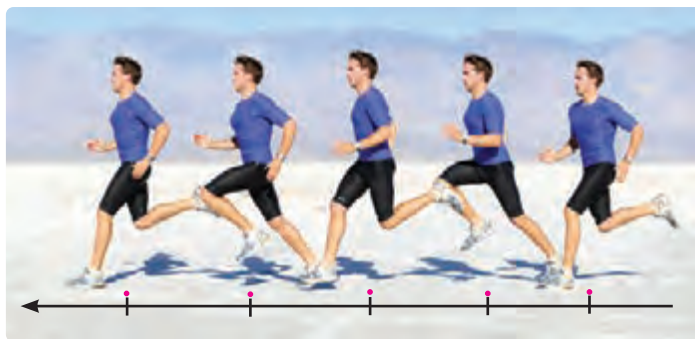


شکل ۲-۵ دوندۀ در مکان ها و لحظه های مختلف نشان داده شده است

۱- از حرف اول کلمه های initial به معنی اولیه و final به معنی نهایی استفاده کرده ایم.

نمودار مسیر حرکت و مفهوم سرعت

حرکت یک دونده در مسیر مستقیم، یک مثال ساده از حرکت روی خط راست است. یکی از راه‌ها برای نمایش دادن حرکت این دونده تهیه‌ی عکس‌هایی است که در بازه‌های زمانی مساوی، مکان دونده را مشخص می‌کند (همانند شکل ۲-۶). فرض کنید دوربین را عمود بر راستای حرکت دونده، نسبت به او ثابت نگه داشته‌اید و در حین حرکت در مکان‌های مختلف از دونده عکس گرفته‌اید. شکل ۲-۶ عکس‌های گرفته شده از این دونده را در زمان‌های مختلف نشان می‌دهد. شما در این عکس پنج تصویر پشت سر هم از این دونده را مشاهده می‌کنید که در بازه‌های زمانی مساوی گرفته شده‌اند. به این عکس، نمودار مسیر حرکت می‌گوییم.



شکل ۲-۶ نمودار مسیر حرکت یک دونده در بازه‌های زمانی مساوی

مکان دونده در هر لحظه را می‌توان با یک نقطه روی شکل مشخص کرد، می‌توانید قبل از گرفتن عکس روی زمین و در طول مسیر حرکت دونده وسیله اندازه‌گیری طول، مانند متر نواری قرار دهید، این متر نواری مکان جسم را پس از عکس برداری به شما نشان خواهد داد. با استفاده از نمودار مسیر حرکت شما توانسته‌اید مکان حرکت را اندازه بگیرید، آیا این اطلاعات برای به دست آوردن سرعت اجسام قابل استفاده است؟

با استفاده از نرم افزار Motion Shot ، نمودار مسیر حرکت خود و یا هم کلاسی‌هایتان را تهیه کنید.

تجربه کنید



در درس **علوم تجربی پایه نهم** با مفهوم تندی متوسط و لحظه‌ای آشنا شده‌اید، در اینجا از کمیت سرعت نام می‌بریم، این کمیت جهت و اندازه تغییر مکان جسم نسبت به زمان را نشان می‌دهد. همان‌گونه که در پودمان ۱ اشاره گردید، سرعت کمیتی برداری است. به حاصل تقسیم جابه‌جایی به بازه زمانی که این جابه‌جایی اتفاق افتاده است **سرعت متوسط حرکت** می‌گوییم. سرعت متوسط را با \bar{v} نمایش داده و یکای اندازه‌گیری آن $\frac{m}{s}$ (متر بر ثانیه) است. در این صورت اندازه سرعت متوسط را می‌توان توسط رابطه ۲-۳ به دست آورد:

$$\bar{v} = \frac{x_f - x_i}{t_f - t_i} = \frac{\Delta x}{\Delta t} \quad (۳-۲)$$

تبادل اجسام

در کتاب‌های علوم تجربی سال‌های گذشته با مفهوم نیرو آشنا شده‌اید. وقتی توپ را شوت یا آن را متوقف می‌کنید در حال وارد کردن نیرو به آن هستید. بلند کردن اجسام از روی زمین یا هل دادن آنها، حرکت کردن یک چرخ، بستن یک پیچ، سوراخ کردن قطعات همه نیازمند وارد کردن نیرو هستند (شکل ۲-۷). مفهوم نیرو معمولاً با هل دادن، کشیدن، خم کردن، برش دادن و تغییر سرعت همراه است.



شکل ۲-۷ نمونه‌هایی از وارد کردن نیرو به اجسام مختلف

نیرو کمیتی برداری است که با نماد \vec{F} نمایش داده می‌شود. یکای اندازه‌گیری آن N (نیوتن) است.

نکته



اسحاق نیوتن

فیزیک‌دان، ریاضی‌دان، ستاره‌شناس، فیلسوف انگلیسی بوده است. وی در سال ۱۶۸۷ میلادی شاهکار خود «اصول ریاضی فلسفه طبیعی» را به نگارش درآورد. او مفهوم گرانش عمومی را مطرح ساخت و با تشریح قوانین حرکت اجسام، علم مکانیک کلاسیک را پایه گذاشت. از دیگر کارهای مهم او بنیان‌گذاری حساب دیفرانسیل و انتگرال است.

در این پودمان هرگاه از کلمهٔ نیرو استفاده می‌کنیم منظورمان برآیند نیروهای وارد بر جسم است. در بیشتر اوقات بیش از یک نیرو به جسم وارد می‌شود، به عنوان مثال هنگامی که یک توپ فوتبال را شوت می‌کنید، علاوه بر نیروی وارد شده از طرف پای شما، نیروهایی مانند وزن توپ، اصطکاک سطح زمین بازی و همچنین مقاومت هوا نیز بر توپ وارد می‌شوند، منظور از نیروی وارد شده بر این توپ همان برآیند نیروهایی است که بر توپ وارد می‌شده و باعث تغییر در وضعیت حرکتی توپ می‌شود. همان‌گونه که در علوم تجربی پایه نهم دیدید، اگر جسمی در حال تعادل باشد، برآیند نیروهای وارد بر آن صفر است (شکل ۲-۸).



شکل ۲-۸ برآیند نیروهای وارد بر بادکنک، هواپیما و کشتی صفر است.

به طور کلی هرگاه جسم ساکن باشد آن را در حال «تعدادل استاتیکی» و هرگاه با سرعت ثابت در حال حرکت باشد آن را در حال «تعدادل دینامیکی» می‌نامیم. در هر دو نوع تعدادل، برآیند نیروهای وارد بر جسم صفر است. در نتیجه شرط تعدادل استاتیکی و دینامیکی به صورت زیر است:

$$\vec{F}_T = 0 \quad (4-2)$$

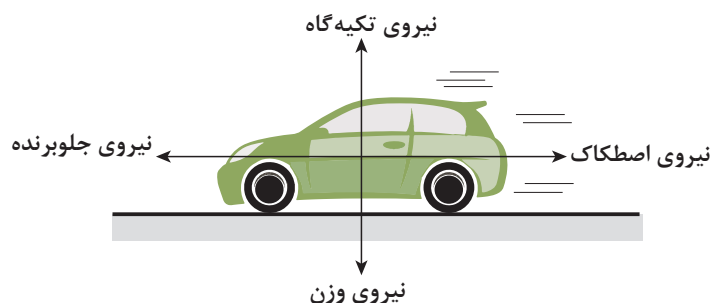
نماد T به کار رفته در رابطه ۴-۲ به معنی جمع برداری یا همان برآیند است. این رابطه بیان می‌کند که جمع برداری نیروهای وارد شده به جسم در حال تعدادل، برابر صفر است.

سرعت یک کمیت برداری است، وقتی می‌گوییم سرعت جسم ثابت است، یعنی هم اندازه و هم جهت آن ثابت است.

نکته



شکل ۲-۹ صخره‌ای را نشان می‌دهد که در حال تعدادل استاتیکی است، شکل ۲-۱۰ خودرویی را نشان می‌دهد که با سرعت ثابت در حال حرکت است، این خودرو نیز در حال تعدادل دینامیکی است.



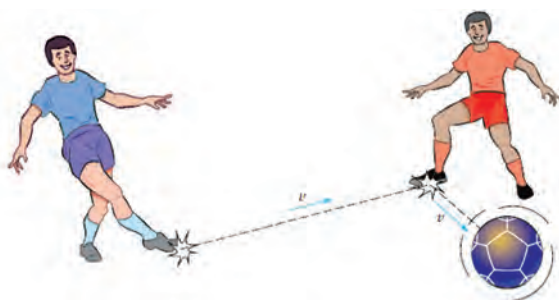
شکل ۲-۱۰ تعدادل دینامیکی خودرو



شکل ۲-۹ صخره در حال تعدادل

اجسام تمایل دارند تعدادل استاتیکی و یا دینامیکی خود را تا زمانی که نیرویی از بیرون به آنها وارد نشود، حفظ کنند. این گفته بیان قانون اول نیوتن درباره حرکت اجسام است.

شایستگی ۲- دینامیک و کاربردهای آن



شکل ۲-۱۱ تا زمانی که به جسم نیرویی وارد نشود به حرکت یکنواخت روی خط راست ادامه می‌دهد.

قانون اول نیوتن درباره حرکت اجسام: این قانون که بیشتر به قانون لختی (اینرسی) مشهور است، در واقع بیان دیگری از نظر گالیله درباره حرکت اجسام است. هر جسمی حالت سکون خود را حفظ خواهد کرد و یا به حرکت با سرعت ثابت بر روی خط راست ادامه خواهد داد، مگر اینکه تحت تأثیر نیروی خارجی قرار گیرد (شکل ۲-۱۱).

نکته کلیدی در این قانون مفهوم ادامه داشتن است. جسم اگر در حال سکون باشد همچنان تمایل دارد ساکن بماند. همچنین جسمی که در حال حرکت بر روی مسیری مستقیم است، تا زمانی که برآیند نیروهای خارجی وارد بر آن صفر باشد، به حرکت با سرعت ثابت در مسیر مستقیم ادامه خواهد داد، همان طور که کاوشگرهای فضایی در فضای میان ستارگان بدون تغییر در اندازه و جهت سرعت، حرکت می کنند.

این ویژگی اجسام را که در مقابل تغییر سرعت از خود مقاومت نشان می دهند، **لختی (اینرسی)** می نامند. همه اجسام دارای «لختی» هستند و مقدار این لختی به جرم جسم بستگی دارد. هر اندازه جرم یک جسم بیشتر باشد، لختی آن نیز بیشتر خواهد بود، به بیان ساده جرم معیاری برای مقاومت جسم در مقابل تغییر سرعت است.



تحقیقات نشان داده است که پستی سر صندلی های خودرو در هنگام تصادفات و برخوردهای ناگهانی، تا ۴۰ درصد از آسیب های وارده بر گردن و ستون فقرات سرنشینان به دلیل تغییر وضعیت های ناگهانی ناشی از لختی، می کاهد. در شکل مقابل فاصله مناسب پشت سر نشان داده شده است.

بیشتر بدانید



۱- تصور کنید درون یک اتوبوس در حال توقف ایستاده اید، ناگهان اتوبوس شروع به حرکت می کند و شما به طرف عقب پرتاب می شوید. به نظر شما این اتفاق چه ارتباطی به قانون اول نیوتن دارد؟

فکر کنید



۲- با توجه به محیط اطراف خود، چند مثال از پدیده لختی (اینرسی) را بیان کنید.



وزنه ای به جرم ۲۵۰ گرم را مطابق شکل به وسیله نخ نازکی به سقف یا روی دستگاه پایه و گیره آویزان کنید. یک بار نخ را سریع به سمت پایین بکشید و بار دیگر نخ را به آرامی بکشید. در اجرای هر بار این آزمایش چه چیزی مشاهده می کنید؟ نتیجه هر حالت آزمایش را با دلیل توضیح دهید.

آزمایش کنید





شکل ۲-۱۲ حرکت قطار بین دو ایستگاه در یک مسیر مستقیم، حرکت یکنواخت است. این قطار در حال تعادل دینامیکی است.

حرکت یکنواخت: همان گونه که اشاره شد، خودرو شکل ۲-۱۰ در حال تعادل دینامیکی است و حرکتش با سرعت ثابت انجام می‌گیرد، این گونه حرکت‌ها را **حرکت یکنواخت روی خط راست** می‌نامیم. در حرکت یکنواخت، اندازه و جهت بردار سرعت لحظه‌ای متحرک، در تمام لحظات یکسان است (شکل ۲-۱۲). **سرعت لحظه‌ای سرعت جسم در هر لحظه است** که آن را با نماد v نمایش می‌دهیم و یکای اندازه‌گیری آن $\frac{m}{s}$ (متر بر ثانیه) است. در این نوع حرکت اندازه سرعت لحظه‌ای و اندازه سرعت متوسط باهم برابرند (چرا؟)، در نتیجه داریم:

$$\bar{v} = v \Rightarrow v = \frac{\Delta x}{\Delta t} \quad (5-2)$$

در رابطه ۲-۵ اگر مکان را در لحظه صفر برابر با x_0 و مکان متحرک را t ثانیه پس از شروع حرکت با x نمایش دهیم (شکل ۲-۱۳)، رابطه زیر به دست می‌آید:

$$x = vt + x_0 \quad (6-2)$$

رابطه ۲-۶ را **معادله مکان - زمان** (حرکت) برای حرکت یکنواخت می‌نامیم.



شکل ۲-۱۳ نمودار مسیر حرکت یکنواخت

حرکت یکنواخت:

- ۱- فاصله متحرک از مبدأ مکان (x) از رابطه $x = vt + x_0$ به دست می‌آید.
- ۲- در این رابطه مکان بر حسب متر (m) و سرعت بر حسب $(\frac{m}{s})$ و زمان بر حسب (s) جاگذاری می‌شود.

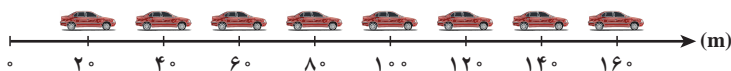
نکته



مثال



نمودار زیر، مسیر حرکت خودرویی است که با سرعت ثابت در یک مسیر مستقیم در حال حرکت است. اگر فاصله زمانی بین هر دو نقطه یک ثانیه باشد:



الف) معادله مکان - زمان حرکت را به دست آورید.
 ب) با توجه به معادله مکان - زمان محاسبه کنید که خودرو چند ثانیه پس از شروع حرکت به اندازه ۲۰۰ متر جابه‌جا شده است.

پاسخ: با توجه به اطلاعات نمودار مسیر حرکت مکان اولیه خودرو ۲۰ متری مبدأ بوده است، و می توان سرعت متوسط (که برابر با سرعت لحظه ای می باشد) آن را محاسبه کرد:

$$\left. \begin{array}{l} t_i = 0 \text{ s}, x_i = 20 \text{ m} \\ t_f = 2 \text{ s}, x_f = 60 \text{ m} \end{array} \right\} \Rightarrow \bar{v} = v = \frac{x_f - x_i}{t_f - t_i} = \frac{\Delta x}{\Delta t} = \frac{60 \text{ m} - 20 \text{ m}}{2 \text{ s} - 0} = 20 \frac{\text{m}}{\text{s}}$$

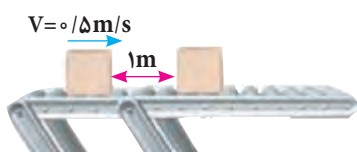
با توجه به معادله ۶-۲ خواهیم داشت:

$$\left. \begin{array}{l} x_0 = 20 \text{ m} \\ v = 20 \frac{\text{m}}{\text{s}} \end{array} \right\} \Rightarrow x = vt + x_0 \Rightarrow x = 20t + 20$$

(ب) با توجه به معادله ۱-۲ می توان نوشت:

$$\Delta x = x_f - x_i \Rightarrow 20 \text{ m} = x_f - 20 \text{ m} \Rightarrow x_f = 40 \text{ m}$$

$$x = vt + x_0 \Rightarrow 40 \text{ m} = 20 \frac{\text{m}}{\text{s}} t + 20 \text{ m} \Rightarrow t = 1 \text{ s}$$

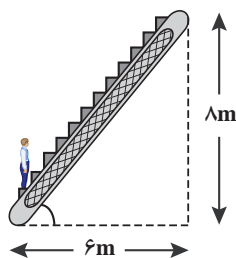


در یک کارخانه تولید قطعه های لوازم خانگی بسته های تولیدی روی تسمه نقاله مطابق شکل با سرعت ثابت ۰/۵ m/s در حال حرکت هستند. اگر فاصله بین هر دو بسته ۱ m باشد، فاصله زمانی برداشتن بسته ها چند ثانیه باید باشد تا بسته ای روی تسمه نقاله باقی نماند.

مطابق رابطه ۵-۲ خواهیم داشت:

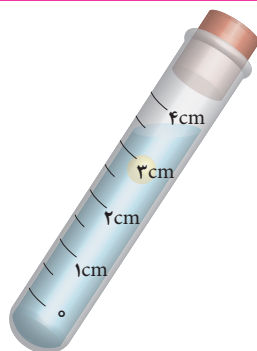
$$\left. \begin{array}{l} \Delta x = 1 \text{ m} \\ \bar{v} = v = 0.5 \text{ m/s} \end{array} \right\} \Rightarrow v = \frac{\Delta x}{\Delta t} \Rightarrow \Delta t = \frac{\Delta x}{v} = \frac{1 \text{ m}}{0.5 \frac{\text{m}}{\text{s}}} = 2 \text{ s}$$

مثال



فاصله دو طبقه فروشگاه مطابق شکل روبه رو ۸ متر است. اگر شخص در مدت ۱۰ s فاصله این دو طبقه را با سرعت ثابت طی کند، تعیین کنید سرعت پلکان برقی چند متر بر ثانیه بوده است.

تمرین کنید

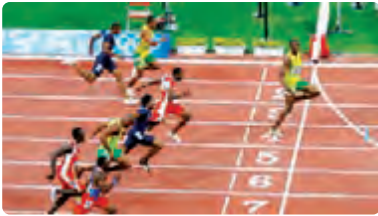


روی لوله آزمایشی به فواصل نیم سانتی متر برچسب بزنید، سپس آن را از آب پر کنید و درون آن یک قطره روغن ماشین بریزید، سر این لوله را با چوب پنبه یا درپوش پلاستیکی ببندید و با سروته کردن لوله، سعی کنید قطره روغن را در داخل لوله حرکت دهید، با استفاده از زمان سنج و اندازه های روی لوله، حرکت قطره روغن را در طول لوله بررسی کنید. آیا می توانید سرعت متوسط قطره روغن را محاسبه کنید؟ چگونه می توانید یکنواخت بودن حرکت روغن را با این آزمایش نشان دهید؟

آزمایش کنید



حرکت غیر یکنواخت اجسام



الف) دوندگان دوی سرعت پس از رسیدن به خط پایان سرعت خود را کاهش می‌دهند تا از حرکت بایستند.



ب) فضا پیما در حال بلند شدن از سطح زمین و تا لحظاتی پس از آن سرعتش را افزایش می‌دهد.

شکل ۲-۱۴ حرکت غیر یکنواخت

هرگاه برابری نیروهای وارد بر جسمی غیر صفر نباشد، حرکت آن یکنواخت نیست و سرعت جسم تغییر می‌کند. در شرایطی که جسم در مسیر مستقیم در حرکت باشد، سرعت می‌تواند افزایش و یا کاهش یابد. حرکتی که با تغییر سرعت همراه باشد **غیر یکنواخت** می‌نامیم. حرکت خودرو بعد از ترمز، فضاپیما در حال بلند شدن از سطح زمین و توقف دوندگان دو سرعت در خط پایان نمونه‌هایی از حرکت‌های غیر یکنواخت هستند (شکل ۲-۱۴). در تمامی این حرکت‌ها وارد شدن نیرو به جسم باعث تغییر در سرعت آن می‌شود.

شما می‌توانید تفاوت بین حرکت یکنواخت و غیر یکنواخت را شروع و توقف حرکت یک آسانسور یا ترمز خودرو احساس کنید. برای اینکه تفاوت بین حرکت‌ها را بیشتر توضیح داده باشیم به شکل ۲-۱۵ دقت کنید. در این شکل به سه نوع حرکت اشاره شده است، شکل شامل عکس‌هایی است که در بازه‌های زمانی مساوی از دونده گرفته شده است در ادامه به توضیح آن می‌پردازیم:



شکل ۲-۱۵ انواع حرکت

الف) در این شکل، فاصله بین عکس‌های مختلف و در لحظه‌های متفاوت ثابت باقی می‌ماند، پس دونده در حال دویدن با سرعت ثابت می‌باشد. حرکت او یکنواخت و برابری نیروهای وارد بر آن صفر است. دونده در این حالت دارای **تعادل دینامیکی** است.

ب) در این شکل، فاصله بین عکس‌ها در طول زمان در حال افزایش است. این به آن معناست که سرعت دونده در طول زمان افزایش یافته است. این حرکت را **غیر یکنواخت** و **تندشونده** می‌نامیم.

پ) در این شکل، فاصله بین عکس‌ها در طول زمان در حال کاهش است، به این معنا که سرعت دونده در طول زمان کاهش یافته است، این حرکت را **غیر یکنواخت** و **کندشونده** می‌نامیم.

از کتاب **علوم تجربی پایه نهم** به خاطر دارید که شتاب متوسط یک جسم تغییر سرعت جسم در یک بازه زمانی است، در نتیجه حرکت‌هایی نظیر شکل ۲-۱۵ ب و پ را می‌توان حرکت‌های شتاب‌دار نامید. شتاب متوسط این حرکت‌ها از تقسیم اندازه تغییرات سرعت به بازه زمانی آن تغییرات به دست می‌آید. شتاب متوسط

را با نماد \bar{a} نشان می‌دهیم و از رابطه زیر به دست می‌آید:

$$\bar{a} = \frac{\Delta v}{\Delta t} \quad (7-2)$$

- ۱- نیرو باعث تغییر وضعیت حرکت جسم و بردار سرعت (اندازه و جهت) آن می‌شود.
- ۲- شتاب، کمیتی برداری است و یکای اندازه‌گیری آن متر بر مجذور ثانیه ($\frac{m}{s^2}$) است.

نکته



تمرین کنید



یوزپلنگ ایرانی می‌تواند در مدت زمان ۲ ثانیه، سرعت خود را از صفر به ۹۶ کیلومتر بر ساعت برساند، در صورتی که یکی از سریع‌ترین خودروهای جهان می‌تواند همین افزایش سرعت را در مدت ۲/۵ ثانیه انجام دهد. شتاب متوسط این دو را با هم مقایسه کنید.

آیا تاکنون این سؤال را از خود پرسیده‌اید که برای انجام حرکت تندشونده و یا کندشونده نیروی برآیند باید در چه جهتی بر جسم وارد شود؟ به عنوان مثال در شکل ۲-۱۵-پ که حرکت جسم شتاب‌دار است، نیروی برآیند وارد بر جسم به کدام جهت وارد شده است؟ به این منظور به شکل ۲-۱۶ دقت کنید.



شکل ۲-۱۶ حرکت‌های یکنواخت، تندشونده و کندشونده دوچرخه

اگر به طول بردارهای نیروی رسم شده در این شکل دقت کنید، متوجه خواهید شد که در شکل ۲-۱۶-الف اندازه نیروی جلو برنده با نیروی مقاوم زمین و هوا که با حرکت دوچرخه مخالفت می‌کنند، برابر است و در این حالت برآیند نیروهای وارد بر دوچرخه صفر بوده و حرکت آن یکنواخت است. در شکل ۲-۱۶-ب نیروها دیگر متوازن نیستند و برآیند نیروها در جهت حرکت است و همان‌طور که می‌بینید حرکت دوچرخه تندشونده است، در شکل ۲-۱۶-پ نیز برآیند نیروها صفر نیست ولی برآیند نیروها خلاف جهت حرکت دوچرخه است، و حرکت دوچرخه کندشونده است. برای اینکه به رابطه بین جهت نیرو و جهت شتاب جسم پی ببریم خوب است که قانون دوم نیوتن را معرفی کنیم.

قانون دوم نیوتن: قانون دوم نیوتن چنین بیان می‌کند که:

اگر به جسمی نیروی خارجی وارد شود، شتابی می‌گیرد که اندازه آن با اندازه نیرو رابطه مستقیم و با جرم

جسم رابطه عکس دارد. در آن صورت خواهیم داشت:

$$\vec{a} = \frac{\vec{F}_T}{m} \quad (۸-۲)$$

با توجه به قانون دوم نیوتن و رابطه ۲-۷ در حرکت شتاب‌دار، دو یکا برای کمیت شتاب به دست آورید.

تمرین کنید



نکته



بر طبق رابطه ۲-۸ می‌توان نتیجه گرفت که بردار شتاب همواره هم جهت با بردار نیروی برآیند وارد بر جسم است (چرا؟)

مثال



با توجه به شکل آغاز پودمان اگر نیروی مقاوم برای هر دو چتر یکسان باشد، چه تفاوتی در شتاب کندشونده خودرو برای حالتی که یک چتر باز شود یا اینکه دو چتر باز شود وجود خواهد داشت؟
پاسخ: جرم خودرو را m و نیروی وارد شده از طرف هر چتر بر اتومبیل F است در حالتی که یکی از چترها باز شود:

$$a_1 = \frac{F}{m}$$

در حالتی که هر دو چتر باز شود:

$$a_2 = \frac{2F}{m}$$

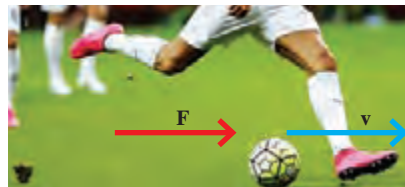
شتاب در حرکت کندشونده حالت دوم دو برابر شتاب در حالت اول است.

اکنون می‌توان به سؤال مطرح شده در قسمت قبل پاسخ داد که نیروی وارد شده بر جسم چه موقعی می‌تواند باعث حرکت تند شونده و چه موقعی باعث حرکت کند شونده اجسام شود:

هرگاه بردار نیروی برآیند در خلاف بردار سرعت جسم متحرکی باشد، سرعت آن را کاهش داده و حرکت آن کندشونده خواهد بود و هرگاه بردار نیروی برآیند هم جهت با بردار سرعت به جسمی وارد شود، حرکت تند شونده خواهد بود. به شوت کردن توپ در بازی فوتبال دقت کنید شکل ۲-۱۷-الف، توپ در حال حرکت رو به جلو است، و بازیکن نیز در همان جهت به آن نیرو وارد کرده و توپ در همان جهت شتاب می‌گیرد، حرکت او باعث افزایش اندازه سرعت توپ و تند شونده شدن حرکت آن می‌شود و در مقابل دروازه‌بان برای کنترل توپ، خلاف جهت حرکت توپ به آن نیرو وارد کرده و شتابی مخالف جهت حرکت توپ به آن می‌دهد، این کار باعث کاهش سرعت توپ و حرکت کند شونده و در نهایت توقف توپ خواهد شد (شکل ۲-۱۷-ب).



ب) متوقف کردن توپ توسط دروازه‌بان فوتبال یک حرکت کند شونده است.



الف) توپ فوتبال در لحظه شوت کردن توسط بازیکن حرکتش تندشونده است.

شکل ۲-۱۷ نمونه‌هایی از حرکت تندشونده و کندشونده



شکل ۲-۱۸ سقوط اجسام در نزدیکی سطح زمین یک حرکت با شتاب ثابت است، یعنی تقریباً در هر ثانیه به اندازه ۹/۸ متر بر ثانیه به سرعت اجسام افزوده می‌شود.

یکی از متداول‌ترین حرکت‌هایی که در طبیعت به صورت شتاب‌دار انجام می‌گیرد، حرکت با شتاب ثابت روی خط راست است، هرگاه بردار برآیند نیروهای وارد بر یک جسم تغییر نکند، بردار شتاب نیز بدون تغییر باقی می‌ماند و حرکت با شتاب ثابت انجام خواهد گرفت. در این حالت سرعت به طور یکنواخت تغییر می‌کند، و مقدار شتاب در لحظه‌های مختلف حرکت یکسان است.

شتاب لحظه‌ای همان شتاب جسم در یک لحظه

معین است که آن را با نماد a نمایش می‌دهیم. در حرکت شتاب ثابت روی خط راست، اندازه شتاب متوسط و شتاب لحظه‌ای باهم برابر هستند.

یعنی:

$$a = \bar{a} = \frac{\Delta v}{\Delta t} \quad (9-2)$$

اگر در رابطه ۲-۹ سرعت در لحظه شروع حرکت v_0 و t ثانیه پس از شروع حرکت برابر با v باشد، آنگاه برای شتاب حرکت چنین می‌توان نوشت:

$$a = \frac{v - v_0}{t} \quad (10-2)$$

همچنین با کمی تغییر در رابطه ۲-۱۰ می‌توان معادله سرعت - زمان حرکت با شتاب ثابت را به شکل زیر نوشت:

$$v = at + v_0 \quad (11-2)$$



شکل روبه‌رو بازی چوگان ایرانی را نشان می‌دهد، اگر توپ چوگان حرکت خود را با سرعت 4 m/s و با شتاب ثابت 10 m/s^2 آغاز کرده باشد، سرعت آن 2 s پس از شروع حرکت چقدر خواهد شد؟ برآیند نیروهای وارد بر این توپ 127 g ، چقدر است؟

پاسخ:

$$v = v_0 + at$$

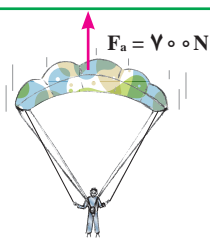
$$\left. \begin{array}{l} v_0 = 4 \frac{\text{m}}{\text{s}} \\ a = 10 \frac{\text{m}}{\text{s}^2} \end{array} \right\} \Rightarrow v = v_0 + at \Rightarrow v = 4 \frac{\text{m}}{\text{s}} + (10 \frac{\text{m}}{\text{s}^2})(2\text{s}) = 24 \frac{\text{m}}{\text{s}}$$

$$m = 127 \text{ g} \times \frac{1 \text{ kg}}{10^3 \text{ g}} = 127 \times 10^{-3} \text{ kg} = 1/27 \times 10^{-1} \text{ kg}$$

$$F = ma = 1/27 \times 10^{-1} \text{ kg} \times 10 \frac{\text{m}}{\text{s}^2} = 1/27 \frac{\text{kg.m}}{\text{s}^2} = 1/27 \text{ N}$$

مثال

+ -
x ÷



جرم چتربازی به همراه تجهیزات برابر با 80 kg است، اگر نیروی مقاومت هوا در برابر حرکت چترباز در لحظه‌های اولیه سقوط برابر با 700 N باشد، شتاب تند شونده این چترباز را محاسبه کنید.

نیروهای کنش و واکنش



الف) حرکت قایق‌های پارویی در آب



ب) حرکت شناگران در آب

شکل ۲-۱۹ نمونه‌هایی از نیروهای کنش و واکنش

آیا تاکنون به حرکت قایق‌های پارویی درون آب دقت کرده‌اید؟ قایق سوار با پارو زدن به سمت عقب قایقش را به سمت جلو می‌راند و یا یک شناگر در حین شنا، آب را با دستان خود به عقب می‌راند در حالی که خود به سمت جلو حرکت می‌کند (شکل ۲-۱۹). در این نوع مثال‌ها و نمونه‌های مشابه با نیروهای کنش و واکنش سروکار داریم. با بررسی قانون سوم نیوتن می‌توانیم نیروهای کنش و واکنشی را که اجسام به همدیگر وارد می‌کنند بهتر بشناسیم و در بررسی حرکت از این قانون بهره ببریم.

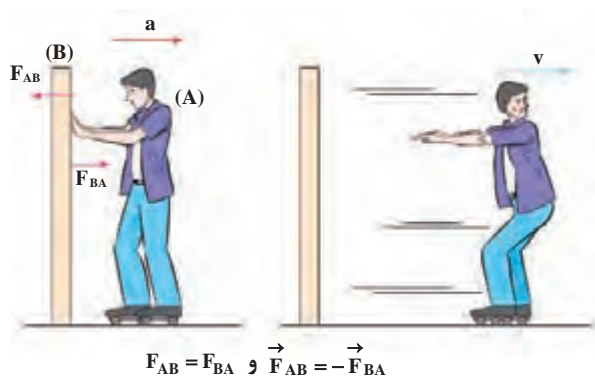
قانون سوم نیوتن: هرگاه یک جسم نیرویی به جسم دیگر وارد کند، آن جسم نیز نیرویی به همان اندازه ولی در خلاف جهت به جسم اول وارد خواهد کرد.

وقتی روی کف اتاق قدم برمی‌دارید، با آن برهم‌کنش

انجام می‌دهید، شما به کف اتاق و کف اتاق به شما نیرو وارد می‌کند، این جفت نیرو به طور هم‌زمان اعمال می‌شوند. تاپیرهای خودرو به کف خیابان نیرو وارد می‌کنند و کف خیابان هم به تاپیر به همان اندازه اما در خلاف جهت، نیرو وارد می‌کند.

برای تشخیص نیروهای کنش و واکنش از همدیگر در ابتدا بر هم کنش اجسامی را که به هم نیرو وارد می‌کنند تشخیص می‌دهیم، مثلاً هرگاه با دست خود به دیوار نیرو وارد می‌کنید، این برهم‌کنش بین دست شما و دیوار است.

دست شما به عنوان جسم A نیروی کنش را به دیوار، وارد می‌کند و دیوار به عنوان جسم B، نیروی واکنش را به دست شما در جهت مخالف ولی به همان اندازه وارد خواهد کرد. در شکل ۲-۲۰ اسکیت باز نیرویی را به دیوار روبه‌روی خود وارد می‌کند، طبق قانون سوم نیوتن دیوار نیز همان نیرو را در جهت مخالف به اسکیت باز وارد خواهد کرد، نیروی وارد شده بر اسکیت باز به او شتاب می‌دهد، این کار باعث حرکت اسکیت باز به سمت عقب خواهد شد.



شکل ۲-۲۰ حرکت اسکیت باز به عقب بر اثر نیروی واکنش دیوار



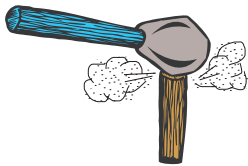
- ۱- انتخاب یک نیرو به عنوان کنش و دیگری به عنوان واکنش کاملاً اختیاری است.
- ۲- نیروهای کنش و واکنش به طور هم‌زمان به وجود می‌آیند و هم‌زمان نیز از بین می‌روند.
- ۳- نیروهای کنش و واکنش بر دو جسم مختلف اثر می‌کنند در نتیجه اثر یکدیگر را خنثی نمی‌کنند.



چرا وقتی روی صندلی چرخ‌دار در پشت میز کار خود قرار دارید، با هل دادن میز کار، به سمت عقب حرکت می‌کنید؟



در شکل مقابل نیروهای کنش و واکنش را به صورت جداگانه رسم کنید.



آیا هنگام شلیک توپ جنگی، نیروی وارد شده از طرف توپ جنگی به گلوله با نیروی وارد شده از طرف گلوله به توپ جنگی باهم برابرند؟ چرا شتاب حرکت توپ از شتاب حرکت گلوله کمتر است؟

معرفی چند نیرو

همان‌گونه که در ابتدای بحث گفته شد، نیرو نقش تعیین‌کننده‌ای در وضعیت حرکتی یک جسم دارد، به همین دلیل و در ادامه به معرفی برخی از مهم‌ترین نیروها می‌پردازیم.

نیروی گرانش و نیروی وزن: به خوبی می‌دانیم که همه اجسام به سمت زمین جذب می‌شوند. نیروی جاذبه‌ای را که به وسیلهٔ زمین بر اشیا وارد می‌شود «نیروی گرانشی» زمین می‌نامیم. این نیرو به سمت مرکز زمین و بر سطح زمین عمود است. اندازهٔ این نیرو را وزن جسم می‌نامیم و آن را با نماد W نشان می‌دهیم.

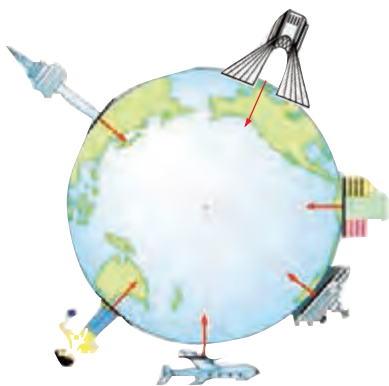
کرهٔ زمین اجسام را با شتاب ثابت به سمت مرکز خود جذب می‌کند، مقدار این شتاب در نزدیکی سطح زمین تقریباً برابر $\frac{9}{8} \frac{N}{kg}$ است، این شتاب را با نماد g نمایش می‌دهند (شکل ۲-۲۱).

با قرار دادن شتاب گرانشی g و نیروی وزن W در رابطه ۲-۸ خواهیم داشت:

$$a = \frac{F}{m} \Rightarrow$$

$$g = \frac{W}{m} \Rightarrow W = mg \quad (۲-۱۲)$$

شکل ۲-۲۱ همه اجسام به سمت زمین جذب می‌شوند.





شتاب گرانشی سیارات مختلف، به دلیل جرم و شعاع متفاوتی که دارند، متفاوت است. برای مثال شتاب گرانشی در کره ماه تقریباً برابر با $\frac{N}{kg}$ $\frac{1}{66}$ است. وزن یک فضاپرد با تجهیزات را در کره زمین و ماه محاسبه و با هم مقایسه کنید. جرم فضاپرد به همراه تجهیزات برابر $1/2 \times 10^2 \text{ kg}$ است.

$$W = mg = 1/2 \times 10^2 \text{ kg} \times 9/8 \frac{N}{kg} = 1/176 \times 10^3 \text{ N}$$

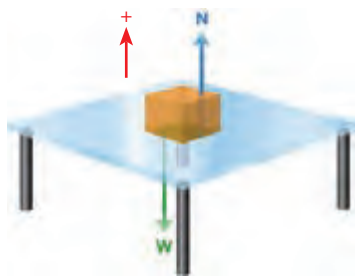
وزن فضاپرد در کره زمین برابر است با:

$$W' = mg' = 1/2 \times 10^2 \text{ kg} \times 1/66 \frac{N}{kg} = 1/992 \times 10^2 \text{ N}$$

وزن فضاپرد در کره ماه برابر است با:

$$\frac{W'}{W} = \frac{1/992 \times 10^2 \cancel{N}}{1/176 \times 10^3 \cancel{N}} \cong \frac{1}{6}$$

وزن فضاپرد در کره ماه تقریباً یک ششم وزن آن در کره زمین است.



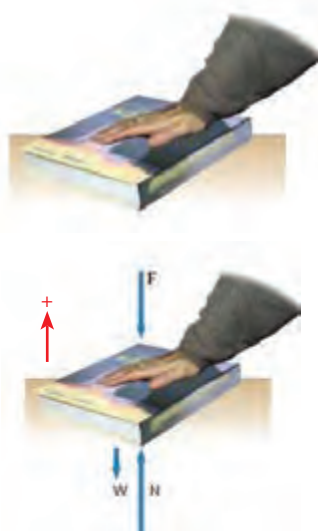
شکل ۲-۲۲ نیروی عمودی تکیه‌گاه

نیروی عمودی تکیه‌گاه: جعبه‌ای را در نظر بگیرید که بدون حرکت روی میز قرار دارد، این جعبه در حال تعادل استاتیکی است. چه نیروهایی بر این جعبه اثر می‌گذارند؟ یکی از این نیروها به گرانش زمین مربوط است، یعنی همان نیروی وزن جعبه. اما چون جعبه در حال تعادل استاتیکی است نیروی دیگری به آن وارد می‌شود تا اثر نیروی وزن را خنثی کند. این نیرو را که میز به‌طور عمود بر جعبه وارد می‌کند، «نیروی عمودی تکیه‌گاه» می‌نامیم (شکل ۲-۲۲). در این صورت خواهیم داشت:

$$\vec{F}_T = 0 \Rightarrow \vec{N} + \vec{W} = 0 \quad (\text{برایند نیروهای وارد بر جعبه}) \quad (2-13)$$

$$N + (-W) = 0 \Rightarrow N = W = mg$$

در این حالت اندازه نیروی وزن و نیروی عمودی تکیه‌گاه باهم برابر هستند.



مطابق شکل کتاب روی میز قرار دارد و شخصی با دست خود به کتاب نیروی عمودی وارد می‌کند. نیروی عمودی تکیه‌گاه را در این حالت محاسبه کنید.

پاسخ: نیروهای وارد شده بر کتاب در شکل نمایش داده شده‌اند. F نیرویی است که دست شخص به طور عمودی بر کتاب وارد می‌کند. N نیروی عمودی‌ای است که تکیه‌گاه (میز) بر کتاب وارد می‌کند. W نیروی وزن کتاب است که از طرف زمین بر کتاب وارد می‌شود.

$$\vec{F}_T = 0 \Rightarrow \vec{N} + \vec{W} = 0$$

$$\Rightarrow N + (-F) + (-W) = 0 \Rightarrow N = F + W$$

در این حالت، اندازه نیروی عمودی تکیه‌گاه از نیروی گرانشی بیشتر است.

کاربرد فناوری در صنعت



هنگامی که روی ترازوی فنری ایستاده‌اید و می‌خواهید وزن خود را اندازه بگیرید، دو نیرو به شما وارد خواهد شد. یکی نیروی گرانشی زمین (نیروی وزن) است، و دیگری نیروی تکیه‌گاه است که ترازوی فنری به شما وارد خواهد کرد.

نیروی عمودی تکیه‌گاه (N) را نیروی کنش فرض می‌کنیم و نیرویی که شما به ترازو وارد می‌کنید (N')، نیروی واکنش خواهد بود. همین نیروی واکنش، فنر ترازو را فشرده می‌کند و ترازو اندازه نیروی عمودی تکیه‌گاه را که با نیروی وزن شما برابر است، نشان خواهد داد. به شرطی نیروی عمودی تکیه‌گاه با وزن شما برابر است که روی ترازوی فنری بی‌حرکت ایستاده باشید و ضمناً به جسم دیگری تکیه نکرده باشید.

روی یک ترازوی فنری ساکن بایستید، وزن خود را اندازه بگیرید. سپس ترازو را به کنار میز ببرید و یک بار در حالی که به میز به طور عمودی و به سمت پایین نیرو وارد می‌کنید وزن خود را اندازه بگیرید و بار دیگر در حالی که به لبه میز به سمت بالا نیرو وارد کرده‌اید وزن خود را اندازه بگیرید. تفاوتی مشاهده می‌کنید؟ به کلاس گزارش دهید.

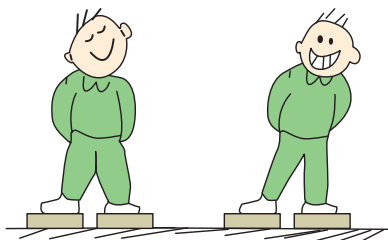
تجربه کنید



تحقیق کنید



آیا راهی وجود دارد که با آن بتوان با استفاده از خود ترازو، وزن ترازو را اندازه گرفت؟



دو ترازوی فیزیکی مهیا کنید و پای راست خود را روی یکی از آنها و پای چپ خود را روی ترازوی دیگر، مطابق شکل، قرار دهید. ترازوها چه عددی را نشان می‌دهند؟ اگر بیشتر وزن خود را روی پای چپ بیندازید، چه تغییری در اعداد نمایش داده شده می‌بینید؟ دلیل مشاهدات خود را توضیح دهید.



شکل ۲-۲۳ قسمت‌هایی از فلز به دلیل اصطکاک هنگام برش ذوب و بریده می‌شوند.

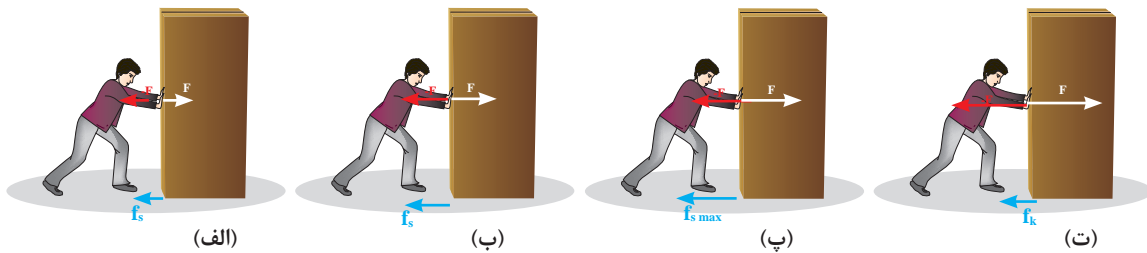


شکل ۲-۲۴ از نیروی اصطکاک برای ساختن آتش استفاده می‌شود.

نیروی اصطکاک: هرگاه جسمی بخواهد روی سطحی حرکت کند، همواره سطح در مقابل حرکت آن، مقاومت نشان می‌دهد. به این مقاومت سطح در مقابل حرکت جسم «نیروی اصطکاک» گفته می‌شود. این نیرو همواره با سطح‌هایی که روی هم مالش داده می‌شوند موازی است، و نقش مهمی را در حرکت اجسام دارد. در واقع نیروهای اصطکاک هستند که به ما امکان حرکت می‌دهند و چرخ‌های خودروها با کمک همین نیرو لیز نمی‌خورند و خودرو حرکت می‌کند. در شکل ۲-۲۳، اصطکاک بین صفحه دستگاه برش و فلز به ایجاد گرمای شدید منجر می‌شود که سبب برش فلز می‌شود. از نیروی اصطکاک می‌توان برای ایجاد آتش نیز استفاده نمود (شکل ۲-۲۴).

موقع هل دادن یک کمد سنگین روی کف اتاق، این نیرو را می‌توان حس کرد. شما برای حرکت دادن این کمد ابتدا نیرویی به آن وارد می‌کنید، این نیرو برای حرکت دادن کمد کافی نیست، چرا که به همان اندازه که شما برای هل دادن، نیرو به کمد وارد می‌کنید، کف اتاق نیروی اصطکاک را در جهت مخالف نیروی شما، به کمد وارد می‌کند و همچنان نیروی برابری وارد شده صفر بوده و کمد حرکت نمی‌کند. به این نیروی مقاوم، نیروی اصطکاک ایستایی می‌گوییم (شکل ۲-۲۵-الف). اما شما ناامید نمی‌شوید و

نیروی بیشتری را وارد می‌کنید، باز هم کمد حرکت نمی‌کند، این بار نیروی اصطکاک کف اتاق بیشتر می‌شود تا با نیروی شما هم اندازه گردد (شکل ۲-۲۵-ب). اما مقاومت سطح در مقابل حرکت کمد ادامه‌دار نیست، و سرانجام شما نیروی وارد شده را به حدی می‌رسانید که کمد در آستانه حرکت قرار گیرد، در این حالت کف اتاق بیشترین مقاومت خود را در مقابل حرکت نشان داده است. به این نیرو «نیروی اصطکاک ایستایی بیشینه» یا «نیروی اصطکاک آستانه حرکت» می‌گوییم (شکل ۲-۲۵-پ). سرانجام با وارد کردن کمی نیروی بیشتر حرکت کمد در کف اتاق شروع می‌شود. اما هنوز هم هل دادن آن آسان نیست. اصطکاک در حال حرکت هم وجود دارد ولی دیگر به اندازه حالت بیشینه، بزرگ نیست. کمد به حرکت خود ادامه می‌دهد، نیروی اصطکاک وارد شده در این حالت به کمد را نیروی اصطکاک جنبشی می‌نامیم (شکل ۲-۲۵-ت).



شکل ۲-۲۵ مراحل مختلف به حرکت در آوردن کمد در کف اتاق با وجود نیروی اصطکاک^۱

اندازه نیروی اصطکاک جنبشی و نیروی اصطکاک ایستایی بیشینه با اندازه نیروی عمودی (تکیه‌گاه) متناسب‌اند. نیروی اصطکاک ایستایی را با نماد f_s ، نیروی اصطکاک ایستایی بیشینه را با نماد $f_{s \max}$ و نیروی اصطکاک جنبشی را با نماد f_k نمایش می‌دهیم. تجربه نشان می‌دهد:

الف) جهت نیروی اصطکاک ایستایی بین جسم و سطح خلاف جهت برآیند نیروی وارد بر جسم خواهد بود.

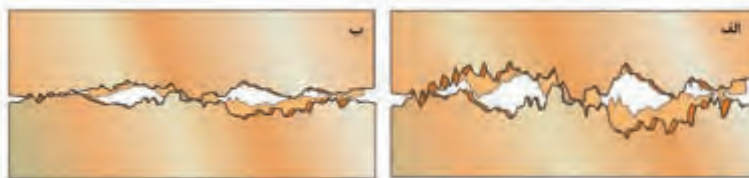
ب) اندازه نیروی اصطکاک ایستایی برابر با اندازه نیرویی است که سعی دارد جسم را حرکت دهد و اندازه آن همواره از نیروی اصطکاک ایستایی بیشینه کمتر است.

$$f_s \leq f_{s \max} \quad (۱۴-۲)$$

ج) اندازه نیروی اصطکاک ایستایی بیشینه با اندازه نیروی عمودی تکیه‌گاه متناسب می‌شود. اندازه این نیرو از رابطه زیر محاسبه می‌شود.

$$f_{s \max} = \mu_s N \quad (۱۵-۲)$$

در رابطه ۱۵-۲ کمیت μ_s همان ضریب اصطکاک ایستایی است و N اندازه نیروی تکیه‌گاه است. هر چه نیروی عمودی تکیه‌گاه بیشتر باشد، نیروی اصطکاک آستانه حرکت نیز بزرگ‌تر است (شکل ۲-۲۶).



شکل ۲-۲۶ این شکل تأثیر نیروی عمودی تکیه‌گاه بر نیروی اصطکاک را نشان می‌دهد. در شکل الف نیروی عمودی تکیه‌گاه کمتر از شکل ب است و سطح تماس در مقیاس ریز کمتر بوده و نیروی اصطکاک کمتر است.

د) اندازه نیروی اصطکاک جنبشی بین دو سطح نیز با اندازه نیروی عمودی تکیه‌گاه متناسب است و از رابطه زیر به دست می‌آید:

$$f_k = \mu_k N \quad (۱۶-۲)$$

μ_k را ضریب اصطکاک جنبشی می‌نامیم.

۱- به تغییر طول بردارها در هر شکل توجه کنید.

نکته



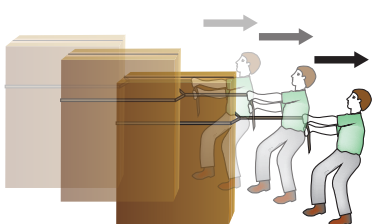
مقادیر μ_s و μ_k به ویژگی سطح‌هایی بستگی دارند که روی هم مالش داده می‌شوند و از مساحت سطح‌هایی که روی هم مالش داده می‌شوند مستقل هستند و در حالت مقدار μ_k از μ_s کوچک‌تر است.

فکر کنید



نیروی اصطکاک هنگام دویدن و قدم زدن چگونه است؟ در شکل، نیروهای وارد بر شخص را به هنگام راه رفتن رسم کنید.

مثال



اگر یک جعبهٔ چوبی به جرم ۱۲ کیلوگرم را با نیروی افقی 30 نیوتن و با سرعت ثابت روی زمین بکشیم ضریب اصطکاک جنبشی بین جعبه و زمین چه اندازه خواهد بود؟
پاسخ: همان‌طور که در متن مثال آمده است، جعبه با سرعت ثابت حرکت می‌کند، پس در حال تعادل دینامیکی است. و برآیند نیروهای وارد بر آن صفر خواهد بود.

$$F_{T_y} = N - W = N - mg = 0 \Rightarrow N = mg = 12 \text{ kg} \times 9.8 \frac{\text{N}}{\text{kg}} = 1.176 \times 10^3 \text{ N}$$

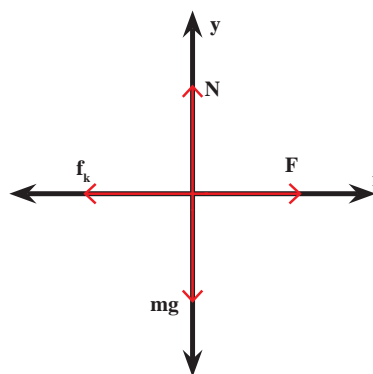
$$f_k = \mu_k N \quad (1)$$

$$F_{T_x} = F - f_k = 0 \Rightarrow F = f_k \quad (2)$$

$$1, 2 \Rightarrow F = \mu_k N \Rightarrow \mu_k = \frac{F}{N} = \frac{30}{1.176} = 0.25$$

برآیند نیروها روی محور x ها: F_{T_x}

برآیند نیروها روی محور y ها: F_{T_y}



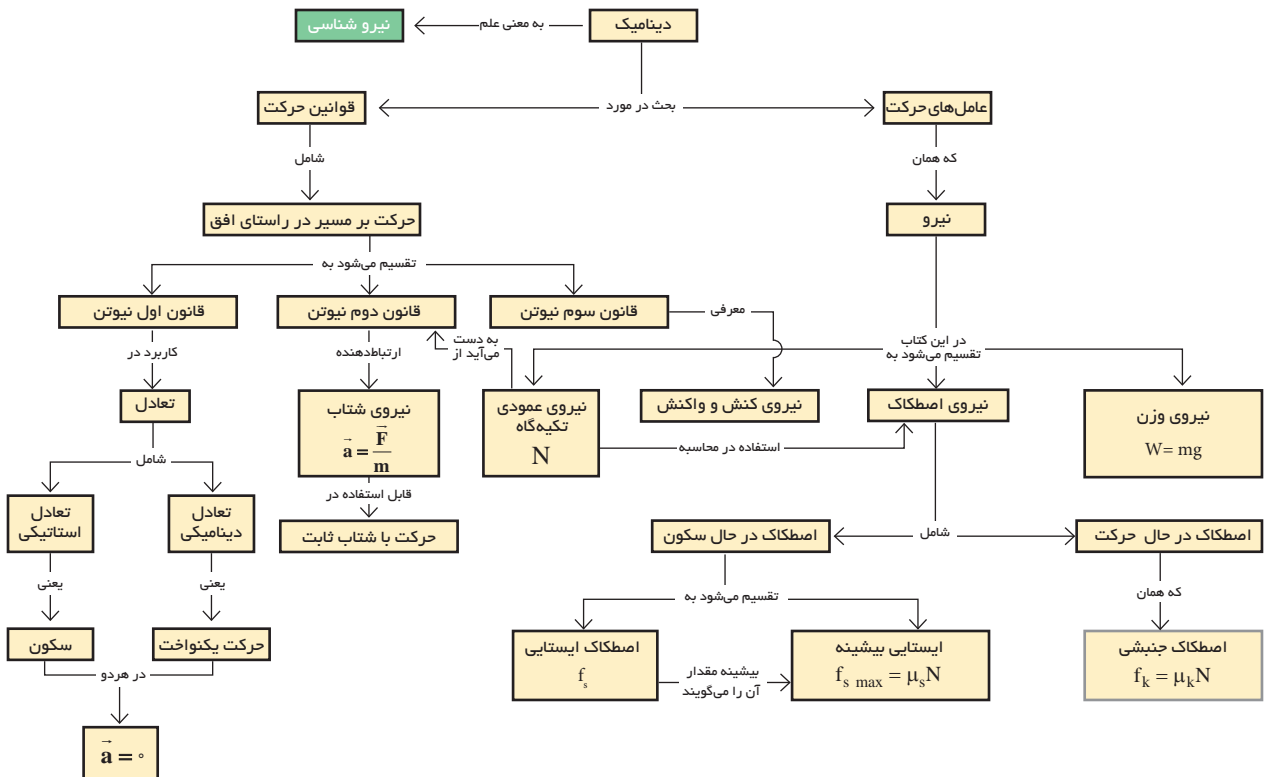
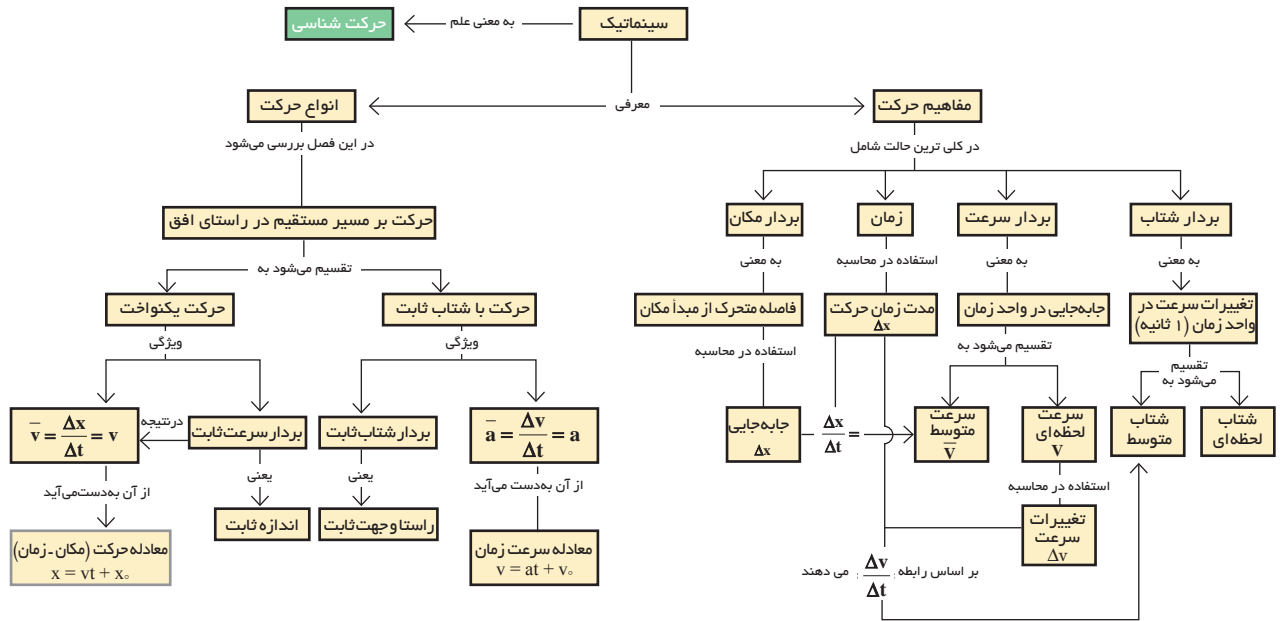
نمودار جسم آزاد

نمودار جسم آزاد (Free body diagram)

نمودار جسم آزاد یا نمودار نیرو، نماد تصویری است که معمولاً برای تحلیل نیروهای وارد شده بر یک جسم، توسط فیزیک‌دان‌ها و مهندسان به کار می‌رود. در رسم نمودار جسم آزاد در یک مسئله، کافی است تمامی نیروهای خارجی وارد بر جسم را در یک دستگاه مختصات و با حفظ جهت و اندازه آنها رسم کنیم.

بیشتر بدانید





۱- هدف از رسم نمودار مسیر چیست؟ چگونه می توان از نمودار مسیر برای بررسی حرکت استفاده کرد؟

۲- چه تفاوتی بین کمیت های فیزیکی مکان، مسافت و جابه جایی وجود دارد؟

۳- حرکت یک چتر باز را در اثر نیروهای وارد بر آن در حالت های زیر توصیف کنید:

الف) از لحظه پرش به بیرون از هواپیما تا قبل از باز کردن چتر

ب) پس از باز کردن چتر

۴- شکل مقابل دو جعبه ساکن را نشان می دهد که روی میز

قرار دارند. نیروهای وارد بر جعبه ها و میز را به طور جداگانه

رسم کنید و سپس جسم ها را بر حسب نیروی عمودی تکیه گاه

وارد بر آنها مرتب کنید.



۵- در شکل روبه رو صحنه برخورد دو خودرو را مشاهده

می کنید، نیروی وارد شده از طرف خودروی A به B بیشتر

است یا نیروی وارد شده از طرف خودرو B به A؟ علت پاسخ

خود را شرح دهید.



۶- اسب درشکه را روی سطح افقی می کشد، و درشکه شتاب

می گیرد، طبق قانون سوم نیوتن درشکه هم نیرویی برابر و

در خلاف جهت به اسب وارد می کند. پس چرا درشکه شتاب

می گیرد؟ آیا برابری نیروها در این حالت صفر نیست؟

۱- شما و دوستتان هر کدام قصد دارید مسافت 50 km رانندگی کنید. شما با سرعت 90 km/h و دوستتان

با سرعت 95 km/h رانندگی می کند. چه مدت دوست شما باید صبر کند تا شما نیز به پایان مسیر سفر خود

برسید؟

۲- دوچرخه سواری با سرعت ثابت 5 m/s و از 250 m مبدأ مکان، شروع به حرکت می کند.

الف) مکان دوچرخه را در پایان 60 s اول حرکت مشخص کنید.

ب) جابه جایی از $t_1 = 0$ تا $t_2 = 60 \text{ s}$ چقدر بوده است؟

۳- شکل زیر قسمتی از مسیر حرکت یک خودرو را در جاده‌ای مستقیم با تقسیمات زمانی ۲s نشان می‌دهد. در چه لحظه‌ای این خودرو به 220 m مبدأ می‌رسد؟ فاصله نقاط 60 m متر است.



۴- خودرویی به جرم 873 kg از حالت سکون شروع به حرکت می‌کند و بعد از 0.59 s سرعتش به $26/3\text{ m/s}$ می‌رسد. شتاب حرکت خودرو ثابت است. بزرگی نیروی برآیند که در این مدت به خودرو وارد می‌شود چقدر است؟



۵- یک بالگرد به جرم 4500 kg با شتاب 2 m/s^2 در حال بلند شدن از سطح زمین است. نیروی بالا برنده این بالگرد چقدر است؟ از مقاومت هوا صرف نظر کنید.

۶- جسمی به جرم 50 kg بر روی سطح پوشیده از برف به صورت افقی کشیده می‌شود. اگر ضریب اصطکاک ایستایی $0/3$ و ضریب اصطکاک جنبشی $0/1$ باشد.

الف) اندازه نیروی وزن جسم چند نیوتن است؟

ب) چه اندازه نیرو لازم است تا جسم شروع به حرکت کند؟

پ) چه اندازه نیرو لازم است تا جسم با سرعت ثابت حرکت کند؟

ت) در هنگام حرکت، نیروی افقی وارد بر جسم چقدر باشد تا شتاب آن 3 m/s^2 شود؟

۷- در شکل زیر، دو ورزشکار قایقران را می‌بینید، که جرم یکی از آنها 70 kg و جرم دیگر 75 kg می‌باشد. قایقرانی که در جلو نشسته می‌تواند با پارو زدن به اندازه 400 N و قایقرانی که در عقب قایق نشسته می‌تواند با پارو زدن 420 N نیرو را برای جلو بردن قایق به آب وارد کند. اگر جرم این قایق کانو 20 kg بوده و نیروی مقاومت آب در مقابل حرکت آن 380 N باشد، شتاب اولیه این قایق را محاسبه کنید.



پروژه انتخابی (نیمه تجویزی)



۱- وسیله‌ای طراحی نمایید که نشان دهد سرعت به مسیر حرکت بستگی ندارد.

۲- آزمایشی طراحی نمایید که بتوان شرایط حرکت یکنواخت را نمایش داد.

استاندارد ارزشیابی پیشرفت تحصیلی مبتنی بر شایستگی درس فیزیک پودمان دوم (مکانیک)

عنوان پودمان	شایستگی‌های مورد انتظار (واحدهای یادگیری)	استاندارد عملکرد (کیفیت)	سطح شایستگی	شاخص تحقق
مکانیک	۱- سینماتیک و کاربردهای آن	تبیین روابط حرکت در پدیده‌های فیزیکی	بالتر از حد انتظار	انجام کلیه فعالیت‌های پودمان (اعم از تجربه کنید، تحقیق کنید، فکر کنید، آزمایش کنید و پروژه پیشنهادی و...)
	۲- دینامیک و کاربردهای آن	تبیین مفاهیم نیرو و قوانین حاکم بر حرکت	در حد انتظار	۱- محاسبه سرعت و شتاب و جابه‌جایی جسم از روی نمودارها، تشخیص نیروها در حرکت شتابدار ۲- رسم نمودارهای حرکت و نمودارخوانی، محاسبه نیروهای مختلف در حالت تعادل استاتیکی ۳- نمایش دیاگرام نیروها، مقایسه انواع حرکت و تعادل به طور کیفی
			پایین تر از حد انتظار	در صورتی که هنرجو تنها بخشی از شاخص‌های در حد انتظار (و نه همه آنها) را محقق نماید، پایین تر از حد انتظار ارزشیابی می‌شود.
لازم است تا کیفیت فرایند کسب شایستگی (بر اساس انجام فعالیت‌های کلاسی و آزمایشگاهی، نظم، رعایت توصیه‌های زیست‌محیطی، ایمنی و بهداشتی، مشارکت در فعالیت‌های آموزشی و تربیتی، ابتکار در تکالیف عملکردی درسی، مشارکت در فعالیت‌های گروهی و جمعی و...) در نظر گرفته شود.				

سطح شایستگی کسب شده در پودمان (بالتر از حد انتظار، در حد انتظار، پایین تر از حد انتظار)



پودمان ۳

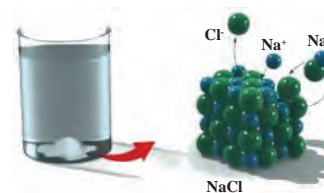
حالت‌های ماده و فشار

چرا بسیاری از کوهنوردان در ارتفاع زیاد (معمولاً بیشتر از ۵۰۰۰ متر) ناچار به استفاده از کپسول اکسیژن می‌شوند؟



سیمای پودمان

شایستگی ۱: سواد بهره‌گیری از حالت‌های مختلف داده



شایستگی ۲: به کار بستن مفهوم فشار در حالت‌های مختلف مواد

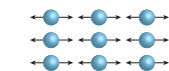


شایستگی ۱- سواد بهره‌گیری از حالت‌های مختلف ماده

در کتاب **علوم تجربی پایه نهم**، با برخی پدیده‌هایی که به موضوع فشار مربوط می‌شود آشنا شده‌اید. در این فصل هم با طرح پرسش‌های دیگر (شکل ۱-۳)، ابتدا به حالت‌های مختلف مواد، با توجه به میزان تراکم پذیری و چگالی آنها، پرداخته می‌شود. سپس پدیده‌ها و مثال‌های دیگری درباره فشار، با کمی دقت بیشتر، مورد بررسی قرار می‌گیرد.



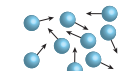
جامد



مولکول‌ها در جای خود ثابت‌اند و به طور خیلی محدود در جای خود نوسان می‌کنند



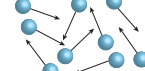
مایع



مولکول‌ها به آسانی روی یکدیگر می‌لغزند



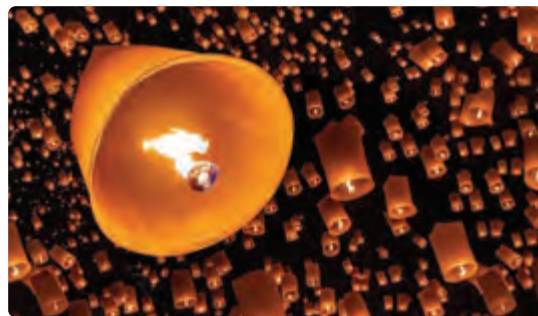
گاز



مولکول‌ها آزادانه حرکت می‌کنند

پ) چرا در قله‌های مرتفع کوه نفس کشیدن دشوارتر از سطح زمین است؟

الف) ویژگی‌های مواد در حالت‌های مختلف جامد، مایع و گاز چگونه است؟

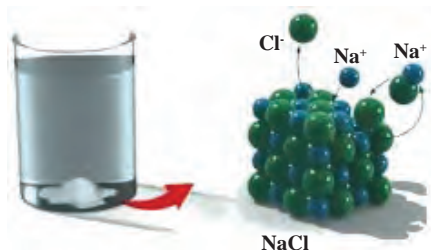


ت) اصل پاسکال چگونه برای بالابرها کاربرد دارد؟

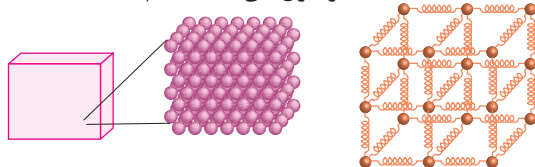
ب) چرا بالن هوای داغ به سمت بالا می‌رود؟

شکل ۱-۳ پرسش‌هایی که در این فصل بررسی خواهند شد

حالت‌های مختلف ماده



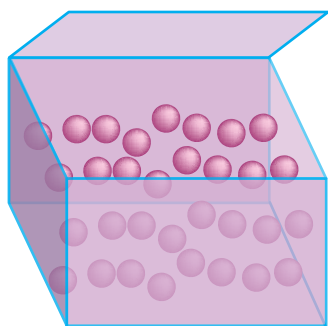
الف) مولکول‌های نمک طعام



ب) حرکت ارتعاشی مولکول‌های جامد

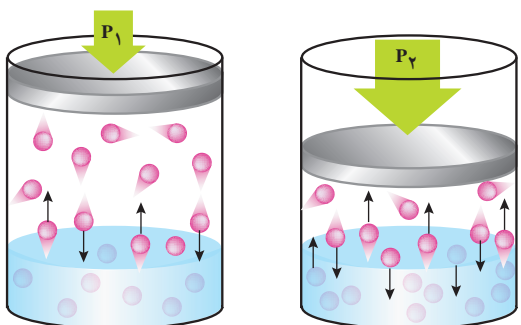
شکل ۲-۳ حالت جامد

الف) حالت جامد: در اجسام جامد فاصله مولکول‌ها از یکدیگر (در حدود یک آنگستروم یا $1 \text{ \AA} = 10^{-10} \text{ m}$) مانند فاصله مولکول‌ها در حالت مایع است. در این حالت فاصله مولکول‌ها بسیار کمتر از فاصله مولکول‌ها در حالت گاز است (شکل ۲-۳ الف). مولکول‌های جامد به دلیل نیروی بین مولکولی قوی در جای خود قرار دارند و تنها در محل خود دارای حرکت رفت و برگشت (نوسانی) هستند، به همین دلیل تراکم‌پذیر نیستند و حجم و شکل معینی دارند (شکل ۲-۳ ب).



شکل ۳-۳ حالت مایع

ب) حالت مایع: فاصله بین مولکول‌های مایع کمی از فاصله بین آنها در حالت جامد بیشتر است، این فاصله نیز تقریباً یک آنگستروم ($1 \text{ \AA} = 10^{-10} \text{ m}$) است. به دلیل کاهش نیروی بین مولکولی در مایعات، مولکول‌ها روی یکدیگر و درون مایع می‌لغزند و حرکت می‌کنند. مایعات به شکل ظرف خود در می‌آیند و تقریباً تراکم ناپذیرند (شکل ۳-۳).



شکل ۳-۴ حالت گاز

ج) حالت گاز: فاصله بین مولکول‌ها در فاز گاز، آنقدر زیاد می‌شود که نیروی بین مولکولی از بین می‌رود، در نتیجه مولکول‌ها آزادانه به اطراف در حرکت‌اند و با یکدیگر و با دیواره ظرف خود برخورد می‌کنند. گازها شکل ثابت و حجم معینی ندارند و همواره تمام حجم ظرف خود را اشغال می‌کنند بنابراین حجم گاز برابر حجم ظرف است (شکل ۳-۴).



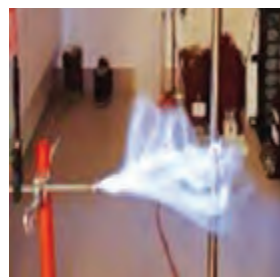
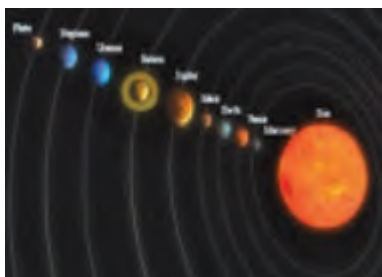
چرا متراکم کردن یک بطری پلاستیکی در بسته پر از هوا، ساده‌تر از متراکم کردن یک بطری پلاستیکی در بسته محتوی آب است؟

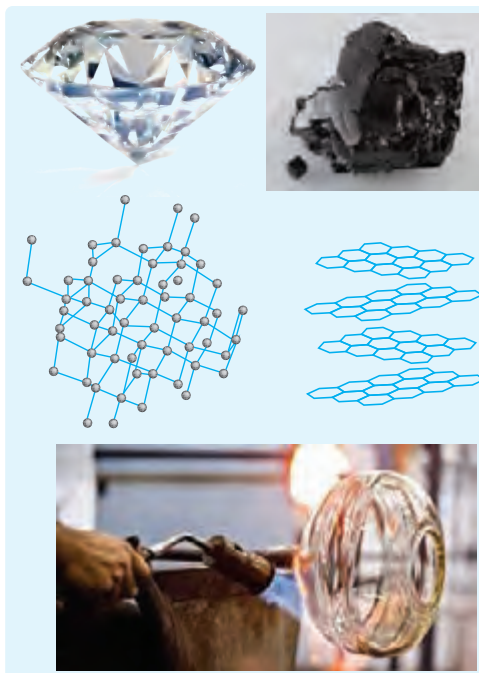
فکر کنید



کاربرد فناوری در صنعت: حالت چهارم «پلازما»

وقتی گازی تا دماهای بالا گرم می‌شود، بسیاری از الکترون‌هایی که هر اتم را احاطه کرده‌اند، از هسته آزاد می‌شوند. این حالت که مجموعه‌ای از ذرات، بار الکتریکی دارند (مقادیر مساوی الکترون‌های بار منفی و یون‌های بار مثبت) پلازما نامیده می‌شود. (شعله آتش، درون ستارگان و اطراف آنها، گاز داخل یک لامپ نئون، چاقوی پلازما، دستگاه برش «CNC» و ... گونه‌هایی از پلازما و کاربرد آن هستند).

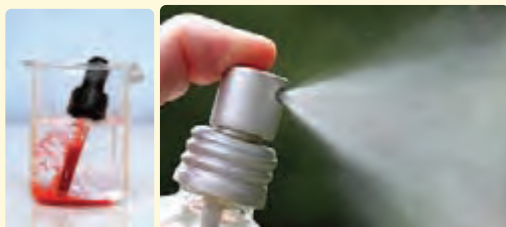




انواع جامدات

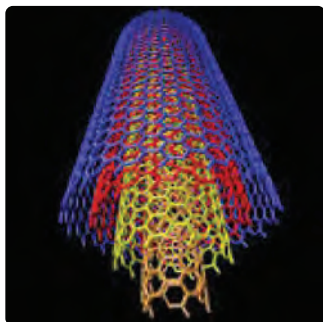
الف) جامد بلورین یا کریستال: هرگاه مایعی را به آرامی سرد کنیم تا به جامد تبدیل شود، مولکول‌هایش برای قرار گرفتن در یک طرح منظم زمان لازم را دارند و جامد بلورین تشکیل می‌شود. فلزات، نمک‌ها و الماس از این نوع جامدات به‌شمار می‌روند.

ب) جامد بی‌شکل: هرگاه یک مایع را به‌سرعت سرد کنیم تا به جامد تبدیل شود، مولکول‌های آن برای قرار گرفتن در یک طرح منظم زمان لازم را ندارد و جامد بی‌شکل تشکیل می‌شود. شیشه از این نوع جامدات است. جامدهای بی‌شکل مثل شیشه و قیر، که «آمورف» نامیده می‌شوند، در پیوندهایشان ساختارهای مولکولی طولانی و منظم وجود ندارد و حالت‌شان به‌هنگام ذوب یا انجماد تغییر نمی‌کند و فقط سفت یا شل می‌شوند.

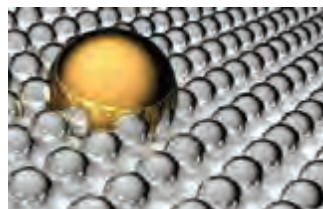


مقداری جوهر را درون لیوان محتوی آب بریزید. مقداری افشانه خوشبوکننده نیز درون هوای اتاق پخش کنید. الف) مشاهده خود را شرح دهید. ب) از پدیده‌های اشاره شده، که پخش نام دارند، در مورد حرکت مولکول‌ها چه نتیجه‌ای می‌توان گرفت؟

مواد در مقیاس نانو



الف) نانو لوله کربنی



ب) نظم اتمی در ساختار نانویی
شکل ۳-۵ مواد در ابعاد نانو

علم و فناوری نانو، توانایی در اختیار گرفتن ماده در ابعاد نانو (۵ تا ۱۰ اتم در کنار هم تقریباً به طول ۱ نانومتر هستند) و بهره‌برداری از خواص جدید فیزیکی و شیمیایی این بُعد از مواد در ابزارها و دستگاه‌های نوین است (شکل ۳-۵). در واقع فناوری نانو به معنی انجام مهندسی مواد در ابعاد اتمی - مولکولی و در نتیجه ساخت موادی با خواص متفاوت در ابعاد نانو است. به بیان دیگر اگر ماده‌ای را تا حد یک دانه شکر کوچک کنیم، خواص آن تقریباً مشابه همان ماده اولیه است؛ اما وقتی میزان کوچک‌تر شدن (حتی فقط در یک بعد از سه بعدش) به ابعاد نانومتری برسد، خواص ماده به‌گونه‌ای تغییر می‌کند که دیگر قوانین معمولی فیزیک خواص آن را توجیه نمی‌کند زیرا این تغییرات می‌تواند شامل تغییر رنگ، شفافیت، واکنش‌پذیری و خواص مغناطیسی و... باشد؛ مثلاً رنگ نانو ذرات طلا می‌تواند آبی، زرد یا قرمز باشد (شکل ۳-۶) و یا نقطه ذوب قطعه نانویی طلا 427°C است، در صورتی که نقطه ذوب طلای معمولی 1062°C است.

تحقیق کنید



یکی از ویژگی‌های مهم علم نانو میان رشته‌ای بودن آن است. تحقیق کنید آیا در رشته تحصیلی شما، این علم کاربردی دارد؟ نمونه‌ای از آن را، به کلاس ارائه دهید.

اتم طلا- یک آنگستروم/ بی‌رنگ
 خوشه طلا- کمتر از یک نانومتر/
 نارنجی- غیر فلزی
 نانوذرات طلا- بین ۳ تا ۳۰ نانومتر/
 قرمز- فلزی
 ذرات طلا- بین ۳۰ تا ۵۰۰ نانومتر/
 قرمز تیره تا آبی- فلزی

طلای متعارف- توده‌ای

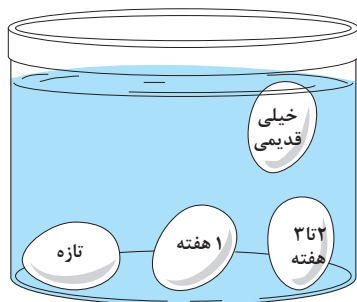
شکل ۳-۶ رنگ نانو ذرات طلا

چگالی

تجربه کنید



یک عدد تخم مرغ را درون لیوانی با آب معمولی بیندازید و بار دیگر همین تخم مرغ را در داخل لیوانی که آب آن با دو قاشق سوپ خوری از نمک شور شده است، بیندازید. در این دو حالت چه تفاوتی مشاهده می‌کنید؟ چه دلیلی برای آن می‌توان مطرح کرد؟



الف) استفاده از مفهوم چگالی در تشخیص میزان تازگی تخم مرغ

در کتاب **علوم تجربی پایه هفتم**، نسبت جرم به حجم چند جسم را محاسبه کردید و با مفهوم چگالی آشنا شدید. همچنین دیدید هنگامی که چند جسم مختلف در داخل آب قرار داده می‌شوند، چه اتفاقی می‌افتد (شکل ۳-۷). در این بخش نیز بیشتر با این مفهوم آشنا خواهید شد.

مفهوم و رابطه چگالی: یکی از ویژگی‌های فیزیکی هر ماده در همه فازها (جامد، مایع، گاز) چگالی است. جرم اتم‌ها و فاصله بین آنها (حجم یا فضای اشغال شده) در یک ماده، چگالی آن را تعیین می‌کند. چگالی معیاری از تراکم ماده و مقدار جرمی است که در فضایی مشخص وجود دارد. نسبت جرم (با نماد m) به حجم (با نماد V) هر جسمی را چگالی (با نماد ρ) آن جسم می‌نامند.



ب) تفاوت محل فرارگیری چوب پنبه و آهن در داخل آب

شکل ۳-۷ تصویر اجسام مختلف در داخل آب

$$\rho = \frac{m}{V} \quad (۱-۳)$$

یکای چگالی در SI، با توجه به رابطه (۳-۱)، کیلوگرم بر مترمکعب ($\frac{kg}{m^3}$) است.

نکته



چگالی نسبی: نسبت چگالی یک جسم به چگالی جسم دیگر، چگالی نسبی نامیده می‌شود و کمیتی بدون یکا است. معمولاً چگالی جامدات و مایعات را با چگالی آب خالص ($4^\circ C$) مقایسه می‌کنند و چگالی گازها را با چگالی هوا مقایسه می‌کنند.

$$d = \frac{\rho_2}{\rho_1} \quad (۲-۳)$$



شکل ۳-۸ شناوری روغن بر روی آب

درمایعی با مواد مخلوط نشدنی، اجسام با چگالی بیشتر پایین‌تر از اجسام با چگالی کمتر، قرار می‌گیرند. به همین دلیل از آنجا که چگالی آب (4°C) برابر $1 \frac{\text{g}}{\text{cm}^3}$ است، هر جسم با چگالی کمتر از آن روی آب شناور می‌شود. مطابق شکل ۳-۸ روغن به دلیل چگالی کمتر از آب، روی آب قرار می‌گیرد.

چگالی مخلوط یا آلیاژ

اگر دو یا چند جسم را با جرم‌های m_1, m_2, \dots و حجم‌های V_1, V_2, \dots با هم مخلوط کنیم و هنگام مخلوط شدن کاهش حجمی رخ ندهد، چگالی مخلوط از رابطه زیر به دست می‌آید:

$$\rho = \frac{m}{V} = \frac{m_1 + m_2 + \dots}{V_1 + V_2 + \dots}$$

بیشتر بدانید



فکر کنید



الف) در یک آزمایش تشخیص طبی، قند خون ناشتای شخصی (میلی‌گرم / دسی‌لیتر) $78 \frac{\text{mg}}{\text{dlit}}$ است. مفهوم این نتیجه آزمایش چیست؟

ب) چرا ورزشکاران در هنگام استراحت‌های کوتاه، باید به جای آب از نوشیدنی‌های معدنی ویژه استفاده کنند؟

جدول ۳-۱ چگالی چند ماده مختلف در فشار یک اتمسفر برحسب $(\frac{\text{kg}}{\text{m}^3})$

چگالی	گاز (در دمای 20°C)	چگالی	مایع	چگالی	جامد
۲/۹۹۴	کلر	۱۳۶۰۰	جیوه	۱۹۳۲۰	طلا
۱/۹۸	کربن دی‌اکسید	۱۲۶۰	گلیسیرین	۱۱۳۰۰	سرب
۱/۴۶۵	کربن مونو اکسید	۱۰۵۰	خون	۸۹۰۰	مس
۱/۴۳	اکسیژن	۶۸۰۰	چدن مذاب	۷۹۰۰	فولاد
۱/۲۹	هوا	۱۰۰۰	آب در 4°C	۲۷۰۰	آلومینیوم
۰/۷۷	آمونیاک	۲۳۵۰	آلومینیوم مذاب	۱۸۰۰	پودرسیمان
۰/۶۶۸	متان	۹۰۰	روغن ذرت	۹۲۰	یخ
۰/۱۶۶	هلیوم	۸۳۰	نفت	۶۵۰	چوب گردو
۰/۰۸۹	هیدروژن	۸۰۰	الکل	۲۵۰	چوب پنبه

مثال

حجم بتن مصرفی در یک ستون ۲/۵ مترمکعب است. اگر چگالی آن $\frac{\text{kg}}{\text{m}^3} \times 10^3 \times \frac{2}{4}$ باشد، وزن این ستون چند نیوتن است؟ ($g = 10 \frac{\text{N}}{\text{kg}}$)



پاسخ: از رابطه ۳-۱ داریم:

$$\rho = \frac{m}{V}$$

$$\frac{2}{4} \times 10^3 \frac{\text{kg}}{\text{m}^3} = \frac{m}{\frac{2}{5} \text{m}^3} \Rightarrow m = \frac{2}{5} \text{m}^3 \times \frac{2}{4} \times 10^3 \frac{\text{kg}}{\text{m}^3} = 6 \times 10^3 \text{kg}$$

$$\Rightarrow W = mg = 6 \times 10^3 \text{kg} \times 10 \frac{\text{N}}{\text{kg}} = 6 \times 10^4 \text{N}$$

تمرین کنید



الف) چگالی چوب پنبه و مس را، با توجه به مقادیر جدول ۳-۱، بر حسب $(\frac{\text{g}}{\text{cm}^3})$ محاسبه کنید.

ب) حجم ۱ kg چوب پنبه بیشتر است یا ۱ kg مس؟

پ) جرم ۱ cm^۳ چوب پنبه بیشتر است یا ۱ cm^۳ مس؟

تمرین کنید



درون یک بوتۀ ذوب فلزات ۲۴/۲ kg از آلومینیوم مذاب پر شده است. با توجه به جدول ۳-۱ تعیین کنید:

الف) حجم داخلی این بوتۀ بر حسب دسی متر مکعب

ب) در این بوتۀ به جای آلومینیوم مذاب چند کیلوگرم چدن مذاب جای می گیرد؟

پ) اگر تمام آلومینیوم مذاب در داخل یک قالب ریخته شود، حجم آن پس از سرد شدن چند cm^۳ خواهد شد؟

شایستگی ۲- به کار بستن مفهوم فشار در حالت های مختلف مواد

مفهوم فشار



شکل ۳-۹ ارتباط فشار و سطح

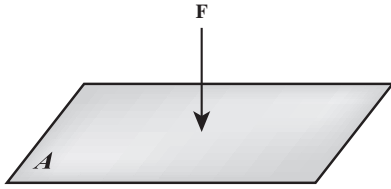
شاید کاربرد پمپ را در منازل، به ویژه در آپارتمان ها دیده باشید، یا وقتی دهانه لوله خروجی هوای یک تلمبه دستی دوچرخه را می بندید و پیستون تلمبه را به سمت داخل می برید، فشار هوای محبوس در تلمبه را احساس کرده باشید. در شکل ۳-۹ هر چه سطح تماس فرد با میخ ها بیشتر باشد، اثر میخ ها را کمتر احساس می کند. این مثال ها کفایت می کند تا مفهوم فشار و تفاوتش با نیرو را به خوبی درک کنیم.

تجربه کنید



در یک تخته با ابعاد (۱۰cm × ۱۰cm) به فاصله هر سانتی متر میخ هایی هم اندازه وارد کنید. سپس بادکنکی را باد کرده و بر میخ ها فشار دهید. این حالت را با حالتی که فقط یک میخ به بادکنک فشار می آورد، مقایسه کنید. چه تفاوتی مشاهده می شود؟ با توجه به مثال ها و تجربه بالا، عوامل مؤثر بر فشار را بررسی کنید.

در درس **علوم تجربی پایه نهم** دیدید که جامدها بر سطح تکیه‌گاه خود و شاره‌ها بر دیواره ظرفشان و بر سطح هر جسمی که در داخل آنها قرارگیرد، فشار وارد می‌کنند. **فشار برابر است با بزرگی نیرویی که عمود بر یکای سطح وارد می‌شود.**



$$P = \frac{F}{A} \quad \left(\frac{\text{N}}{\text{m}^2} \right) \quad (3-3)$$

در این رابطه، F نیروی عمودی از طرف جسم جامد، و یا شاره بر حسب نیوتن (N) و A مساحت سطح تماس بر حسب مترمربع (m^2) است.

فشار کمیتی نرده‌ای و فرعی با یکای پاسکال (Pa) است. یعنی یک پاسکال برابر با نیروی عمودی 1 N وارد بر سطح 1 m^2 است که برای اندازه‌گیری فشارهای بسیار کم از آن استفاده می‌شود؛ مثلاً فشار یک برگ اسکناس روی میز، حدود یک پاسکال است. به نظر شما چگونه می‌توان این فشار را به 2 یا 4 یا $\frac{1}{4}$ پاسکال رساند؟ در این پودمان با واحدهای بزرگ‌تر، که در صنعت نیز کاربرد دارند، آشنا خواهید شد.

مثال



فشار هوای درون یک هواپیمای مسافربری در ارتفاع $7/5 \times 10^3 \text{ m}$ از سطح دریا، تقریباً $0/4$ اتمسفر از فشار هوای بیرون آن، بیشتر است. در این صورت چه نیرویی بر حسب نیوتن به هر پنجره ($30 \text{ cm} \times 30 \text{ cm}$) آن وارد می‌شود؟ ($1 \text{ atm} \cong 10^5 \text{ Pa}$)

پاسخ: بیشتر بودن فشار هوای درون هواپیما نسبت به بیرون آن عامل وارد شدن نیرویی به درها و پنجره‌های آن از داخل هواپیما می‌شود، و براساس رابطه (3-3) این نیرو برابر است با:

$$A = 30 \text{ cm} \times 30 \text{ cm} = 9 \times 10^2 \text{ cm}^2 = 9 \times 10^2 \times 10^{-4} \text{ m}^2 = 9 \times 10^{-2} \text{ m}^2$$

$$P = 0/4 \text{ atm} = 0/4 \times 10^5 \text{ Pa}$$

$$F = P \times A = 0/4 \times 10^5 \text{ Pa} \times 9 \times 10^{-2} \text{ m}^2 = 3/6 \times 10^3 \text{ N}$$

تحقیق کنید



حادثه‌ای که در عکس مشاهده می‌کنید، در آوریل سال ۱۹۸۸ میلادی، وقتی هواپیمای بویینگ ۷۳۷ در ارتفاع $7/3 \times 10^3$ متری، پرواز می‌کرد، رخ داده است، تحقیق کنید که این حادثه، به چه علت رخ داده و چه ارتباطی با مفهوم فشار داشته است؟

فشار شاره‌ها

در بخش اول این پودمان اشاره شد، شاره‌ها حتی اگر ساکن هم باشند، مولکول‌های آنها در حرکت‌اند و همین برخورد مولکول‌ها به اطراف خود، سبب به‌وجود آمدن نیروی شاره می‌گردد. این نیرو نیز عامل به‌وجود آوردن فشار است، که مقدارش بر هر سطح فرضی درون شاره، از رابطه (3-3) قابل محاسبه است. در این بخش، ابتدا با فشار در مایعات آشنا می‌شوید، سپس با توجه به ویژگی مشترک شاره‌ها، می‌توانید فشار در گازها را نیز بررسی کنید.

تجربه کنید



ابوریحان بیرونی

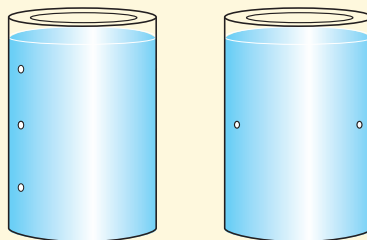
فیزیک‌دان (طبیعی‌دان) مسلمان هم‌عصر ابن‌سینا، ابوریحان محمد بیرونی از دانشمندان بزرگ اسلامی است. او در علم فیزیک به‌خصوص در مباحث حرکت و تعادل شاره‌ها شهرت یافت. بیرونی با امکانات محدود آن زمان توانست اختلاف چگالی آب در دماهای مختلف را دریابد. او در کتاب «الآثار الباقیه عن القرون الخالیه» به بحث از تعادل شاره‌ها و نیز شرح پدیده‌هایی که مبتنی بر فشار شاره‌ها و توازن و تعادل آنهاست پرداخته است.

۱- دو بطری آب معدنی خالی را تهیه کنید. سه سوراخ کوچک در نقاط هم ارتفاع سه طرف بطری آب معدنی خالی اول و سه سوراخ دیگر در سه نقطه هم راستا با ارتفاع متفاوت از بطری آب معدنی خالی دوم ایجاد کنید. سپس در هر کدام آب بریزید و نقاط بالای آنها را بفشارید. الف) سرعت و فاصله افقی آب خارج شده سه سوراخ هم ارتفاع بطری اول چه ارتباطی با هم دارند؟

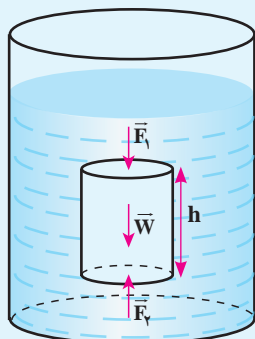
ب) سرعت و فاصله افقی آب خارج شده سه سوراخ در نقاط با ارتفاع مختلف بطری دوم چه ارتباطی با هم دارند؟

ج) با فشار دادن نقاط بالای هر کدام از بطری‌ها، مشاهده خود را با ذکر دلیل شرح دهید.

۲- این فعالیت را با مایعی که چگالی متفاوت با آب دارد تکرار کنید و به سؤالات بالا در این حالت نیز پاسخ دهید.



بیشتر بدانید



استوانه فرضی

محاسبه اختلاف فشار دو نقطه در مایع ساکن: همانند شکل

در ظرفی محتوی مایع ساکن با چگالی ρ ، یک استوانه فرضی به ارتفاع h و مساحت قاعده A در نظر می‌گیریم. با توجه به تعادل مایع، برآیند نیروهای وارد بر این استوانه در راستای قائم (و هر راستای دلخواه) یعنی وزنش (W) و نیروها F_1 و F_2 ، که از پایین و بالا از طرف مایع زیرین و رویی این استوانه بر آن وارد می‌شوند، صفر است. بر مبنای آنچه از برآیند بردارها در پودمان اول آموخته‌اید می‌توان نوشت:

$$\sum F_y = 0 \rightarrow F_2 - F_1 - W = 0$$

$$W = mg = (\rho V)g = (\rho Ah)g \rightarrow P_2 A - P_1 A = \rho ghA$$

$$P_2 - P_1 = \rho gh \quad (4-3)$$

مثال



فشار در عمق ۹ متری آب درون یک دریاچه، چه مقدار از فشار در عمق ۱ متری بیشتر است؟

(چگالی آب دریاچه را $\frac{kg}{m^3} = 10^3$ در نظر بگیرید.)

پاسخ:

$$h = 9m - 1m = 8m$$

$$P_2 - P_1 = \rho gh \Rightarrow P_2 - P_1 = 10^3 \frac{kg}{m^3} \times 10 \frac{N}{kg} \times 8m = 8 \times 10^4 Pa$$



۱- یک قطعه نی به طول تقریبی ۵ سانتی‌متر را مانند شکل، از پایین یک بطری پلاستیکی طوری وارد بطری کنید که وقتی درون بطری را از آب پر می‌کنید از کناره‌های نی، آب بیرون نریزد. (می‌توانید با چسب حرارتی آب‌بندی کنید).



۲- یک نی بلند به طول تقریبی ۳۰ سانتی‌متر را طوری وارد درپوش بطری کنید که هوا از کناره‌های آن وارد بطری نشود.

۳- با انگشت مسیر خروج آب را ببندید و بطری را پر از آب کنید و این‌بار درپوشی را که نی داخل آن گذاشته شده است، روی بطری ببندید.

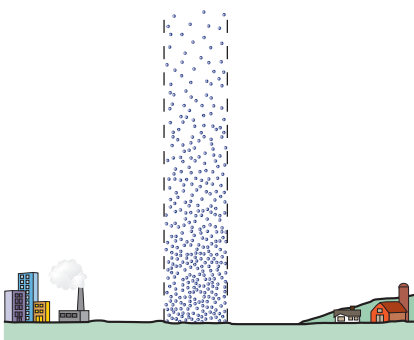
۴- انگشت خود را بردارید و نی روی درپوش را در راستای عمودی جابه‌جا کنید.

۵- تغییر فاصله انتهای نی عمودی (نقطه A در شکل) تا نی افقی (نقطه B در شکل) در سرعت خروج آب از بطری چه تأثیری دارد؟ (هنگامی که درپوش نی‌دار، روی بطری بسته شده است، به سطح آزاد مایع درون نی توجه کنید).

فشار هوا



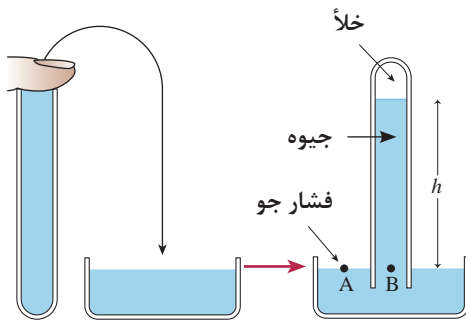
یک لیوان را پر از آب کنید و یک صفحه مقوایی، که تمام دهانه لیوان را می‌پوشاند، روی دهانه لیوان را محکم نگه دارید، آنگاه درحالی که صفحه مقوایی را با دست نگه‌داشته‌اید، لیوان را وارونه کنید. چرا مقوا و آب درون لیوان سقوط نمی‌کنند؟



شکل ۳-۱۰ فشار هوا

فشار هوا چگونه به وجود می‌آید؟ همان طور که فشار

آب را وزن مولکول‌های آب به وجود می‌آورد، اطراف کره زمین نیز، تا ارتفاع معینی مولکول‌های هواست و چون هوا دارای جرم است، به علت وزنش فشاری وارد می‌کند که «فشار هوا» نام دارد (شکل ۳-۱۰). روش‌های مختلفی برای اندازه‌گیری فشار هوا وجود دارد. یکی از مهم‌ترین روش‌ها، آزمایش توریحلی^۱ است.

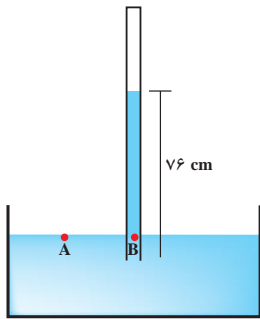


شکل ۱۱-۳ آزمایش توریچلی

آزمایش توریچلی: براساس طرح آزمایش توریچلی (شکل ۳-۱۱)، لوله یک سر بسته‌ای به طول حدود ۱ متر را از جیوه پر کرده و با بستن دهانه آن به کمک دست لوله را برمی‌گردانیم و در ادامه، دهانه آن را در داخل تشتکی محتوی جیوه فرو می‌بریم. با برداشتن دست خود از دهانه لوله مقداری جیوه از لوله پایین می‌آید و در ارتفاع معینی ثابت می‌ماند. اگر آزمایش در سطح دریای آزاد و در هوای آرام انجام شده باشد، این ارتفاع ۷۶ سانتی‌متر خواهد شد. در شکل ۳-۱۲ فشار نقطه A، فشار هوا است و به دلیل هم تراز بودن نقاط A و B، که هر دو به مایع جیوه مربوط‌اند، می‌توان نوشت:

$$P_A = P_B = P.$$

از طرفی فشار P_B همان فشار ستون جیوه مربوط به بالای نقطه B است:



شکل ۱۲-۳ محاسبه فشار هوا توسط آزمایش توریچلی

$$P = P_B = \rho g h = (1/36 \times 10^4 \frac{\text{kg}}{\text{m}^3}) \times (9/8 \frac{\text{N}}{\text{kg}}) \times (7/6 \times 10^{-1} \text{m})$$

$$\rightarrow P = 1/01 \times 10^5 \text{Pa} \cong 10^5 \text{Pa}$$

مثال

۷۰ cmHg چند پاسکال و چند کیلوپاسکال است؟

پاسخ:

$$P_P = (\rho_{\text{Hg}})(g)(h_{\text{Hg}}) = (1/36 \times 10^4 \frac{\text{kg}}{\text{m}^3}) \times (9/8 \frac{\text{N}}{\text{kg}}) \times (7 \times 10^{-1} \text{m}) \cong 9/3 \times 10^4 \text{Pa} = 93 \text{kPa}$$

نکته

از سطح زمین به سمت ارتفاعات بالاتر، تراکم و تعداد مولکول‌های هوا کمتر می‌شود، در نتیجه در نزدیکی سطح زمین فشار هوا تقریباً به ازای هر ۱۰ متر افزایش ارتفاع، ۱ میلی‌متر جیوه کاهش می‌یابد.

مثال

شهرکرد با ارتفاع ۲۰۶۰ متری از سطح دریا از میان مراکز استان‌ها به‌عنوان مرتفع‌ترین شهر از سطح دریا به حساب می‌آید که به همین علت آن را بام ایران نیز می‌خوانند. اگر فشار هوا در سطح دریا ۷۶ cmHg باشد، فشار هوا در این شهر چند cmHg است؟

پاسخ:

باتوجه به نکته بالا

$$\frac{2060 \text{m}}{10 \text{m}} = 206 \rightarrow \Delta P \cong -206 \text{mmHg} = -20/6 \text{cmHg} \Rightarrow$$

$$P_s \cong 76 - 20/6 = 55/4 \text{cmHg}$$

تمرین کنید



فشار مایعی در کف ظرف ۱۵۰ cmHg است. بررسی کنید نیرویی که از مایع به کف ظرف وارد می‌شود چند نیوتون است؟

$$(\rho_{\text{Hg}} = 1/36 \times 10^4 \frac{\text{kg}}{\text{m}^3}, g = 10 \frac{\text{N}}{\text{kg}}, A = 2 \text{ cm}^2)$$

نکته



فشار هوا در سطح آزاد دریا تقریباً با مقادیر زیر برابر است:

$$P_0 = 10^5 \text{ Pa} = 1 \text{ atm} = 76 \text{ cmHg} = 760 \text{ mmHg}$$

فکر کنید

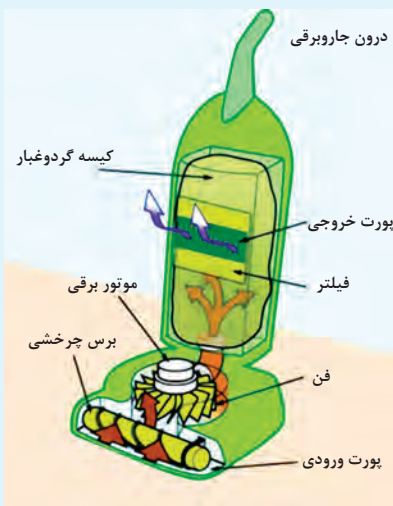


ارتفاع قله اورست، در حدود ۸۸۴۸ متر است. به کوهنوردانی که قصد صعود به این قله را دارند، همواره توصیه می‌شود که حتماً کپسول اکسیژن به همراه داشته باشند. به نظر شما، این موضوع چه ارتباطی به مفهوم فشار هوا دارد؟

بیشتر بدانید



جارو برقی چگونه کار می‌کند؟



در یک جارو برقی، مشابه مکش با یک نی نوشیدنی (البته کمی پیچیده‌تر)، عمل می‌شود. وقتی جاروبرقی روشن می‌شود، با به کار افتادن موتور و چرخش فن متصل به آن با پره‌های زاویه‌دار (مانند پروانه هواپیما)، هوا را مطابق شکل، به سمت درگاه (پورت) خروجی می‌برد. هنگامی که ذرات هوا رو به جلو حرکت می‌کنند، تراکم ذرات (و در نتیجه فشار هوا) در جلوی فن افزایش می‌یابد و در ناحیه پشت فن، کاهش می‌یابد. افت فشار پشت فن، مانند افت فشاری است که در پشت نی، بعد از مکیدن ایجاد می‌شود و در نتیجه خلأ جزئی ایجاد شده درون جارو برقی، هوای محیط اطراف، به سمت جارو برقی (از مسیر درگاه ورودی) هل داده می‌شود. جریان هوا نیز، ذرات ریز را از روی فرش یا موکت و... جمع‌آوری می‌کند.

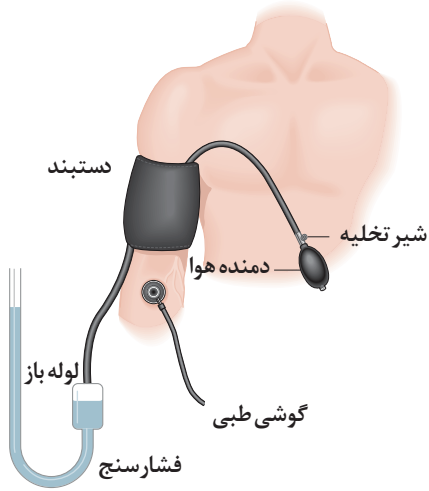
محاسبه فشار در یک نقطه در داخل شاره: در بیشتر بدانید صفحه ۶۶ نشان داده شد که اختلاف فشار دو نقطه درون مایع از رابطه $P_2 - P_1 = \rho gh$ محاسبه می‌شود. حال اگر نقطه ۱ را در سطح آزاد مایع در نظر بگیریم ($P_1 = P_0$)، در این صورت فشار در هر نقطه در عمق h ، از سطح آزاد مایع (مانند نقطه ۲) از رابطه زیر به دست می‌آید که آن را فشار کل یا واقعی شاره در نقطه ۲ می‌نامیم:

$$P_2 = \rho gh + P_0 \quad (5-3)$$

تمرین کنید



فشار هوا بر سطح مایعی به چگالی $4/5 \frac{\text{g}}{\text{cm}^3}$ برابر با ۷۵ cmHg است. اگر چگالی جیوه $1/36 \times 10^4 \frac{\text{g}}{\text{cm}^3}$ و $g = 10 \frac{\text{N}}{\text{kg}}$ باشد، فشار کل در عمق ۴۰ cm مایع، چند کیلوپاسکال و چند سانتی‌متر جیوه است؟

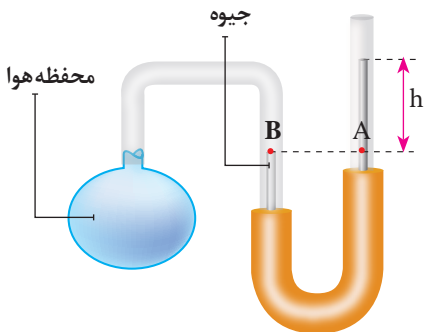


شکل ۳-۱۳ دستگاه اندازه گیری فشار خون

فشار پیمانه‌ای: در اندازه‌گیری فشارخون (شکل ۳-۱۳) یا فشار باد لاستیک‌ها در واقع اختلاف فشار شاره با فشار هوای محیط محاسبه می‌شود. مثلاً اگر گفته شود فشار هوای درون یک لاستیک ۲ اتمسفر (۲atm) است، یعنی فشار هوای داخل لاستیک ۲ اتمسفر از فشار هوای بیرون آن، بیشتر است. به این اختلاف فشار، «فشار پیمانه‌ای» گفته می‌شود:

$$P - P_0 = \text{فشار پیمانه‌ای} \quad (3-6)$$

\swarrow فشار شاره \searrow فشار هوای محیط

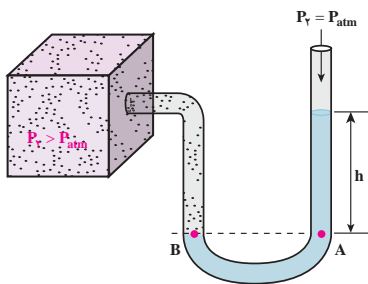


شکل ۳-۱۴ فشار سنج‌های U شکل

در فشارسنج‌های U شکل (شکل ۳-۱۴) که درون آنها مایعی به چگالی ρ است، یک دهانه لوله به مخزن یا محفظه شاره بسته می‌شود. حال اختلاف ارتفاع مایع در دو شاخه (h)، معرف اختلاف فشار شاره موردنظر با هواست. یعنی:

$$P - P_0 = \rho gh$$

مثال



مطابق شکل روبه‌رو، فشارسنج ساده‌ای را به مخزن گازی وصل و شیر مخزن را باز می‌کنیم، مشاهده می‌شود سطح جیوه در شاخه‌ای که دهانه آن باز است، ۴۷/۵ cm بالاتر از سطح جیوه در شاخه دیگر قرار می‌گیرد.

$$(g = 10 \frac{N}{kg}, P_0 = 76 \text{ cmHg})$$

الف) فشار پیمانه‌ای گاز را بر حسب سانتی‌متر جیوه و پاسکال محاسبه کنید.

ب) فشار مخزن گاز چند سانتی‌متر جیوه است؟

پاسخ: الف) چون نوع مایع جیوه است، اختلاف ارتفاع جیوه در دو شاخه لوله، یعنی h معرف فشار پیمانه‌ای بر حسب سانتی‌متر جیوه است:

$$\Delta P = 47.5 \text{ cmHg}$$

$$\Rightarrow \Delta P = \rho gh = (10 \frac{N}{kg} \times 10^4 \frac{kg}{m^3}) (10 \frac{N}{kg}) (47.5 \times 10^{-2} \text{ m}) = 6.46 \times 10^4 \text{ Pa}$$

$$\Delta P = P_{\text{گاز}} - P_0 \Rightarrow P_{\text{گاز}} = \Delta P + P_0 = 47.5 \text{ cmHg} + 76 \text{ cmHg} = 123.5 \text{ cmHg}$$



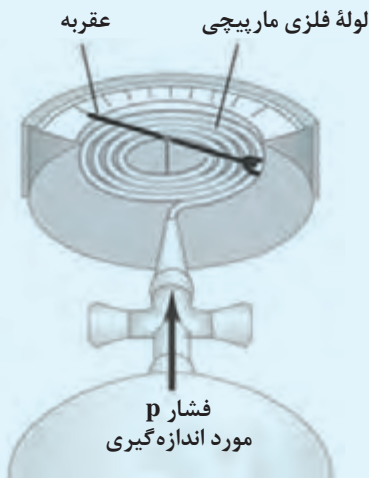
کاربرد فناوری در صنعت: انواع فشارسنج‌ها

- ۱- فشارسنج‌هایی که فشار را براساس ارتفاع مایع درونشان اندازه‌گیری می‌کنند: الف) مانومترها که اختلاف فشار دو شاره را برحسب اختلاف ارتفاع مایع درون خود اندازه می‌گیرد. (با انواع U شکل، تفاضلی، پیزومتر). ب) بارومترها که فقط فشار هوا را اندازه می‌گیرند (خشک، جیوه‌ای).
 - ۲- فشارسنج بوردون برای اندازه‌گیری فشار پیمانه‌ای شاره‌ها به کار می‌رود (برای مثال در اندازه‌گیری باد لاستیک وسیله‌های نقلیه).
 - ۳- فشارسنج‌های دیجیتالی که تا ده بار را در دماهایی بین یک تا ۵۰ درجهٔ سلسیوس اندازه‌گیری می‌کنند.
- نکته ۱:** فشارسنج‌ها فشار پیمانه‌ای، یعنی اختلاف فشار میان فشار واقعی شاره و فشار جو را اندازه می‌گیرند و طوری درجه‌بندی شده‌اند، که در فشار جو، عدد صفر را نشان می‌دهند.
- نکته ۲:** در اکثر فشارسنج‌های صنعتی، فشار بر حسب psi و bar اندازه‌گیری می‌شود، که رابطه تبدیل آنها به صورت $1 \text{ bar} = 10^5 \text{ Pa}$ و $1 \text{ psi} \cong 6890 \text{ Pa}$ است.

بیشتر بدانید



ساختمان فشارسنج‌های بوردون

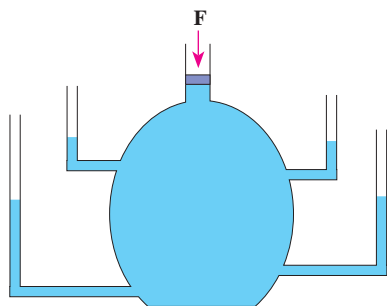


برخی از فشارسنج‌ها، از یک لولهٔ مسدود قابل انعطاف، استفاده می‌کنند، تغییر فشار درون یا بیرون لوله، یا هر دو، سبب تغییر در ابعاد آن می‌شود. این تغییر به صورت نوری، الکتریکی، یا مکانیکی آشکار می‌شود. در این نوع فشارسنج‌ها وقتی فشار درون لولهٔ فلزی مارپیچی افزایش می‌یابد، لوله اندکی راست می‌شود و عقربهٔ متصل به آن را منحرف می‌کند. از این نوع فشارسنج‌ها معمولاً برای اندازه‌گیری فشار گاز درون مخزن‌ها استفاده می‌کنند.

نکته



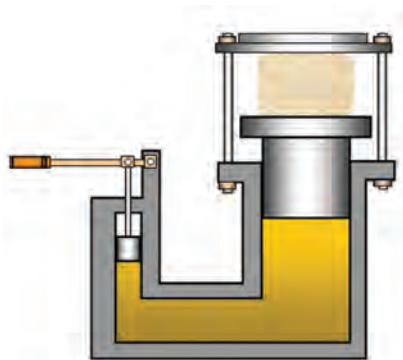
رابطهٔ اختلاف فشار شاره‌ها $P_2 - P_1 = \rho gh$ برای تمام شاره‌های در حال تعادل، به کار می‌رود. بنابراین می‌توان، اختلاف فشار بین دو نقطهٔ درون یک گاز را که در محفظه‌ای به حال سکون قرار دارد، از این رابطه محاسبه کرد. چون چگالی گازها کمتر از مایعات است، مقدار این اختلاف فشار، ناچیز است، به همین دلیل، فشار گاز درون یک کپسول گاز یا درون یک اتاق، در تمام نقاط آن، تقریباً یکسان فرض می‌شود.



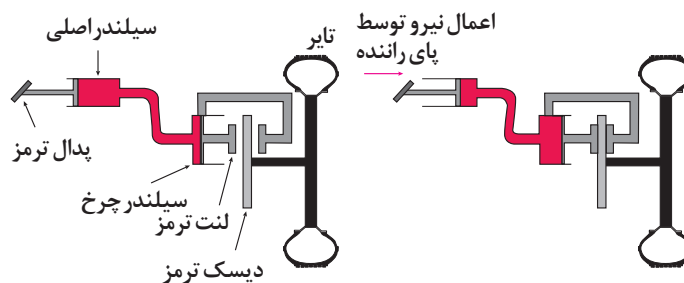
شکل ۳-۱۵ انتقال فشار

اصل پاسکال: بر طبق این اصل، تغییر فشار در هر نقطه از شارهٔ محبوس، ساکن و تراکم‌ناپذیر بدون تغییر به تمام نقاط شاره و دیواره‌های اطراف منتقل می‌شود. وقتی در مرکز پمپاژ آب شهر، فشار ۱۰ واحد زیاد شود، فشار در همهٔ لوله‌های متصل به این دستگاه، به شرط اینکه آب لوله‌ها ساکن باشد، ۱۰ واحد زیاد می‌شود (شکل ۳-۱۵).

از دیگر کاربردهای فراوان این اصل می‌توان در ترمز روغنی خودروها، لوله‌های کِرم یا خمیردندان، دستگاه منگنهٔ آبی یا خردکردن کاغذ (شکل ۳-۱۶) و ... را نام برد. همچنین در شکل ۳-۱۷ شیوه عملکرد ترمز یک خودرو را از نمایی نزدیک‌تر مشاهده می‌کنید.



شکل ۳-۱۶ دستگاه منگنه آبی

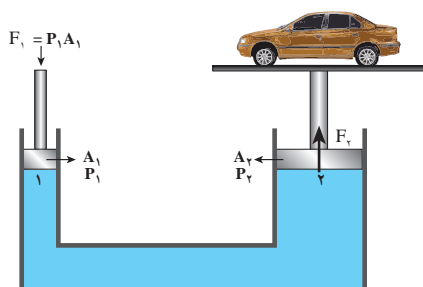


شکل ۳-۱۷ شیوه عملکرد ترمز خودرو

چرا مایعات تراکم‌ناپذیرند؟

وقتی مولکول‌ها به هم بسیار نزدیک شوند، یک نیروی دافعهٔ قوی، میان آنها ایجاد می‌شود که از نزدیک شدن بیشتر آنها جلوگیری می‌کند. وقتی که بطری پر از آب را متراکم می‌کنیم مولکول‌ها آن قدر به هم نزدیک می‌شوند که نیروی رانشی بین آنها ایجاد می‌گردد و این نیرو مانع از تراکم بیشتر آب می‌گردد. نیروی رانشی بین مولکول‌ها عاملی است که مایعات را تراکم‌ناپذیر می‌سازد.

نکته



شکل ۳-۱۸ بالابر هیدرولیکی

یک کاربرد اصل پاسکال را می‌توان در بالابرهای خودرو (دستی یا کمپرسوری) مورد بررسی قرار داد. در شکل ۳-۱۸ مشاهده می‌کنید که نیروی F_1 ، به پیستونی به مساحت A_1 وارد می‌شود و فشار مایع در همه‌جا به میزان $\frac{F_1}{A_1}$ زیاد می‌شود. در نتیجه با توجه به اصل پاسکال در محل پیستون به مساحت A_2 خواهیم داشت:

$$P_1 = P_2 \rightarrow \frac{F_1}{A_1} = \frac{F_2}{A_2} \quad (۷-۳)$$

مثال



در یک کارگاه مکانیکی از یک بالابر هیدرولیکی، برای بالا بردن خودروها استفاده می‌شود. در این بالابر، یک محفظه شامل هوای فشرده شده، نیرویی را بر پیستون کوچک به شعاع ۵cm وارد می‌کند. این فشار توسط یک مایع تراکم‌ناپذیر به پیستون بزرگی به شعاع ۱۵cm منتقل می‌شود. هوای فشرده شده درون محفظه باید چه نیرویی را به پیستون کوچک وارد کند تا خودرویی به وزن $1/8 \times 10^4 \text{ N}$ را بالا ببرد؟

پاسخ:

$$\frac{F_1}{A_1} = \frac{F_2}{A_2} \Rightarrow F_1 = \left(\frac{A_1}{A_2}\right)F_2 = \left(\frac{\pi(5 \times 10^{-2} \text{ m})^2}{\pi(15 \times 10^{-2} \text{ m})^2}\right) \times 1/8 \times 10^4 \text{ N} = 2 \times 10^3 \text{ N}$$

در مثال قبل، فشار مخزن هوای متصل به پیستون کوچک، هنگام بلند کردن خودرو، چند پاسکال است؟

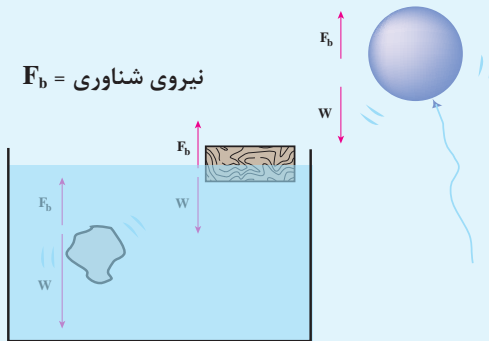
تمرین کنید



بیشتر بدانید



نیروی شناوری

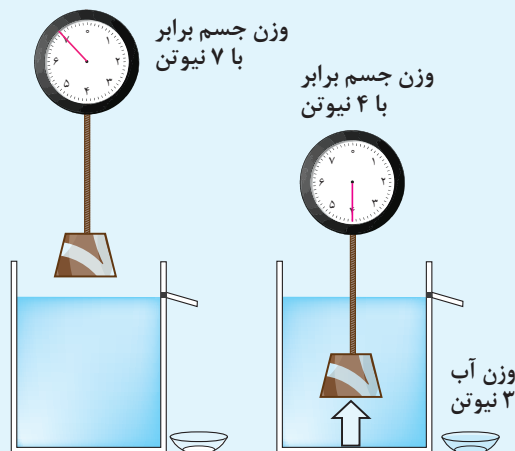


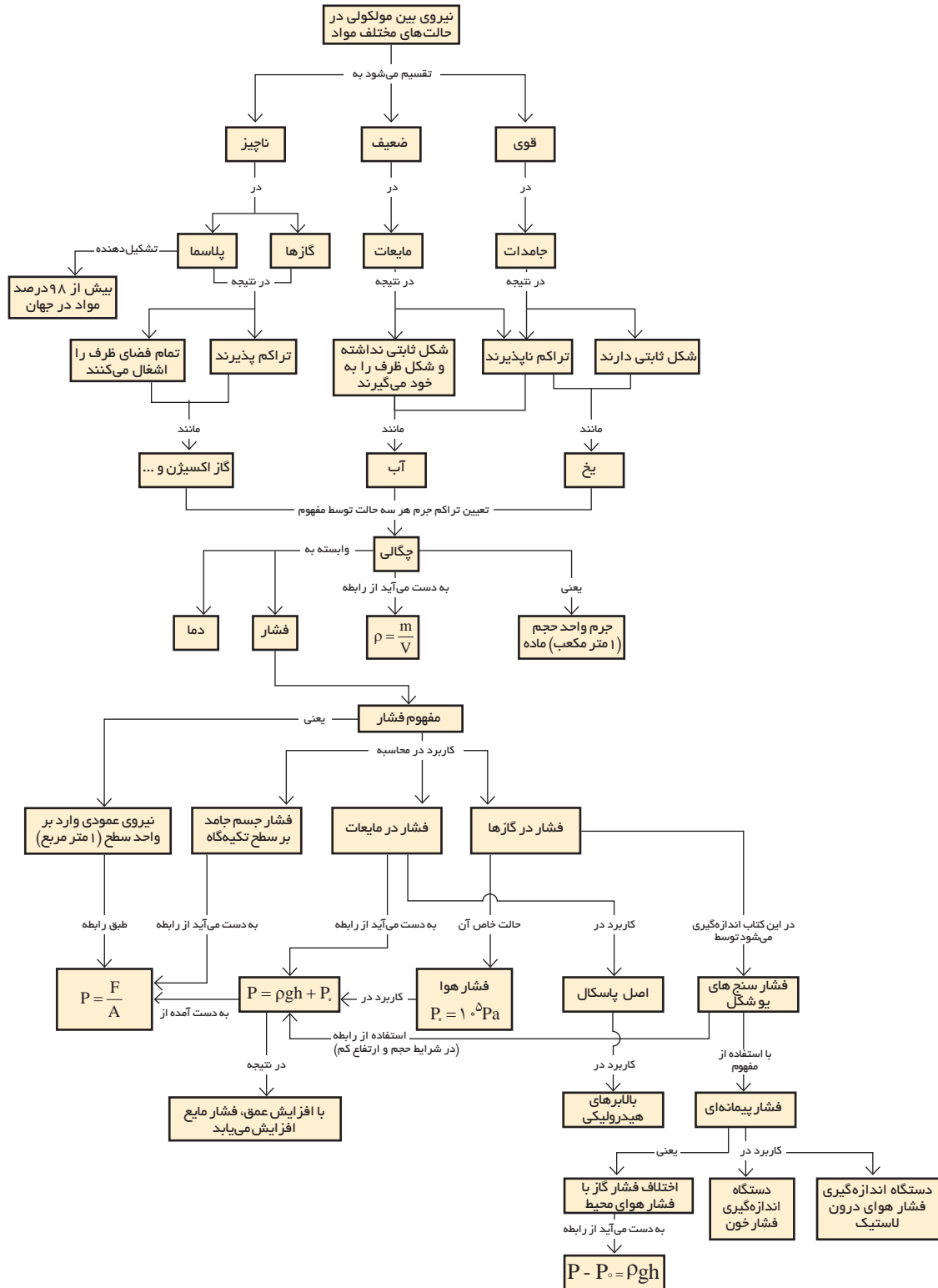
چرا یک قطعه چوب یا یک کشتی نفت کش روی آب دریا شناور می‌ماند، ولی یک تکه سنگ به ته ظرف محتوای آب می‌رود؟ و یا چرا یک بادکنک محتوای گاز هلیوم، در هوا به سمت بالا حرکت می‌کند؟ تمامی این موارد و موارد مشابه به مفهومی به نام نیروی شناوری برمی‌گردد. در واقع چون فشار در شاره با افزایش عمق زیاد می‌شود، نیروی بالاسویی که بر سطح زیرین جسم غوطه‌ور وارد می‌آید، بزرگ‌تر از نیروی پایین‌سویی

است، که بر سطح بالایی جسم وارد می‌آید و در نتیجه یک نیروی شناوری بالاسو به جسم وارد می‌شود. در برخی از موارد این نیرو با وزن جسم برابر و در نتیجه جسم بر روی سطح شاره شناور می‌ماند. در برخی مواقع این نیرو از نیروی وزن جسم کمتر بوده و جسم درون شاره غرق می‌شود و در مواردی همچون بادکنک حاوی گاز هلیوم، این نیرو از نیروی وزن گاز محبوس در بادکنک، بیشتر بوده و آن را به طرف بالا هدایت می‌کند.

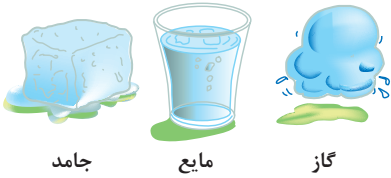
اصل ارشمیدس

اگر تمام یا بخشی از جسم، درون شاره‌ای (مایع یا گاز) فرو رود، نیروی بالاسویی از شاره به جسم وارد می‌شود، که اندازه‌اش با وزن شاره جابه‌جا شده، برابر است. یک نتیجه جالب اصل ارشمیدس این است که وزن اجسام در هوا، بیشتر از وزن آنها، در آب است. در شکل روبه‌رو مشاهده می‌شود، وزن قطعه ۷ نیوتنی وقتی کامل در آب فرو می‌رود، با نیروسنج، ۴ نیوتن اندازه‌گیری می‌شود. در واقع این ۳ نیوتن وزن گمشده، برابر با وزن آب جابه‌جا شده است.

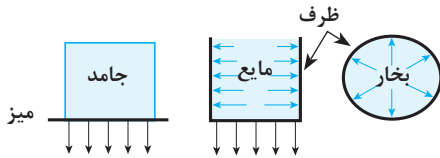




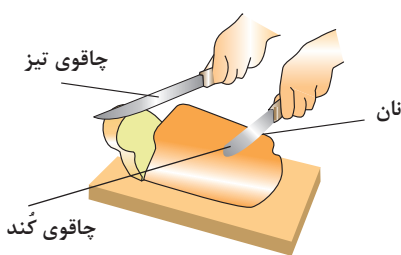
چند پرسش



۱- با استفاده از جدول ۱-۳ چه ارتباطی بین چگالی یک ماده و حالت‌های مختلف آن (مانند آب، بخار آب و یخ) وجود دارد؟



۲- در شکل روبه‌رو فشار در حالت‌های مختلف باهم مقایسه شده است، برداشت خود را بیان کنید.



۳- به کمک مفاهیم فشار و نیرو، تفاوت چاقوی تیز و کند را در برش مواد غذایی بیان کنید.

۴- با استفاده از یک فشارسنج چگونه می‌توان ارتفاع یک آسمان خراش را اندازه‌گیری کرد؟

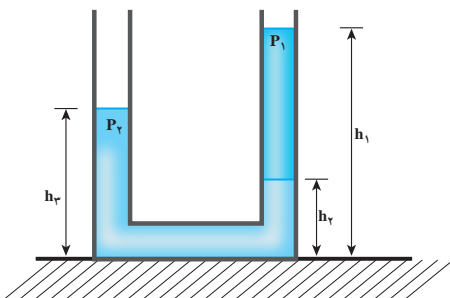
۵- با تحقیق توضیح دهید، که در هر یک از وسایل زیر، چگونه فشار هوا یا اصل پاسکال، تأثیرگذار است؟
الف) پمپ خلأ (ب) پمپ مایع دستشویی (ج) سرنگ (د) دستگاه منگنه‌آبی

۶- چرا طبق اصول ایمنی آتش‌نشانی بر روی آتش ناشی از نفت و بنزین، نباید آب پاشید؟

چند مسئله

۱- میانگین چگالی لایه‌های مختلف زمین $\frac{5}{5} \frac{g}{cm^3}$ و شعاع زمین تقریباً 6380 km است. جرم زمین چند کیلوگرم است؟

۲- حجم داخلی مخزنی برابر 60 Lit است و با مایعی که چگالی نسبی آن (نسبت به آب) 0.72 است، پر شده است. جرم این مایع چند کیلوگرم است؟ ($1 \frac{g}{cm^3}$ چگالی آب است).

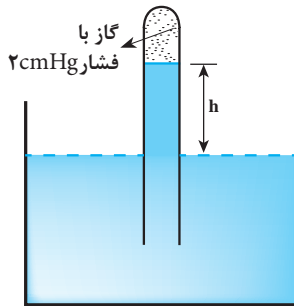


۳- دستگاه شکل روبه‌رو در تعادل است.

نسبت چگالی دو مایع ($d = \frac{\rho_2}{\rho_1}$) چه اندازه است؟

$$(h_1 = 30 \text{ cm}, h_2 = 12 \text{ cm}, h_3 = 20 \text{ cm})$$

۴- فشار در سطح آب و در کف دریاچه‌ای به ترتیب 95 kPa و 610 kPa است. اگر چگالی آب دریاچه $1030 \frac{\text{kg}}{\text{m}^3}$ و $g = 10 \frac{\text{N}}{\text{kg}}$ باشد، عمق دریاچه چند متر است؟



۵- در شکل مقابل درون ظرف، مایعی با چگالی $6/8 \frac{\text{g}}{\text{cm}^3}$ و فشار هوا 72 cmHg است. ارتفاعی که این مایع در لوله بالا رفته است (h)، چند سانتی متر است؟

پروژه انتخابی (نیمه تجویزی)



پروژه: ساخت موشک آبی

در مورد روش ساخت موشک آبی تحقیق کنید و با رعایت نکات ایمنی آن را در یک گروه بسازید. پس از ساخت به پرسش‌های زیر پاسخ دهید.

- ۱- کدام یک از نکات و قوانین فیزیکی، که در این کتاب آموختید، در ساخت آن به کار می‌رود. آنها را شرح دهید.
- ۲- برای ساخت موشک، چه مهارت‌هایی را آموختید؟



- ۳- با توجه به توانمندی خود دستگاه فشارسنجی را به کلاس ارائه دهید. (ارائه به صورت انیمیشن، به صورت دست‌سازه مکانیکی، ...)
- ۴- اساس کار پمپ‌های دستی و یا مکانیکی بر ایجاد خلأ جزئی است. هنرجویان عزیز یک پمپ دستی را طراحی و بسازید.

استاندارد ارزشیابی پیشرفت تحصیلی مبتنی بر شایستگی درس فیزیک پودمان سوم (حالت‌های ماده و فشار)

عنوان پودمان	شایستگی‌های مورد انتظار (واحدهای یادگیری)	استاندارد عملکرد (کیفیت)	سطح شایستگی	شاخص تحقق
حالت‌های ماده و فشار	۱- سواد بهره‌گیری از حالت‌های مختلف ماده	تبیین و بررسی حالت‌های مختلف ماده و مقایسه رفتارهای آنها، شناخت مواد براساس خصوصیات فیزیکی آنها	بالا تر از حد انتظار	انجام کلیه فعالیت‌های پودمان (اعم از تجربه کنید، تحقیق کنید، فکر کنید، آزمایش کنید و پروژه‌های پیشنهادی و...)
	۲- به کار بستن مفهوم فشار در حالت‌های مختلف مواد	تبیین روابط فشار در مواد، کسب توانمندی کاربردهای فشار در زندگی روزمره	در حد انتظار	۱- انجام آزمایش‌های مقایسه‌ای چگالی ۲- نمایش مفهوم فشار در محیط اطراف ۳- بیان ارتباط نیرو و فشار
			پایین تر از حد انتظار	در صورتی‌که هنرجو تنها بخشی از شاخص‌های در حد انتظار (و نه همه آنها) را محقق نماید، پایین تر از حد انتظار ارزشیابی می‌شود.
<p>لازم است تا کیفیت فرایند کسب شایستگی (براساس انجام فعالیت‌های کلاسی و آزمایشگاهی، نظم، رعایت توصیه‌های زیست محیطی، ایمنی و بهداشتی، مشارکت در فعالیت‌های آموزشی و تربیتی، ابتکار در تکالیف عملکردی درسی، مشارکت در فعالیت‌های گروهی و جمعی و...) در نظر گرفته شود.</p>				

سطح شایستگی کسب شده در پودمان (بالا تر از حد انتظار، در حد انتظار، پایین تر از حد انتظار)



پودمان ۴

دما و گرما

درز انبساط پل در عملکرد سازه پل بسیار مهم است. وقتی که درز عملکرد مناسب خود را از دست بدهد، می تواند مشکلاتی بزرگ تر از اندازه خودش به وجود آورد. به نظر شما چرا انتخاب درز انبساط مناسب در سازه اهمیت بسیاری دارد؟ و این درزها چگونه عمل می کنند؟



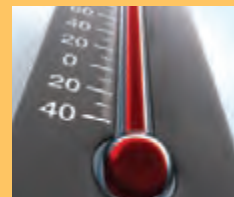
انبساط گرمایی



انتقال گرما



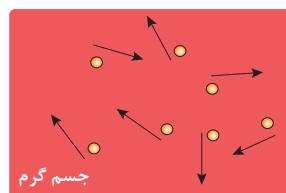
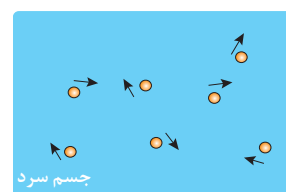
گرما



دما

سیمای پودمان

شایستگی ۱: اندازه‌گیری دما



شایستگی ۲: کاربرد روش‌های انتقال گرما

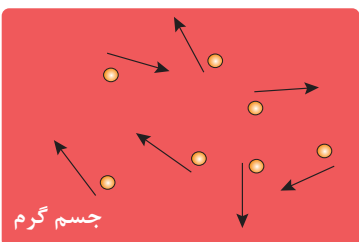
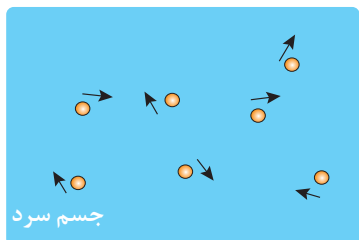


شایستگی ۱- اندازه‌گیری دما

دما



شکل ۱-۴ جرقه‌های فشفشه دارای دمای بالاتر از ۲۰۰۰ درجه سلسیوس هستند.



شکل ۲-۴ نمایش میکروسکوپیکی دما

فشفشه‌هایی که در جشن‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرند، دمای بالایی دارند (شکل ۱-۴). گرچه دمای این جرقه‌ها از ۲۰۰۰ درجه سلسیوس تجاوز می‌کند، اما گرمایی که هنگام برخورد به پوست کودک منتقل می‌کنند بسیار کم است. این تجربه نشان می‌دهد که دما و گرما مفاهیمی متفاوت‌اند.

مفهوم دما: اگر بخواهید در مورد مقدار گرمی یا سردی اجسام صحبت کنید، چگونه آن را توصیف می‌کنید؟ احتمالاً از کلماتی مثل داغ، گرم یا سرد استفاده می‌کنید. اما این واژگان نمی‌توانند اطلاع دقیقی از میزان گرمی یا سردی اجسام بدهند. کمیت فیزیکی مناسب برای این منظور، «دما» است. **دما کمیتی مقایسه‌ای است که میزان گرمی یا سردی اجسام را نشان می‌دهد.** همان‌طور که در پودمان ۳ آموختید همهٔ مواد (جامد، مایع، گاز) از اتم‌ها یا مولکول‌هایی تشکیل شده‌اند که همواره در حرکتند. اتم‌ها و مولکول‌های ماده به دلیل این حرکت دارای انرژی جنبشی هستند. **میانگین انرژی جنبشی ذرات ماده تعیین‌کنندهٔ دمای آن است،** یعنی هرچه میانگین انرژی جنبشی ذرات ماده بیشتر باشد، دمای آن نیز بیشتر خواهد بود (شکل ۲-۴). مثلاً ضربه‌زدن به فلز با چکش باعث سرعت بیشتر ذرات تشکیل‌دهندهٔ فلز می‌شود و در نتیجه دمای آن را بالاتر می‌برد.

تجربه کنید

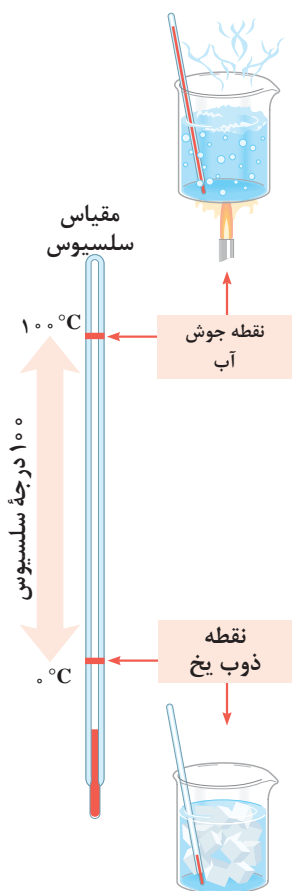


آب داغ و آب سرد را در لیوان‌های جداگانه‌ای بریزید. سپس با قطره‌چکان به اندازهٔ مساوی در آنها جوهر (یا هر مایع رنگی چون عصاره چای) بریزید. پیش بینی می‌کنید چه اتفاقی بیفتد؟ دلیل این اتفاق چیست؟

اندازه‌گیری دما: اولین وسیلهٔ اندازه‌گیری دما یا همان دماسنج، را گالیلو در سال ۱۶۰۲ اختراع کرد. دماسنج‌های معمولی جیوه‌ای و الکلی، هفتاد سال بعد از آن کاربرد گسترده‌ای یافتند.



در کتاب **علوم تجربی پایه هفتم** با انجام دادن آزمایشی دیده‌اید که حس لامسه برای اندازه‌گیری دقیق دما مناسب نیست. با توجه به معیارهای تعریف یک کمیت فیزیکی که در پودمان ۱ به آن پرداخته شده است، فکر می‌کنید چرا این روش مناسب نیست؟



شکل ۴-۳ شیوه درجه بندی دماسنج به روش سلسیوس

با شیوه درجه بندی و ساخت دماسنج در کتاب علوم هفتم آشنا شدید. در این نوع مدرج سازی، طبق قرارداد، عدد ۰ مربوط به دمایی است که یخ ذوب می‌شود و عدد ۱۰۰ به دمای جوشیدن آب خالص در فشار هوای استاندارد اختصاص دارد. فاصله بین این دو، به ۱۰۰ قسمت مساوی به نام سانتی‌گراد تقسیم شده است (شکل ۴-۳). اکنون به افتخار آندرس سلسیوس، منجم سوئدی، کسی که اولین بار این مقیاس را پیشنهاد داد، آن را درجه سلسیوس می‌نامند و این یکا را با نماد °C نشان می‌دهند.

لوله دماسنج معمولاً بلند و نازک انتخاب می‌شود تا یک تغییر کوچک در حجم جیوه یا الکل بتواند به تغییر ارتفاع قابل ملاحظه‌ای در لوله بیانجامد.

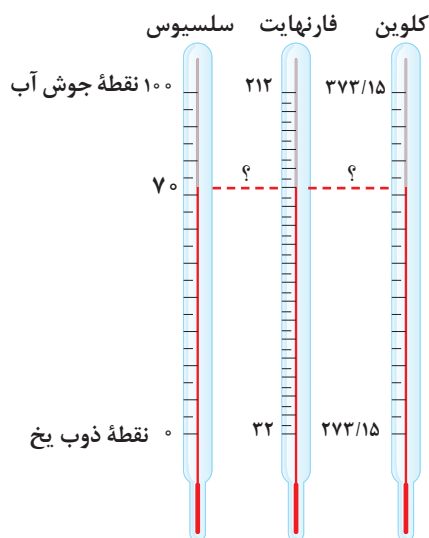


مقیاس‌های دما: با متداول‌ترین مقیاس دما یعنی سلسیوس در قسمت قبل آشنا شدید. دمایی که بر حسب سلسیوس بیان شده باشد با نماد θ (تا) نوشته می‌شود. مثلاً اگر دمای آب رادیاتور یک خودرو ۸۰ درجه سلسیوس باشد آن را به صورت $\theta = 80^\circ\text{C}$ نشان می‌دهیم. مقیاس دیگر دما، که از آن در صنعت بیشتر استفاده می‌شود. مقیاس فارنهایت است. در این مقیاس عدد ۳۲ به دمای ذوب یخ اختصاص دارد و عدد ۲۱۲ به دمای جوش آب خالص نسبت داده شده است. این مقیاس به افتخار گابریل دانیل فارنهایت، پایه‌گذار آن، نام‌گذاری شده و با نماد F نشان داده می‌شود. با کمک رابطه زیر می‌توان ارتباط دما در مقیاس سلسیوس و دما در مقیاس فارنهایت را برقرار کرد:

$$F = \frac{9}{5}\theta + 32 \quad (1-4)$$

بنابر آنچه در پودمان اول نیز گفته شد، مقیاس پذیرفته شده برای اندازه‌گیری در SI مقیاس کلونین است. در این مقیاس نقطه پایینی را دمایی در نظر می‌گیریم که انرژی ذرات ماده کمترین مقدار خود را دارند و به آن عدد ۰ را نسبت می‌دهیم در نتیجه عدد ۰ مربوط به پایین‌ترین دمای ممکن (صفر مطلق) است. صفر مطلق^۱ برابر 273°C - است. در مقیاس کلونین هیچ عدد منفی وجود ندارد. دما در مقیاس کلونین را با نماد T و کلونین را با نماد K نشان می‌دهند. مثلاً دمای ذوب یخ، یعنی ۲۷۳ کلونین را

۱- مقدار دقیق صفر کلونین $273/15^\circ\text{C}$ - است.



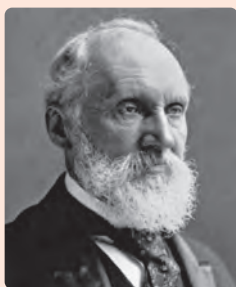
به شکل زیر نمایش می دهند:

$$T = 273K$$

برای ارتباط دما در مقیاس کلوین و سلسیوس می توان نوشت:

$$T = \theta + 273 \quad (2-4)$$

شکل ۴-۴ مقایسه مقیاس های دما



ویلیام تامسون کلوین

ویلیام تامسون، بارون کلوین اول، که بیشتر با نام لرد کلوین مشهور است، ریاضی دان و فیزیک دان و مهندس بریتانیایی و یکی از پیشگامان مهم علوم طبیعی در قرن نوزدهم بود. او کارهای مهمی در تحلیل ریاضی الکتریسیته و ترمودینامیک انجام داد و تلاش های زیادی برای وحدت بخشیدن به حوزه های مختلف فیزیک به شکل مدرن آن کرد. او به خاطر پیشنهاد مقیاس دمای ترمودینامیکی به کلوین معروف است. این واحد اندازه گیری دما که مستقل از خواص فیزیکی ماده است، به افتخار او «مقیاس دمای کلوین» نام گرفته است. در این سیستم اندازه گیری، «صفر کلوین» پایین ترین دمای ممکن است که با هیچ فرایند فیزیکی نمی توان به آن رسید، اما می توان به آن نزدیک شد.

مثال



در موتور خودرو اگر حرارت توسط دستگاه خنک کننده گرفته نشود، به موتور آسیب خواهد رسید. از طرفی کمبود حرارت نیز باعث خرابی موتور می شود. دمای مناسب موتور خودرو بین $9^{\circ}C$ تا $90^{\circ}C$ است. این بازه دمای را در مقیاس کلوین و فارنهایت محاسبه و باهم مقایسه کنید.

پاسخ:

$$\theta_1 = 9^{\circ}C \text{ و } \theta_2 = 90^{\circ}C \Rightarrow \Delta\theta = \theta_2 - \theta_1 = 90 - 9 = 81^{\circ}C$$

با توجه به رابطه ۲-۴ داریم:

$$T = \theta + 273 \Rightarrow T_1 = \theta_1 + 273 = 9 + 273 = 282K$$

$$T_2 = \theta_2 + 273 = 90 + 273 = 363K \Rightarrow \Delta T = T_2 - T_1 = 363 - 282 = 81K$$

با توجه به رابطه ۱-۴ داریم:

$$F = \frac{9}{5}\theta + 32 \Rightarrow F_1 = \frac{9}{5}\theta_1 + 32 = \frac{9}{5} \times 9 + 32 = 16/2 + 32 = 48/2^{\circ}F$$

$$F_2 = \frac{9}{5}\theta_2 + 32 = \frac{9}{5} \times 90 + 32 = 162 + 32 = 194^{\circ}F$$

$$\Delta F = F_2 - F_1 = 194 - 48/2 = 145/8^{\circ}F$$

تمرین کنید



با توجه به ارتباط مقیاس‌های دما، جدول زیر را کامل کنید.

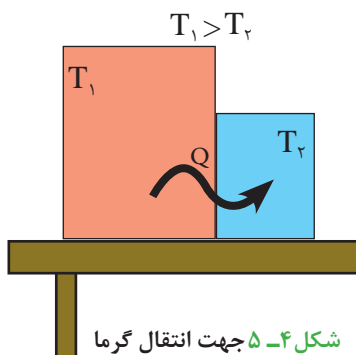
دما بر حسب درجه فارنهایت	دما بر حسب کلوین	دما بر حسب درجه سلسیوس	جسم
.....	۵۷۷۸	دمای سطح خورشید
.....	۲۲۰	دمای جوش روغن سرخ کردنی
۲۱۲	دمای آب در حال جوش
.....	۰	دمای یخ در حال ذوب
	۰	-۲۷۳	دمای صفر مطلق

نکته



همان طور که در مثال صفحه قبل و شکل ۴-۴ می‌بینید بازه‌های دمایی در مقیاس کلوین و سلسیوس یکسان‌اند. اما در مقیاس فارنهایت به دلیل کوچک‌تر بودن فواصل درجات، مقدار بیشتری برای آن بازه دمایی به دست آمده است.

گرما



اگر دست خود را زیر آب گرم بگیرید، دست شما گرم می‌شود چون آب گرم‌تر از دست شما است. اما اگر قطعه یخی را لمس کنید، دست شما سرد می‌شود و گرما از دست شما به یخ که سردتر است منتقل می‌شود. جهت انتقال گرما چگونه است؟ آیا قانون ویژه‌ای بر تمام موارد حاکم است؟ باید گفت بله، جهت شارش گرما به‌طور خودبه‌خودی همواره از جسم با دمای بیشتر (گرم‌تر) به جسم با دمای کمتر (سردتر) است (شکل ۴-۵).

مفهوم گرما: ماده دارای گرما نیست بلکه دارای انرژی درونی است. مجموع انرژی جنبشی مولکولی و پتانسیل مولکولی ذرات جسم را انرژی درونی می‌نامند، که هنگام انتقال از جسمی به جسم دیگر اصطلاحاً

گرما گفته می‌شود. در واقع انرژی‌ای را که بر اثر اختلاف دما از جسمی به جسم دیگر جابه‌جا می‌شود، گرما می‌نامند و آن‌را با نماد Q نمایش می‌دهند. یکای گرما در SI، ژول است.

بیشتر بدانید



کالری (Calorie) برای اولین بار در سال ۱۸۲۴ میلادی توسط نیکلاس کلمان به‌عنوان واحدی از گرما تعریف شد. واژه کالری از واژه لاتین Calor به معنی گرما گرفته شده است. کالری به دو صورت تعریف می‌شود:

• **کالری کوچک** یا گرم کالری با نماد cal که برابر است با مقدار انرژی مورد نیاز برای افزایش دمای ۱ گرم آب در فشار هوای ۱ atm به اندازه ۱°C.

• **کالری بزرگ** یا کیلوگرم کالری با نماد Cal یا kcal که همان **کالری غذایی** است و مقدار آن برابر است با مقدار انرژی مورد نیاز برای افزایش دمای ۱°C یک کیلوگرم آب.

یک کالری بزرگ برابر است با ۱۰۰۰ کالری کوچک. میزان انرژی غذایی که می‌خوریم با کیلو کالری اندازه‌گیری می‌شود.

همان‌طور که تاریکی از نبودن نور است، سرما نیز ناشی از نبودن گرما است. در فیزیک کمیتی به نام سرما وجود ندارد.

نکته



محاسبه مقدار گرما: به نظر شما مقدار گرمای منتقل شده به جسم به چه عواملی ارتباط دارد؟

اگر بخواهید چای را فوری درست کنید ترجیح می‌دهید آب گرم در کتری بریزید یا آب سرد؟ چرا؟

تجربه کنید



در عمل می‌بینید که هرچه اختلاف دمای اولیه و پایانی جسم بیشتر باشد، باید مقدار گرمای بیشتری به جسم داده شود. علاوه بر مقدار تغییر دما، مقدار گرما با مقدار ماده نیز ارتباط دارد. مثلاً بشکه‌ای پر از آب، بیشتر از یک فنجان آب نیاز به گرما دارد تا دمای آنها به یک اندازه بالا برود.

یک میخ کوچک و یک میخ بزرگ آهنی را روی شعله نگه دارید تا سرخ شود. آنها را داخل ظرف‌های آب با مقدار و دمای یکسان بیندازید، کدام یک، دمای آب را بیشتر بالا می‌برد؟ چرا؟ اگر جنس میخ‌ها مسی باشد به نظر شما دمای آب چه تغییری می‌کند؟ گزارش خود را به کلاس ارائه دهید.

تجربه کنید



جوزف بلک

جوزف بلک دانشمند و فیزیک‌دان اسکاتلندی و کاشف گاز کربن دی‌اکسید، کاشف گرمای نهان و بنیان‌گذار کمیت فیزیکی ظرفیت گرمایی ویژه بود. او پروفیسور رشته پزشکی در دانشگاه گلاسگو بود و در همان دانشگاه به تدریس شیمی نیز می‌پرداخت. در همان زمان جیمز وات برای دانشگاه گلاسگو ابزارها و ماشین‌آلات آزمایشی می‌ساخت؛ او به کمک جوزف بلک آزمایش‌هایی بر روی بخار انجام داد که در نهایت منجر به اختراع و تکمیل موتور بخار گردید.

حالا باید دلیل اینکه چرا جرقه‌ها دست کودک را نمی‌سوزانند، متوجه شده باشید. دمای جرقه‌ها بسیار زیاد و حدود 2000°C است. این انرژی به‌ازای تعداد اندکی مادهٔ محترقه جرقه تولید می‌شود. گرمای منتقل شده به دست کودک به دلیل جرم کم جرقه، کمتر از آن است که دست او را بسوزاند.

ظرفیت گرمایی ویژه: مواد مختلف ظرفیت‌های متفاوتی

برای ذخیرهٔ انرژی درونی دارند. بالا بردن دمای جرم‌های یکسان از مواد مختلف (مثلاً دو کیلوگرم آب یا آهن) به میزانی مشخص (مثلاً از دمای 25 تا 100 درجه سلسیوس) به مقدارهای متفاوت گرما نیاز دارد. در این مثال، آب نسبت به آهن مقدار گرمای بیشتری جذب می‌کند و اصطلاحاً می‌گوییم آب دارای ظرفیت گرمایی ویژهٔ بالاتری است. **ظرفیت گرمایی ویژه، مقدار گرمایی است که باید به یک کیلوگرم از ماده بدهیم تا یک درجه سلسیوس افزایش دما پیدا کند** و با نماد C نشان داده می‌شود. همان‌طور که تجربه کردید، سه عامل با مقدار گرمای منتقل شده به جسم در ارتباط است: اختلاف دما - مقدار ماده - ظرفیت گرمایی ویژه (وابسته به جنس ماده)

بنابراین معادلهٔ گرما به شکل زیر خواهد بود:

تغییر دما \times ظرفیت گرمایی ویژه \times جرم = گرمای منتقل شده

$$Q = mc(\theta_p - \theta_1) = mc\Delta\theta \quad (3-4)$$

براساس رابطه ۳-۴ یکای ظرفیت گرمایی ویژه $\frac{J}{kg \cdot C}$ است که مقدار آن را برای مواد مختلف در جدول ۱-۴ مشاهده می‌کنید.

جدول ۱-۴ ظرفیت گرمایی ویژه مواد مختلف بر حسب $\frac{J}{kg \cdot C}$

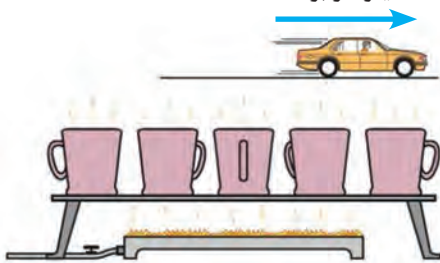
ماده	ظرفیت گرمایی ویژه	ماده	ظرفیت گرمایی ویژه
آب	۴۲۰۰	گرانیت	۸۰
آب دریا	۲۹۰۰	مس	۳۸۰
یخ	۲۱۰۰	سرب	۱۲۶
اتانول	۲۵۰۰	آلومینیوم	۹۰۰
روغن پارافین	۲۱۰۰	سدیم	۱۲۴۰
هیدروژن	۱۴۳۰۰	جیوه	۱۵۰
هوا	۹۹۳	آهن	۲۹۰
هلیوم	۵۲۴۰	فولاد	۴۲۰
اکسیژن	۹۳۰	سنگ مرمر	۹۰۰

فکر کنید



الف) ظرفیت گرمایی ویژه، یک کمیت فرعی است یا اصلی؟ چرا؟
ب) چرا وقتی یک قاچ هندوانه و یک ساندویچ را در یک روز داغ برای رفتن به گردش از یخچال خارج می‌کنیم، هندوانه، مدت بیشتری نسبت به ساندویچ خنک می‌ماند؟
ج) برای خنک کردن موتور اتومبیل از آب استفاده می‌شود. دلیل این انتخاب چیست؟

۹۶ کیلومتر بر ساعت



شکل ۶-۴ انرژی مورد نیاز برای گرم کردن ۵ لیوان آب تا نقطه جوش تقریباً برابر با انرژی مورد نیاز برای شتاب گرفتن یک خودرو کوچک تا سرعت تقریباً ۹۶ کیلومتر بر ساعت است.

ظرفیت ذخیره‌سازی انرژی آب از تمام مواد، بیشتر است. مقدار نسبتاً اندکی آب با تغییر دمای مختصر مقدار زیادی گرما جذب می‌کند (شکل ۶-۴). از این رو، آب عملاً خنک‌کننده مناسبی است. همین‌طور خنک شدن آب نیز با خروج گرمای زیادی از آن همراه است و مدت بیشتری نسبت به بقیه مواد طول می‌کشد تا آب خنک شود. از این واقعیت در کیسه‌های آب جوش سنتی و شوفاژ منازل استفاده می‌شود. این ویژگی آب سبب بهبود شرایط زیستی بسیاری از مکان‌ها شده است. مکان‌هایی همچون شمال کشور، که مجاور آب هستند، تغییر دماهای شدید در زمستان و تابستان ندارند. در این مناطق، در ماه‌های تابستان که هوا داغ است، آب با گرفتن مقدار زیادی گرما از هوا، آن را خنک می‌کند و در ماه‌های زمستان که هوا سرد است، آب با دادن مقدار زیادی گرما به ازای تغییر دمای اندک، هوا را گرم می‌کند. دماهای بسیار زیاد در طول روز و دمای خیلی سرد در طول شب برای مناطق کویری، ناشی از نبودن توده‌های بزرگ آب در مجاورت آنهاست.



وسایل مورد نیاز: دو عدد بادکنک، دو عدد شمع، آب یکی از بادکنک‌ها را با آب و دیگری را با هوا پر کنید. سپس هر دو را روی شعله شمع بگیرید. چه چیزی مشاهده می‌کنید؟ دلیل آن چیست؟

تجربه کنید



کاربرد فناوری در صنعت



صنایع آب‌بر، صنعت‌های بزرگی همچون ذوب آهن، تولید فولاد و پتروشیمی هستند که در بسیاری از فرایندهایشان از آب به عنوان خنک‌کننده یا حلال استفاده می‌کنند. چنین صنعت‌هایی باید در مکان مناسب ساخته شوند تا مشکلات زیست‌محیطی ناشی از کمبود آب را ایجاد نکنند. بهترین مکان برای احداث این نوع کارخانه‌ها، سواحل و مکان‌های نزدیک به دریا است تا برای تأمین آب آنها مشکلی نباشد.

مثال



اگر بخواهیم دمای ۲۰g از یک جسم مجهول را به اندازه ۱۰°C افزایش دهیم، مقدار ۲۰۰J گرما لازم است. ظرفیت گرمایی ویژه این جسم چقدر است؟

پاسخ:

$$m = 20 \text{ g} = 20 \text{ g} \times \frac{1 \text{ kg}}{10^3 \text{ g}} = 2 \times 10^{-2} \text{ kg} \quad \text{و} \quad \theta_2 - \theta_1 = 10^\circ \text{C} \quad \text{و} \quad Q = 200 \text{ J} = 2 \times 10^2 \text{ J} \quad \text{و} \quad c = ?$$

$$Q = mc(\theta_2 - \theta_1) \Rightarrow 2 \times 10^2 \text{ J} = 2 \times 10^{-2} \text{ kg} \times c \times 10^\circ \text{C} \Rightarrow$$

$$2 \times 10^2 \text{ J} = 2 \times 10^{-1} \text{ kg} \cdot \text{C} \Rightarrow c = \frac{2 \times 10^2 \text{ J}}{2 \times 10^{-1} \text{ kg} \cdot \text{C}} = 10^3 \frac{\text{J}}{\text{kg} \cdot \text{C}}$$

آشپزی می‌خواهد زمان لازم برای جوش آمدن آب درون قابلمه را محاسبه کند. توان مصرفی نوشته شده روی اجاق برقی ۱۴۰۰ وات است. اگر او ۲kg آب با دمای ۲۰°C در این قابلمه بریزد و آب در دمای ۱۰۰°C به جوش برسد، مدت زمانی را که او باید منتظر بماند، محاسبه کنید. (از اتلاف گرما صرف نظر کنید).

تمرین کنید



شایستگی ۲- کاربرد روش‌های انتقال گرما

انتقال گرما

در علوم تجربی پایه هفتم دیدید که گرما به‌طور خود به خود همواره از اجسام با دمای بالاتر به اجسام با دمای پایین‌تر منتقل می‌شود. این انتقال به سه روش رسانش، همرفت و تابش صورت می‌گیرد. رسانش گرمایی: دسته‌ی یک قاشق فلزی را در دست بگیرید و سر دیگر آن را روی شعله‌ی اجاق قرار دهید. در زمانی کوتاه دسته‌ی قاشق که در دست شماست به اندازه‌ی داغ می‌شود که دیگر نمی‌توانید آن را نگه دارید. با توجه به اختلاف دمای دو سر قاشق، گرما از سر داغ به سمت دیگر منتقل می‌شود؛ انتقال گرما به این شیوه را رسانش می‌نامند. آتش باعث می‌شود اتم‌های گرم‌شده‌ی سر قاشق تندتر حرکت کنند. این اتم‌ها، اتم‌های مجاورشان را به ارتعاش بیشتر وادار می‌کنند و آنها هم همین کار را برای اتم‌های مجاور خود انجام می‌دهند.

با توجه به ویژگی‌های حالت‌های مختلف مواد (جامد، مایع، گاز) در پودمان ۳، مواد در کدام حالت رسانش گرمایی بیشتری دارند؟ دلیل این امر چیست؟

فکر کنید



رسانش خوب گرما در یک جسم به پیوندهای اتمی و مولکولی آن جسم بستگی دارد. به عنوان مثال فلزها رساناهای عالی گرما هستند. از طرف دیگر، پشم، شیشه، چوب، کاغذ، و پلاستیک رسانای ضعیف گرما هستند. رساناهای ضعیف گرما را «عایق» می‌نامند.

هوا رسانای بسیار ضعیف گرماست. ویژگی‌های اجسامی چون پشم، پر، فایبرگلاس و پشم شیشه به عنوان عایق خوب گرما بیشتر به دلیل هوای موجود در لایه‌های آنهاست.

آب رسانای ضعیف (عایق خوب) گرماست. برف از آب تشکیل شده است پس برف هم عایق خوبی برای گرما است. بنابراین، در فصل زمستان زمین را گرم نگه می‌دارد. دانه‌های برف از بلورهایی تشکیل شده‌اند که شبیه توده‌های

شکل ۴-۷ لحافی از برف روی دانه‌های درون خاک در زمستان

پر به هم متصل شده و هوا را محبوس می‌سازند، در نتیجه مانع فرار گرما از سطح زمین به هوا می‌شوند. به همین سبب کشاورزان در مناطق سردسیر دانه‌های گندم را در فصل پاییز در خاک می‌پاشند. خاک و برف هر دو به خوبی از سرمازدگی دانه‌ها جلوگیری می‌کنند.

وسایل مورد نیاز: میله‌هایی با جنس و طول متفاوت، شعله آتش، موم، خلال دندان

شرح آزمایش: به نوک دو سر میله‌ها و وسط آنها توسط موم خلال دندان بچسبانید. میله‌ها را از یک نقطه روی شعله قرار دهید. چه چیزی مشاهده می‌کنید؟ از این مشاهده در مورد عوامل مؤثر بر رسانش گرما چه نتیجه‌ای می‌توان گرفت؟

آزمایش کنید

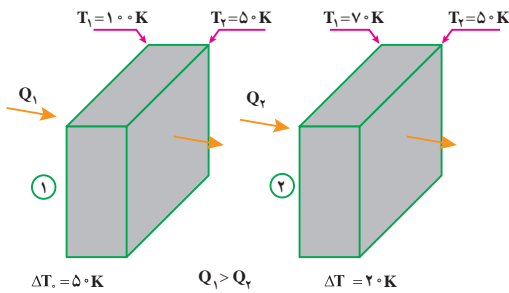


چرا نانو‌ها می‌توانند دست خود را برای مدتی بدون آسیب در داخل تنور ببرند، اما اگر دستشان به دیواره‌ی تنور بخورد، می‌سوزد؟

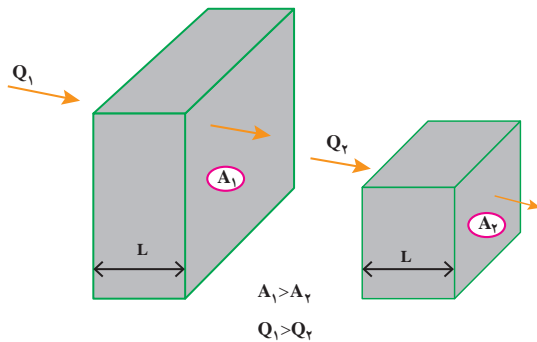
فکر کنید



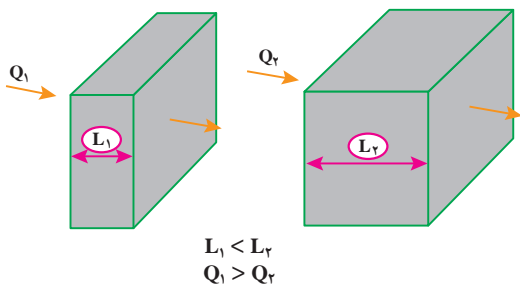
البته هیچ عایقی نمی‌تواند به طور کامل از عبور گرما جلوگیری کند. عایق فقط آهنگ انتقال گرما را کند می‌کند. در زمستان، حتی بهترین خانه‌های گرم عایق‌بندی شده هم به تدریج سرد خواهند شد. عایق‌بندی کردن، انتقال گرما را کند می‌سازد.



شکل ۸-۴ وابستگی آهنگ رسانش به اختلاف دمای دو سطح



شکل ۹-۴ وابستگی آهنگ رسانش به سطح مقطع جسم



شکل ۱۰-۴ وابستگی آهنگ رسانش به ضخامت جسم

محاسبه آهنگ رسانش گرما: مقدار گرمای

انتقال یافته از یک جسم به عوامل زیر بستگی دارد:

۱- اختلاف دمای دو سطح (نقطه) گرم و سرد $(T_2 - T_1)$ یا $(\theta_2 - \theta_1)$: اختلاف دما عامل انتقال گرماست، بنابراین هرچه اختلاف دمای بین دو سطح گرم و سرد بیشتر باشد، گرمای بیشتری جریان می‌یابد. انتقال گرما با اختلاف دمای دو سطح رابطه مستقیم دارد (شکل ۴-۸).

۲- سطح مقطع جسم (A): بدیهی است که

هرچه سطح بزرگ‌تر باشد تعداد مولکول‌های بیشتری به طور هم‌زمان کار انتقال گرما را انجام می‌دهند و مقدار گرمای بیشتری منتقل خواهد شد. پس انتقال گرما با سطح مقطع رابطه مستقیم خواهد داشت (شکل ۴-۹).

۳- ضخامت جسم (L): هدایت گرما با ضخامت

جسم یا به عبارت دیگر، با فاصله بین سطح گرم و سطح سرد جسم رابطه وارون دارد. یعنی هرچه ضخامت جسم کمتر باشد، هدایت گرما بیشتر خواهد بود (شکل ۴-۱۰).

۴- زمان عبور گرما (t): هرچه زمان، بیشتر باشد

مقدار گرمای بیشتری عبور خواهد کرد. بنابراین، انتقال گرما با زمان رابطه مستقیم دارد.

۵- قابلیت هدایت گرمایی یا رسانندگی

گرمایی (K): دیدیم که تمام مواد نمی‌توانند گرما را با آهنگ یکسانی عبور دهند. فلزات رساناهای خوب گرما هستند و موادی همچون چوب و پلاستیک رساناهای ضعیف گرما هستند و موادی مانند پشم شیشه رساناهای خیلی ضعیف گرما یا عایق گرما هستند.

رسانندگی گرمایی برخی از مواد در جدول ۲-۴ آمده است.

در نتیجه عوامل مؤثر در انتقال گرما به روش رسانش را می‌توان در معادله زیر خلاصه کرد:

$$Q = \frac{KA t (T_2 - T_1)}{L} = \frac{KA t \Delta T}{L} \quad (4-4 \text{ الف})$$

اگر مقدار گرمای انتقال یافته در واحد زمان را بخواهیم، معادلهٔ صفحه قبل بر زمان تقسیم می‌شود و اصطلاحاً **آهنگ رسانش** گرما محاسبه می‌گردد.

$$H = \frac{Q}{t} = \frac{KA\Delta T}{L} \quad (\text{ب-۴})$$

جدول ۲-۴ رسانندگی گرمایی مواد

رسانندگی گرمایی ($\frac{J}{s.m.K}$)	ماده	رسانندگی گرمایی ($\frac{J}{s.m.K}$)	ماده
۸۲	آهن	۳۵	سرب
۴۰۶	نقره	۱	شیشه
۰/۰۲۴	هوا	۰/۰۹	پنبه نسوز
~۰/۶	آجر	۰/۰۴	آب
~۰/۰۸	چوب	۲/۲	یخ
۴۰۰	مس	۰/۰۳	چوب پنبه
		۲۳۸	آلومینیوم

به کمک رابطهٔ ۴-۴ الف، یکای رسانندگی گرمایی را در SI به دست آورید.

تمرین کنید



فکر کنید



در ناحیهٔ کویری ایران که روزها گرم و شب‌ها سرد است، در گذشته دیوارهای خانه‌ها را اغلب از گل می‌ساختند. الف) چرا این دیوارها را از گل می‌ساختند؟ ب) اهمیت ضخیم بودن دیوارهای گلی چیست؟

شیشهٔ تک جدارهٔ پنجرهٔ یک آشپزخانه با ابعاد $۱\text{ m} \times ۲\text{ m}$ و با ضخامت ۲ mm است. در یک روز سرد زمستانی که دمای بیرون ۰°C و دمای اتاق ۲۰°C است، در مدت ۱ s از این پنجره چه مقدار گرما تلف می‌شود؟ (ضریب رسانش گرمایی شیشهٔ تک جداره تقریباً $۵ \frac{J}{s.m.K}$)

مثال



پاسخ:

$$A = ۲ \times ۱ = ۲\text{ m}^2 \quad \text{و} \quad \theta_1 = ۰^\circ\text{C} \quad \text{و} \quad \theta_2 = ۲۰^\circ\text{C} \quad \text{و} \quad t = ۱\text{ s} \quad \text{و} \quad K = ۵ \frac{J}{s.m.K}$$

$$\text{و} \quad L = ۲\text{ mm} = ۲ \times ۱۰^{-۳}\text{ m}, Q = ?$$

$$Q = \frac{KA t (\theta_2 - \theta_1)}{L} \rightarrow Q = \frac{۵ \times ۲ \times ۱ \times (۲۰ - ۰)}{۲ \times ۱۰^{-۳}} = \frac{۲ \times ۱۰^۲}{۲ \times ۱۰^{-۳}} = ۱۰^۵\text{ J} = ۱۰^۵\cancel{\text{ J}} \times \frac{۱\text{ kJ}}{۱۰^۳\cancel{\text{ J}}} = ۱۰^۲\text{ kJ}$$



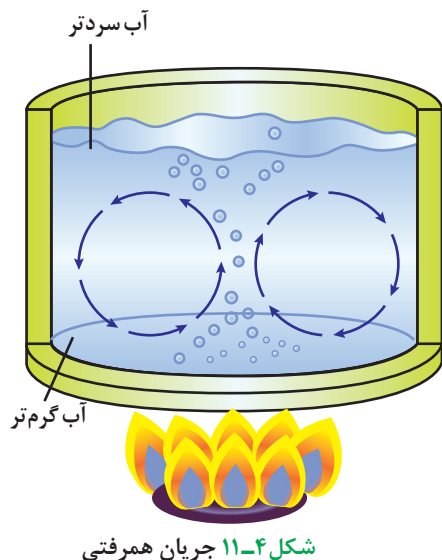
مثال قبل را با استفاده از مقادیر شیشه دوجداره محاسبه نمایید و میزان کاهش اتلاف گرمایی این دو را با هم مقایسه کنید.

(ضریب رسانش گرمایی شیشه دوجداره با گاز آرگون تقریباً $\frac{J}{s.m.K}$ است.)

همرفت

مایعات و گازها گرما را بیشتر با روش همرفت منتقل می‌کنند، که ناشی از جابه‌جایی واقعی خود شاره (سیال حرارتی) است. در همرفت برخلاف رسانش (که گرما با برخورد های متوالی الکترون‌ها و اتم‌ها منتقل می‌شود)، حرکت بخش‌های شاره دخالت دارد. همرفت می‌تواند در همه شاره‌ها، چه مایع و چه گاز، رخ دهد.

در شکل ۴-۱۱ می‌بینید که نقطه‌ای از شاره که گرم می‌شود، مولکول‌هایش تندتر حرکت می‌کنند و بیشتر از هم دور می‌شوند، در نتیجه چگالی آنها کاهش می‌یابد و به بالا رانده می‌شوند. قسمت خنک‌تر شاره که چگال‌تر است جای شاره گرم را می‌گیرد. به این ترتیب، جریان‌های همرفتی به وجود می‌آید. جریان‌های همرفتی در ایجاد بادهای و در آب و هوا مؤثرند.



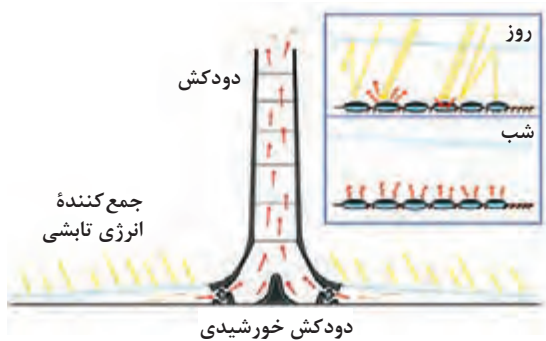
وَ تَصْرِيفِ الرِّيَّاحِ آيَاتٌ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ (جائیه، ۵)

«و در چرخش بادهای برای افراد اندیشمند استدلال وجود دارد»

بادهای در یک سیستم جهانی در چرخش‌اند. آنها هوای گرم را از مناطق استوایی به نواحی قطبی و هوای سرد را از نواحی قطبی به مناطق استوایی منتقل می‌کنند. به این ترتیب به دمای هوا توازن و تعادل می‌بخشند. چرخش بادهای چه استدلالی را در بر دارد؟ چیزی که ما امروزه می‌دانیم این است که چرخش بادهای و وزیدن آنها برخلاف همدیگر باعث می‌شود ویرانی به بار نیاید. اگر بادهای فقط در یک جهت می‌وزیدند همه چیز ویران می‌شد.



شمعی را روشن کرده و به آهستگی دست خود را با احتیاط در نقاط مختلف (از اطراف و بالای شعله) به شعله نزدیک کنید. نتیجه تجربه خود را گزارش دهید.



در شکل روبه‌رو یک دودکش خورشیدی^۱ می‌بینید. سقف با تابش خورشید گرم می‌شود و هوای گرم زیر آن به دلیل همرفت از طریق دودکش بلندی روبه‌بالا حرکت می‌کند و در طی مسیر، توربین‌هایی که در پایین دودکش قرار دارند را می‌چرخاند. برق تولیدشده می‌تواند برای استفاده در شب ذخیره شود. **تابش:** انرژی خورشید از فضای خلأ و جو زمین عبور می‌کند و سطح زمین به واسطه تابیدن نور خورشید گرم می‌شود. انتقال این انرژی نه به واسطه رسانش است نه همرفت،

زیرا هیچ ماده‌ای در فضای خلأ وجود ندارد که به این روش‌ها گرما را منتقل کند. پس انرژی باید به صورت دیگری منتقل شده باشد. **این نوع انتقال انرژی که توسط امواج الکترومغناطیسی صورت می‌گیرد، تابش گرمایی نامیده می‌شود.**

همه اجسام می‌توانند انرژی خود را به صورت امواج تابشی منتشر کنند؛ اما اجسام گرم‌تر، مقدار بیشتری انرژی تابشی منتشر می‌کنند؛ مثلاً سطح خورشید که دمای بالایی دارد، انرژی تابشی زیادی گسیل می‌کند.

انبساط گرمایی

مهندسين عمران در طراحی سازه‌هایی مانند پل‌های بزرگ فاصله‌هایی را منظور می‌کنند و یا یک سر سازه را متحرک و آزاد طراحی می‌کنند. فکر می‌کنید دلیل این کار چیست؟ در ادامه این بخش دلیل این موضوع را بیشتر درک خواهید کرد.

تأثیر گرما بر اندازه مواد: در ابتدای پودمان دیدید که چگونه وقتی دمای ماده‌ای افزایش یابد، مولکول‌ها و اتم‌های آن به طور میانگین تندتر تکان می‌خورند و بنابراین از هم دورتر می‌شوند که نتیجه آن انبساط ماده است؛ معمولاً تمام مواد (جامد، مایع، گاز) به غیر از چند مورد خاص، هنگام گرم شدن منبسط و هنگام سرد شدن منقبض می‌شوند. در بیشتر مواردی که با جامدها سروکار داریم، این تغییرات حجم چندان زیاد نیست، اما با مشاهده دقیق می‌توان آنها را آشکار کرد.

در یک روز گرم تابستان، طول سیم‌های برق بیشتر از یک روز سرد زمستان است و انحنا (شکم) بیشتری دارند. در پوش فلزی شیشه مریا را می‌توان با گرم کردن آن در زیر آب داغ راحت‌تر باز کرد. اگر بخشی از ظرف شیشه‌ای سریع‌تر از بخش دیگر داغ شود، منجر به شکستن شیشه می‌شود، مخصوصاً اگر شیشه ضخیم باشد. دندان‌پزشک باید از ماده پرکننده‌ای استفاده کند که همان میزان انبساط دندان را داشته باشد. مهندسان ساختمان، در سازه‌های بتونی فولادی به کار می‌برند که میزان انبساط برابر با بتون داشته باشد. مهندسان عمران در ساختن پل‌های بزرگ پل را به صورت قطعه قطعه می‌سازند و بین قطعات شیارهای فاصله‌ای منظور می‌کنند که درزهای انبساط نامیده می‌شوند. گاهی مواقع این شیارها را با قیر پر می‌کنند تا بتوانند در تابستان منبسط و در زمستان به راحتی منقبض شود.

۱- Solar Chimney

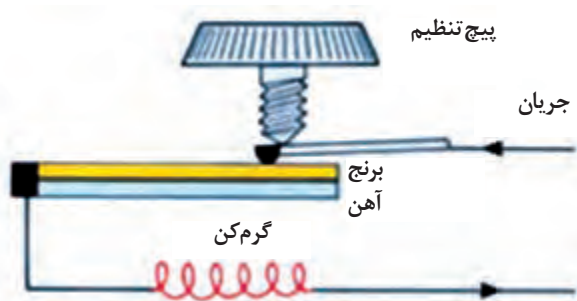
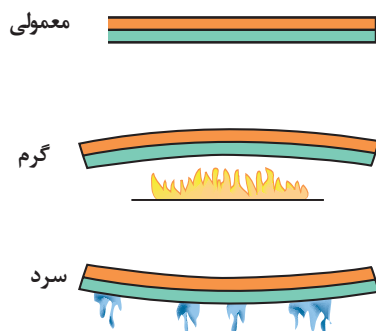


در گذشته، خط‌های آهن قطعه‌هایی ۱۱/۹ متری بودند که با میله‌های اتصال به هم وصل می‌شدند و شکاف‌هایی برای انبساط بین این میله‌های بلند وجود داشت. در تابستان که خط‌های آهن منبسط می‌شدند این شکاف‌ها باریک بودند اما در زمستان شکاف‌ها گشاد می‌شدند و باعث صدای تلق تلق بیشتر هنگام حرکت قطار می‌شدند.

این روزها دیگر صدای تلق تلق را نمی‌شنویم زیرا این اندیشه از ذهن کسی گذشت که با جوش دادن خط‌های آهن به هم این شکاف را حذف کند. به نظر شما آیا انبساط ناشی از گرمای تابستان باعث تاب برداشتن خط‌های آهن به هم جوش داده، مطابق شکل روبه‌رو، نمی‌شود؟ نه! به شرط آنکه خط‌ها در گرم‌ترین روزهای تابستان جوش داده و نصب شوند! کاهش طول خط‌های آهن در هوای سرد باعث کشیدگی آنها می‌شود که کمانش (تاب) به وجود نمی‌آورد و آهن به دلیل خاصیت انعطافی و کششی کشیده شده و مشکلی به وجود نمی‌آورد.

کاربرد فناوری در صنعت

آهنگ انبساط مواد مختلف، متفاوت است. برخی سریع‌تر منبسط شده و برخی کندتر. وقتی دو نوار از فلزهای مختلف - مثلاً برنج و آهن - به هم جوش داده یا پرچ شوند، انبساط بیشتر یکی از آنها باعث خم شدن نوار می‌شود؛ از طرف دیگر، با سرد شدن قطعه، نوار از طرف مقابل خم می‌شود زیرا فلزی که بیشتر منبسط شود، بیشتر هم منقبض می‌شود. از این حرکت نوار می‌توان برای چرخش عقربه، یا خاموش و روشن کردن یک دستگاه استفاده کرد. این قطعه در ترموستات کاربرد یافته است. خم شدن نوار به دو جهت باعث خاموش و روشن شدن مدار الکتریکی می‌گردد. یخچال و اتو به ترموستاتی مجهزند که از سرد یا گرم شدن بیش از حد آنها جلوگیری می‌کند.



محاسبه مقدار انبساط: همان‌طور که گفتیم، مهندسین عمران بین قطعات پل و ریل‌های آهن فاصله‌هایی را تعبیه می‌کنند. این فاصله‌ها چقدر باید باشند و چگونه محاسبه می‌شوند؟ در ادامه پودمان، میزان انبساط اجسام را بر اثر گرما می‌توانید محاسبه کنید.

انبساط طولی: اجسامی که طول آنها نسبت به ابعاد دیگر بسیار بیشتر باشد، انبساط طولی دارند. اگر طول یک میله در دمای θ_1 برابر L_1 باشد و طول آن در دمای θ_2 برابر L_2 باشد، میزان تغییر طول این میله یعنی $L_2 - L_1$ به سه عامل بستگی خواهد داشت: طول اولیه میله (L_1) - میزان تغییر دما ($\Delta\theta$) - ضریب انبساط طولی (جنس میله) (α)
بنابراین معادله انبساط طولی به شکل زیر خواهد بود:

$$L_2 - L_1 = \alpha L_1 \Delta\theta \quad (الف \ ۵-۴)$$

$$L_2 = L_1 (1 + \alpha \Delta\theta) \quad (ب \ ۵-۴)$$

یکای ضریب انبساط طولی $\frac{1}{K}$ یا $\frac{1}{^\circ C}$ است.

نکته



جدول ۳-۴ ضریب انبساط طولی مواد مختلف

ماده	ضریب انبساط طولی ($\frac{1}{K}$)
آلومینیوم	23×10^{-6}
آجر	9×10^{-6}
مس	17×10^{-6}
الماس	تقریباً صفر
بتن	12×10^{-6}
آهن	12×10^{-6}
کوارتز	0.2×10^{-6}
روی	31×10^{-6}
برنج	19×10^{-6}

طول یک سیم نازک برق از جنس مس در دمای $0^\circ C$ ، 3 m است. اگر در اثر گرما دمای سیم به $40^\circ C$ افزایش یابد، طول سیم چقدر افزایش خواهد یافت؟

مثال



$$\left(\alpha = 17 \times 10^{-6} \frac{1}{^\circ C} \right)$$

پاسخ:

$$\theta_1 = 0^\circ C \text{ و } L_1 = 3\text{ m} \text{ و } \theta_2 = 40^\circ C \text{ و } L_2 - L_1 = ?$$

$$L_2 - L_1 = \alpha L_1 \Delta\theta$$

$$L_2 - L_1 = 17 \times 10^{-6} \times 3 \times (40 - 0) = 2.04 \times 10^{-2} \text{ m} \\ = 2.04 \text{ cm}$$



انبساط سطحی: همواره انبساط خطی اجسام در همه ابعاد رخ می‌دهد، بنابراین انبساط سطحی و حجمی را می‌توان با استفاده از انبساط خطی در همه ابعاد محاسبه کرد. روابط آنها شبیه به رابطه انبساط طولی است با این تفاوت که ضریب انبساط سطحی دو برابر ضریب انبساط خطی است و به جای طول اولیه و ثانویه، سطح اولیه (A_1) و ثانویه (A_2) خواهیم داشت:

$$A_2 - A_1 = 2\alpha A_1 \Delta\theta \quad (\text{الف } 6-4)$$

$$A_2 = A_1 (1 + 2\alpha \Delta\theta) \quad (\text{ب } 6-4)$$

انبساط حجمی: ضریب انبساط حجمی سه برابر ضریب انبساط خطی است و با β نشان داده می‌شود، بنابراین معادله آن به صورت زیر خواهد بود:

$$V_2 - V_1 = \beta V_1 \Delta\theta = 3\alpha V_1 \Delta\theta \quad (\text{الف } 7-4)$$

$$V_2 = V_1 (1 + 3\alpha \Delta\theta) \quad (\text{ب } 7-4)$$

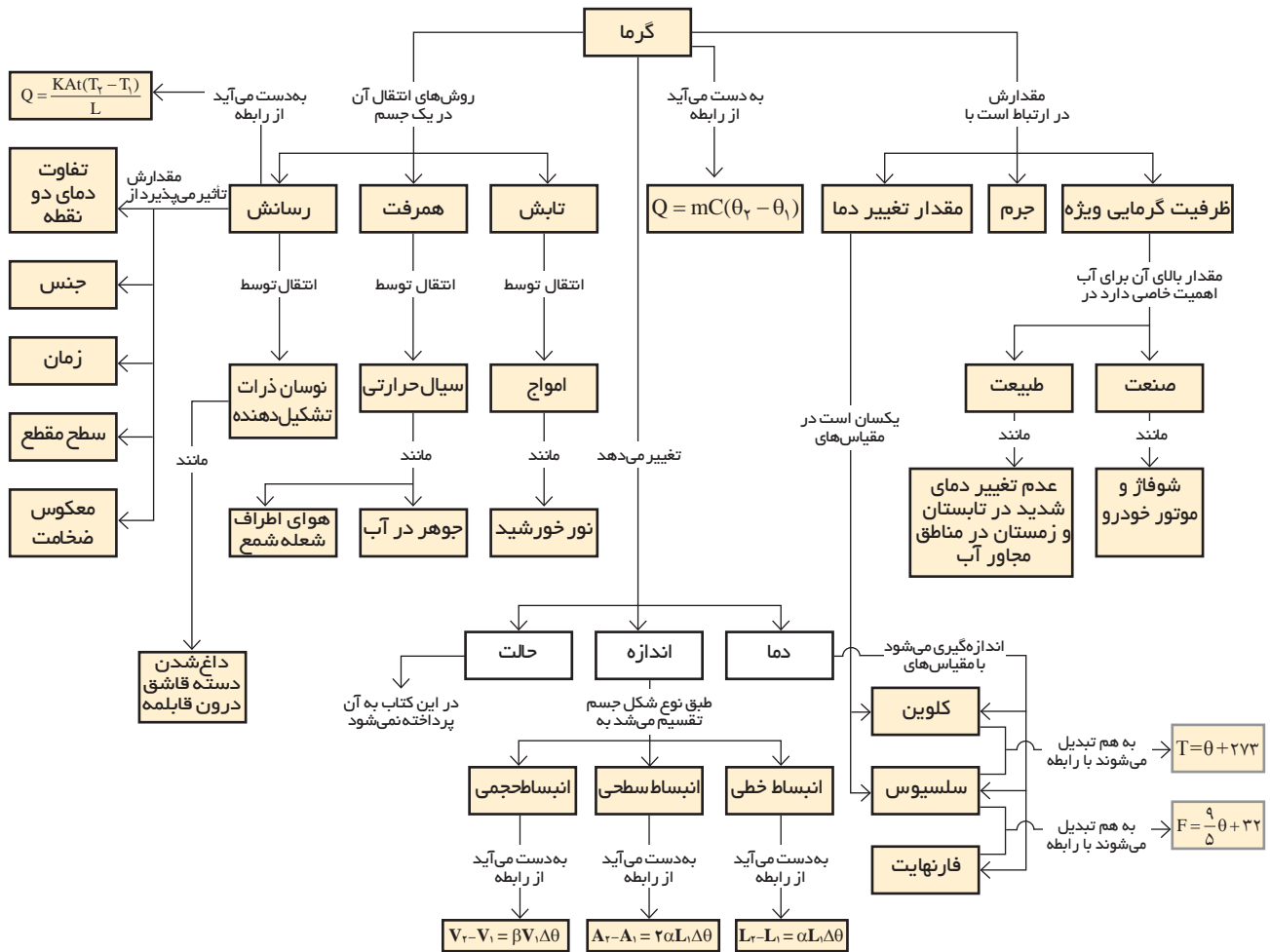
دمای یک ورقه را 25°C افزایش می‌دهیم. مساحت آن یک درصد افزایش می‌یابد. ضریب انبساط خطی آن فلز در SI چقدر است؟

$$\text{پاسخ: } \alpha = ? \text{ و } \Delta\theta = 25^\circ\text{C} \text{ و } A_2 - A_1 = \frac{1}{100} A_1$$

$$A_2 - A_1 = 2\alpha A_1 \Delta\theta \Rightarrow \frac{1}{100} A_1 = 2\alpha A_1 (25) \Rightarrow$$

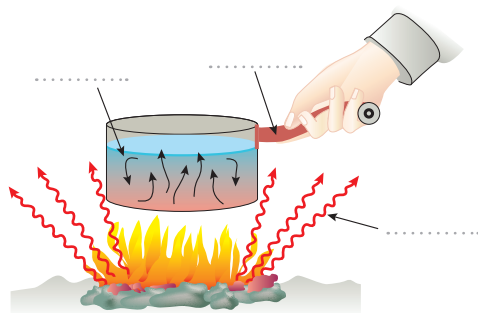
$$\frac{1}{100} = 50\alpha \Rightarrow \alpha = \frac{1}{100 \times 50} = 0.0002 = 2 \times 10^{-4} \frac{1}{\text{K}}$$





چند پرسش

- ۱- دو جسم با جرم و دمای متفاوت در تبادل گرما با یکدیگر قرار می‌گیرند. بهترین گزینه را انتخاب کنید:
انرژی.....
- الف) از جسم با جرم بیشتر به جسم با جرم کمتر منتقل می‌شود.
- ب) از جسم بزرگ‌تر به جسم کوچک‌تر منتقل می‌شود.
- ج) از جسم با دمای بیشتر به جسم با دمای کمتر شارش می‌کند.
- ۲- چرا وقتی سیم‌های برق و تلفن را در تابستان بین تیرها می‌کشیم بهتر است بگذاریم کمی شکم دهند و خم داشته باشند؟
- ۳- در جاهای خالی از سه روش انتقال گرما، روش مناسب را بنویسید.



- ۴- توضیح دهید چرا در صنعت تراشکاری، هنگام تراش خوردن فلز یا بلور، دائم روی فلز آب ریخته می‌شود؟
- ۵- در آب گرم‌کن‌ها، چگونه از اتلاف گرمای آب داغ در مخزن جلوگیری می‌کنند؟
- ۶- آیا از آب می‌توان به عنوان مایع دماسنجی استفاده کرد؟ چرا؟
- ۷- در هوای سرد، تیغه فلزی چاقو از دسته چوبی‌اش خنک‌تر به نظر می‌رسد، چرا؟

چند مسئله

- ۱- دمای بدن انسان در حالت طبیعی تقریباً 37°C است. این دما بر حسب کلوین و فارنهایت چقدر است؟
- ۲- قطعه‌ای از موتور یک خودرو به جرم $1/9$ کیلوگرم، که از ترکیب دو فلز آهن و آلومینیوم ساخته شده است که باید در دمای 150 درجه سلسیوس کار کند. اگر 196 کیلو ژول انرژی لازم باشد تا دمای این آلیاژ را از 20 درجه سلسیوس به 150 درجه سلسیوس برسد، ظرفیت گرمایی ویژه این آلیاژ چه مقدار است؟
- ۳- در صنایع فلزی برای خنک کردن و تسهیل فرایند برش از روغن‌های معدنی استفاده می‌شود. اگر دمای یک قطعه 2 کیلوگرمی آلومینیوم توسط این روغن از 200 درجه سلسیوس به 75 درجه سلسیوس برسد، در طول این فرایند، آلومینیوم چند ژول گرما از دست داده است؟ (ظرفیت گرمایی ویژه آلومینیوم $\frac{\text{J}}{\text{kg}^{\circ}\text{C}}$ 900 است)
- ۴- طول قطعات یک پل فولادی در دمای 20°C برابر 15 متر است. اگر حداکثر دمای منطقه در تابستان 50°C و حداقل دمای آن در زمستان 10°C باشد، بیشترین و کمترین طول این قطعات در تابستان و زمستان را حساب کنید.

۵- سقف یک خانه به ابعاد ۹×۶ متر از جنس آجر یک لایه با ضخامت ۱۰cm است. در یک روز زمستانی دمای بیرون خانه ۱۵ درجه سلسیوس کمتر از دمای درون خانه است. اتلاف انرژی از سقف در مدت یک شبانه روز چقدر است؟

پروژه انتخابی (نیمه تجویزی)

۱- حسگر (سنسور) حرارتی وسیله‌ای برای هشدار حریق است. در مورد انواع مختلف این حسگرها و شیوه کار آنها تحقیق کنید و نتایج آن را با مباحث پودمان تحلیل کنید.

۲- با توجه به آموخته‌های این پودمان، در مورد عایق‌های گرمایی تحقیق نمایید و با دانش خود وسیله‌ای (مثلاً فلاسک) طراحی کنید.

۳- با توجه به موقعیت جغرافیایی محل زندگی و توانمندی خود دماسنج بومی طراحی کنید و نقطه ذوب و انجماد آن را نشان دهید.

استاندارد ارزشیابی پیشرفت تحصیلی مبتنی بر شایستگی درس فیزیک پودمان چهارم (دما و گرما)

عنوان پودمان	شایستگی های مورد انتظار (واحدهای یادگیری)	استاندارد عملکرد (کیفیت)	سطح شایستگی	شاخص تحقق
دما و گرما	۱- اندازه گیری دما ۲- کاربست روش های انتقال گرما	تبیین مفهوم میکروسکوپی دما، آشنایی با مقیاس های دما و استفاده از ابزارهای دماسنجی شناسایی قانون دوم ترمودینامیک، کارکردهای گرمایی در موقعیت های مختلف	بالتر از حد انتظار	انجام کلیه فعالیت های پودمان (اعم از تجربه کنید، تحقیق کنید، فکر کنید، آزمایش کنید و پروژه پیشنهادی...)
			در حد انتظار	۱- محاسبه و مقایسه مقیاس های مختلف دما و تبدیل آنها به یکدیگر، به کارگیری روش های مختلف انتقال گرما و مقدار گرمای رسانش شده در مسائل، پیش بینی میزان درز انبساط مورد نیاز در سازه ها ۲- تفکیک مفهوم دما و مقیاس های آن، محاسبه مقدار گرمای رسانش، درک دلیل انبساط گرمایی و کاربرد آن ۳- تمییز تفاوت های مقیاس ها، شناسایی روش های انتقال گرما به طور کیفی، آشنایی با کاربرد انبساط گرمایی در موقعیت های روزمره
			پایین تر از حد انتظار	در صورتی که هنرجو تنها بخشی از شاخص های در حد انتظار (و نه همه آنها) را محقق نماید، پایین تر از حد انتظار ارزشیابی می شود.
لازم است تا کیفیت فرایند کسب شایستگی (بر اساس انجام فعالیت های کلاسی و آزمایشگاهی، نظم، مشارکت در فعالیت های آموزشی و تربیتی، ابتکار در تکالیف عملکردی درسی، مشارکت در فعالیت های گروهی و جمعی و...) در نظر گرفته شود.				

سطح شایستگی کسب شده در پودمان (بالتر از حد انتظار، در حد انتظار، پایین تر از حد انتظار)



پودمان ۵

جریان و مدارهای الکتریکی

حتماً تاکنون به ریشه‌هایی که برای تزئین خیابان‌ها و معابر استفاده می‌شود نگاه کرده و متوجه شده‌اید که با وجود سوختن یکی از لامپ‌ها بقیه همچنان روشن هستند. آیا فکر کرده‌اید که چرا چنین است؟ آیا شیوه‌ای به هم بسته شدن لامپ‌ها در ریشه‌ها مهم است؟



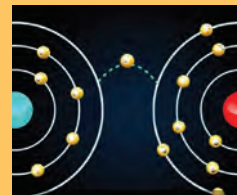
انرژی الکتریکی مصرفی



اختلاف پتانسیل (ولتاژ)
مقاومت الکتریکی



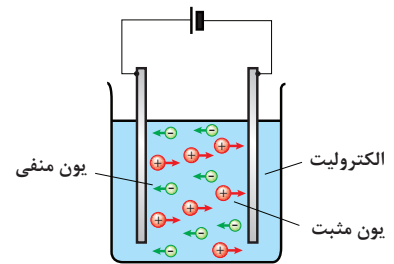
شدت جریان الکتریکی



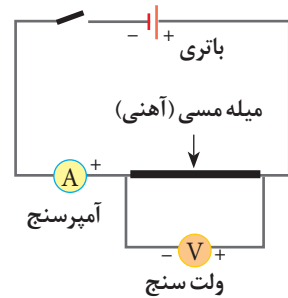
خواص الکتریکی مواد

سیمای پودمان

شایستگی ۱: درک، تبیین و کاربرد کمیت‌های الکتریکی



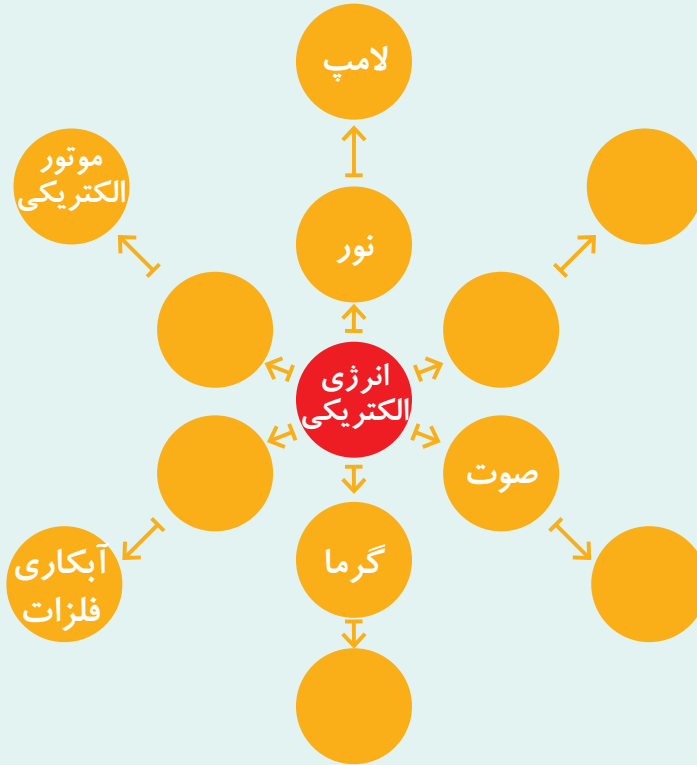
شایستگی ۲: مقاومت الکتریکی و کاربردهای آن



امروزه انرژی الکتریکی به عنوان مهم ترین منبع انرژی نقش اساسی در زندگی روزمره ایفا می کند. با نگاهی به اطراف خود، متوجه اکثر وسایل خانگی و صنعتی که با انرژی الکتریکی کار می کنند، می شویم.

شکل زیر نمونه هایی از کاربرد انرژی الکتریکی را نشان می دهد. جاهای خالی را با کلمات مناسب پر کنید.

فکر کنید

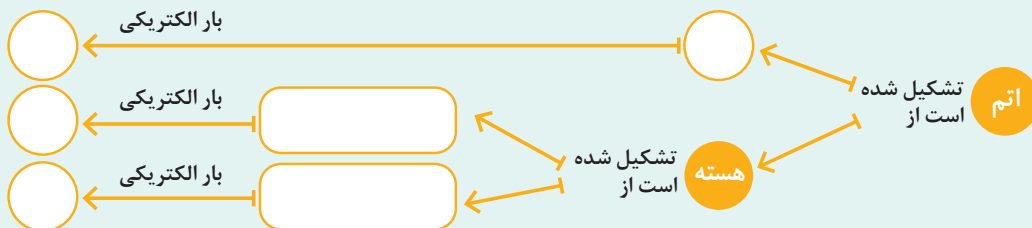


همان طور که از «فکر کنید» متوجه شدید، بدون وجود انرژی الکتریکی تقریباً اکثر فعالیت های صنعتی مختل می شود. اما برق و الکتریسیته چیست؟ و چگونه به وجود می آید؟ و چه استفاده هایی دارد؟ قبل از اینکه به پاسخ این پرسش ها بپردازیم، بهتر است مروری بر دانش خود درباره اتم ها و ساختمان آنها داشته باشیم. در کتاب علوم پایه هشتم با ساختمان اتم آشنا شدید.

فکر کنید

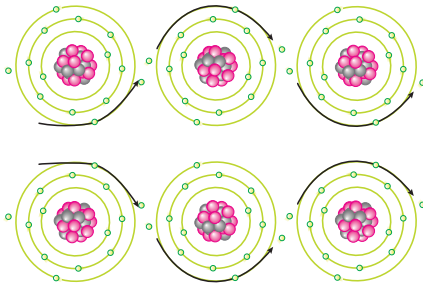


جاهای خالی را با کلمات مناسب پر کنید.

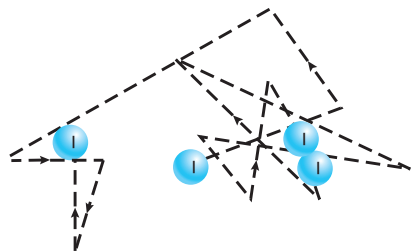


شایستگی ۱: درک، تبیین و کاربرد کمیت‌های الکتریکی

الکترون آزاد



شکل ۱-۵ انتقال الکترون آزاد در یک اتم به اتم دیگر



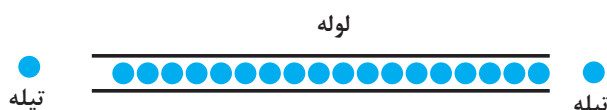
شکل ۲-۵ حرکت کاتوره‌ای الکترون‌های آزاد

همان‌طور که در کتاب **علوم تجربی پایه هشتم** بیان شده، تفاوت بین مواد رسانا و نارسانا در ساختمان اتمی آنها نهفته است. الکترون‌ها در فضای اطراف هسته قرار دارند. آن دسته از الکترون‌هایی که از هسته دور هستند تحت اثر نیروی جاذبه ضعیفی قرار می‌گیرند. همچنین الکترون‌هایی که در لایه‌های پایین‌تر هستند آنها را دفع می‌کنند. بنابراین الکترون‌های لایه‌های آخر (که به آنها الکترون‌های والانس نیز می‌گویند) بستگی کمتری به اتم‌های خود دارند و با کمترین انرژی از اتم‌ها کنده شده و به شکل توده‌ای از ابر الکترونی، شبکه‌های اتمی فلزات را در برمی‌گیرند. این الکترون‌ها بدون آنکه به اتم خاصی وابسته باشند آزادانه درون ماده حرکت می‌کنند و پیوسته از اتمی به اتم دیگر منتقل می‌شوند (شکل ۱-۵)؛ بنابراین به آنها الکترون آزاد می‌گویند. همان‌طور که در شکل ۲-۵ نشان داده شده است، الکترون‌های آزاد به صورت کاتوره‌ای در رساناها حرکت می‌کنند، زیرا الکترون‌ها در اثر برخورد با اتم‌ها، الکترون‌های آزاد دیگر و ... مرتباً مسیر خود را تغییر می‌دهند.

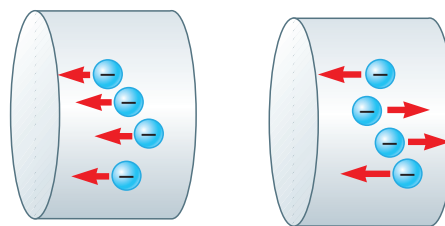
شدت جریان الکتریکی

همان‌طور که مولکول‌های آب درون یک لیوان به اطراف خود حرکت دارند و آب در کل ساکن به نظر می‌رسد؛ حرکت کاتوره‌ای الکترون‌ها در درون رسانا نیز باعث ایجاد جریان در رسانا نمی‌گردد. اگر سیم رسانا را با یک صفحه فرضی قطع کنیم و سطح مقطعی از آن را در نظر بگیریم، الکترون‌های آزاد در همه جهت‌ها حرکت می‌کنند و بنابراین هیچ‌گونه انتقال خالص باری از مقطع معین نداریم و در نتیجه جریانی از سیم نمی‌گذرد (شکل ۳-۵ الف). ولی اگر دو طرف رسانا را به دو پایانه مثبت و منفی باتری وصل کنیم، شارش (حرکت) آزادی از بارها در یک جهت ظاهر می‌شود (شکل ۳-۵ ب). در این حالت انتقال خالصی از بارها به وجود آمده در نتیجه جریان الکتریکی در رسانا ایجاد می‌گردد.

الکترون‌های آزادی که در رسانا حرکت می‌کنند، هرکدام الکترون بعد از خود را هل می‌دهند به طوری که همه الکترون‌ها همانند یک گروه حرکت می‌کنند. با استفاده از یک تشبیه می‌توان حرکت الکترون‌های آزاد را شبیه حرکت تیله‌ها در یک لوله پر از تیله در نظر گرفت (شکل ۴-۵).



شکل ۴-۵ مقایسه تقریبی حرکت الکترون‌های آزاد درون رسانا با حرکت تیله‌های درون لوله



ب) در حضور باتری

الف) در نبود باتری

شکل ۳-۵ حرکت الکترون‌های آزاد درون رسانا

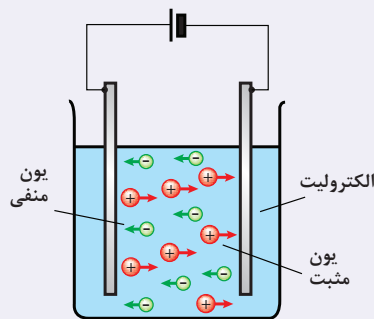
همانند لوله که پر از تیله است، رسانا نیز پر از الکترون‌های آزادی است که تحت تأثیر باتری برای حرکت آماده است. اگر یک تیله به‌طور ناگهانی از طرف چپ وارد لوله پر از تیله شود، تیله دیگری سعی می‌کند از سمت راست لوله خارج شود. این حرکت با سرعت بالایی انجام می‌شود در حالی که تیله‌های وسطی با سرعت کمی حرکت می‌کنند. در الکتریسیته نیز انتقال انرژی از یک سر رسانا به سر دیگر آن با سرعت نور ($3 \times 10^8 \frac{m}{s}$) انجام می‌شود، اما الکترون‌ها با سرعت خیلی کمتری ($10^{-5} \frac{m}{s}$) این مسیر را طی می‌کنند.

فکر کنید



چرا هنگامی که کلید لامپ را فشار می‌دهید، بلافاصله لامپ روشن می‌شود؟

نکته



حامل‌های بار در رساناها الکترون‌ها هستند. در حالی که در محلول‌های یونی یا نیم‌رساناها، حامل‌های بار متفاوت‌اند؛ مثلاً در محلول‌های یونی که الکترولیت نامیده می‌شوند یون‌های منفی و مثبت حامل‌های بار هستند.



آندره‌ماری آمپر

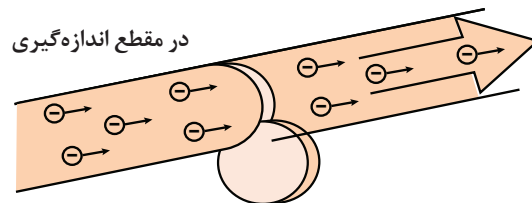
دانشمند فرانسوی در دهکده‌ای نزدیک شهر لیون به‌دنیا آمد. چون در آن دهکده مدرسه‌ای نبود، آمپر به خودآموزی پرداخت. آمپر استاد ریاضیات در دانشگاه پاریس شد و در تکامل علوم فیزیک، ریاضی و فلسفه سهم بسزایی ایفا کرد. آمپر پس از آزمایش‌های بسیار متوجه شد که دو سیم موازی حامل جریان به یکدیگر نیرو وارد می‌کنند.

اکنون می‌خواهیم تعریفی کمی از جریان الکتریکی ارائه نماییم: به مقدار بار الکتریکی خالصی که از یک مقطع رسانا، در زمان معینی عبور می‌کند، شدت جریان الکتریکی متوسط گویند. شدت جریان الکتریکی متوسط را با نماد \bar{I} نشان می‌دهند و یکای آن آمپر (A) است.

اگر جریان در طول زمان تغییر نکند جریان متوسط و جریان لحظه‌ای با هم برابرند.

$$\bar{I} = \frac{\Delta q}{\Delta t} \quad (1-5)$$

در رابطه بالا مقدار بار جابه‌جا شده بر حسب کولن (C) و Δt زمان بر حسب ثانیه (s) می‌باشد.



شکل ۵-۵ جریان الکتریکی

بیشتر بدانید



جریان DC

ساده‌ترین نوع جریان الکتریکی جریان مستقیم (Direct Current) است که در آن ولتاژ با گذشت زمان تغییر نمی‌کند؛ بارهای الکتریکی همواره در یک جهت عبور می‌کنند. تمامی باتری‌ها و پیل‌های الکتریکی جریان مستقیم تولید می‌کنند.

بیشتر بدانید



در رابطه $\Delta q = \bar{I}(\Delta t)$ اگر \bar{I} بر حسب آمپر و Δt بر حسب ساعت باشد، یکای Δq آمپرساعت می‌شود. باتری خودروها یا گوشی‌های همراه عموماً با آمپرساعت آنها مشخص می‌شود و هر چه آمپرساعت یک باتری بیشتر باشد، حداکثر باری که باتری می‌تواند از مدار عبور دهد تا به طور ایمن تخلیه شود، بیشتر است.

مثال



هنگامی که یک ماشین حساب جیبی روشن می‌شود از باتری آن جریان 0.15 mA می‌گذرد. اگر این ماشین حساب 10 دقیقه روشن باشد، چه مقدار بار خالص از مدار ماشین حساب عبور می‌کند؟
پاسخ:

$$\Delta t = 10 \times 60 = 600 \text{ s}, \quad \bar{I} = 0.15 \text{ mA}, \quad \Delta q = ?$$

$$I = \frac{\Delta q}{\Delta t} \rightarrow \Delta q = I \Delta t \rightarrow \Delta q = 0.15 \times 10^{-3} \text{ A} \times 600 \text{ s} = 9 \times 10^{-2} \text{ A.s} = 9 \times 10^{-2} \text{ C}$$



در مدارهای الکتریکی برای اندازه‌گیری شدت جریان الکتریکی از وسیله‌ای به نام آمپرسنج استفاده می‌شود.

شکل ۵-۶ نمونه‌هایی از آمپرسنج

کاربرد فناوری در صنعت: قوس الکتریکی در جوش کاری



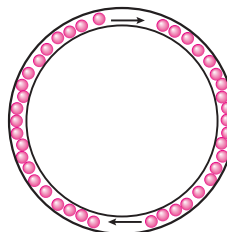
جریان الکتریکی از جاری شدن الکترون‌ها در یک مسیر رسانا به وجود می‌آید. هرگاه در چنین مسیری یک شکاف هوا (گاز) ایجاد شود جریان الکترونی و در نتیجه جریان الکتریکی قطع خواهد شد. چنانچه شکاف هوا به اندازه کافی باریک و اختلاف پتانسیل و شدت جریان زیاد باشد، گاز میان شکاف یونیزه شده و قوس الکتریکی برقرار می‌شود. هنگام جوش کاری نیز، الکتروود انبر نقش پایانه مثبت و قطعه کار نقش پایانه منفی را دارد. زمانی که الکتروود با قطعه کار برخورد می‌کند جرقه‌ای ایجاد می‌شود که همان قوس الکتریکی است.

مدار الکتریکی

اگر بخواهیم الکترون‌ها در یک جهت خاص و از مکان معینی شارش کنند، باید مسیر مناسبی برای حرکت آنها ایجاد کنیم، این مسیر باید یک مسیر بسته باشد، که آن را مدار الکتریکی می‌گویند (شکل ۵-۷). هرگونه قطع شدگی در مدار مانع حرکت الکترون‌ها می‌گردد (شکل ۵-۸).

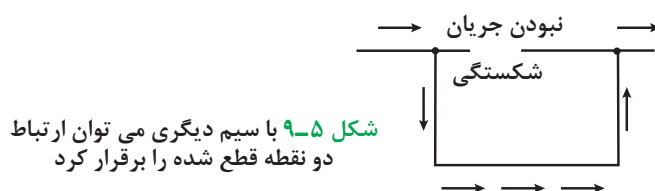


شکل ۵-۸ قطع شدگی در مدار



شکل ۵-۷ مسیر بسته برای عبور جریان (مدار)

برای ارتباط دو نقطه قطع شده می‌توانیم از سیم دیگری استفاده کنیم و شارش الکترون‌ها را دوباره برقرار نماییم (شکل ۵-۹).



شکل ۵-۹ با سیم دیگری می‌توان ارتباط دو نقطه قطع شده را برقرار کرد



جریان الکتریکی همواره مسیری را برای عبور انتخاب می‌کند که کوتاه‌ترین و سریع‌ترین مسیر ممکن باشد. از آنجا که ۷۰ درصد بدن ما را آب تشکیل داده و آب رسانای بسیار خوبی برای گذر جریان الکتریکی است، هنگامی که انگشت ما با یک چرخه جریان تماس پیدا می‌کند یعنی کوتاه‌ترین راه برای گذر جریان الکتریکی پیدا شده است. لازمه برق‌گرفتگی، عبور جریان الکتریکی از بدن است. یعنی اگر قسمتی از بدن جاندار، در مسیر ورود جریان الکتریسیته قرار بگیرد ولی جریان از بدن آن خارج نشود، برق‌گرفتگی رخ نخواهد داد؛ زیرا عبور برق است که موجب این امر می‌شود، نه ورود آن. وقتی یک پرنده بر روی سیم حامل جریان می‌نشیند، برق به بدن او وارد شده است، اما راهی برای خروج ندارد. در نتیجه جریان ورودی به بدن رسیده و پدیده برق‌گرفتگی اتفاق نمی‌افتد. در همین موقع، اگر بدن پرنده به هر صورت ممکن با زمین یا دیوار یا سیم دیگر برخورد نماید، دچار برق‌گرفتگی خواهد شد.

بیشتر بدانید

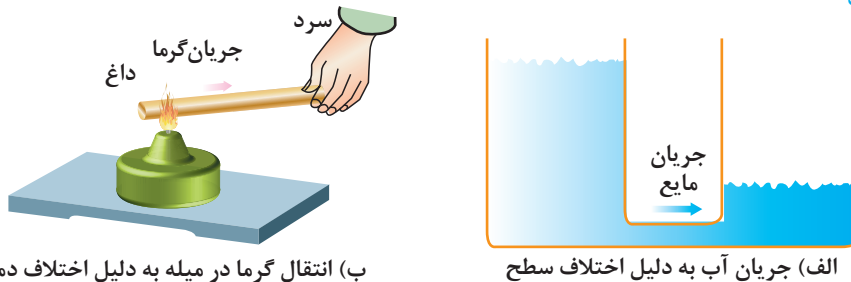


اختلاف پتانسیل الکتریکی (ولتاژ)

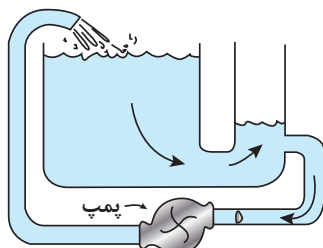
اختلاف پتانسیل الکتریکی را می‌توان با اختلاف دما که سبب انتقال گرما در یک جسم می‌شود یا اختلاف سطح مایع بین دو ظرف به هم پیوسته که سبب جاری شدن مایع بین دو ظرف می‌گردد، مقایسه کرد. همان‌طور که اختلاف دما جهت انتقال گرما و اختلاف فشار مایع جهت حرکت مایع را مشخص می‌کند، اختلاف پتانسیل الکتریکی نیز جهت جریان را نشان می‌دهد (شکل ۵-۱۰). جریان آب در شکل ۵-۱۰ الف، بعد از

مدتی قطع خواهد شد. برای برقراری مداوم این جریان وجود پمپ الزامی است (شکل ۵-۱۱). باتری خشک، باتری اتومبیل و... منابع تولید اختلاف پتانسیل در مدار هستند، و نقش آنها همانند پمپ آب است که باعث تداوم جریان الکتریکی در مدار می‌شود.

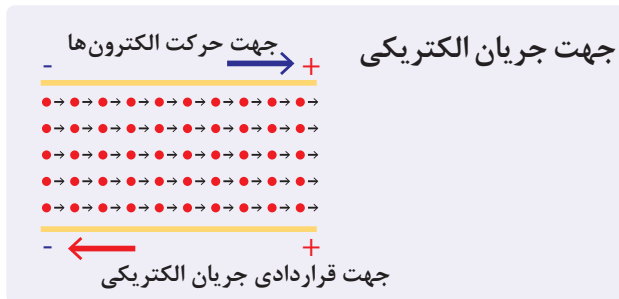
طبق قرارداد، جریان از پتانسیل بیشتر (پایانه مثبت باتری) به سمت پتانسیل کمتر (پایانه منفی باتری) شارش می‌کند.



شکل ۵-۱۰ همواره اختلاف پتانسیل بین دو نقطه باعث به وجود آمدن جریان الکتریکی می‌شود.
 (ب) انتقال گرما در میله به دلیل اختلاف دما
 (الف) جریان آب به دلیل اختلاف سطح



شکل ۵-۱۱ پمپ آب عامل تداوم جریان



نکته
!

پیل الکتریکی در ایران باستان در فاصله سال‌های ۲۵۰ ق.م تا ۲۲۴ پ.م در تیسفون ساخته شده است. در سال ۱۳۱۷ خورشیدی باستان‌شناس آلمانی، ویلهلم کونیک و همکارانش، ابزارهایی را در نزدیکی تیسفون، پایتخت ایران، در زمان اشکانیان یافتند. پس از بررسی معلوم شد، این ابزارها پیل‌های الکتریکی هستند و در دوره اشکانی ساخته شده‌اند. او این پیل‌ها را باتری پارسی نامید که برای آبرسانی و انتقال لایه‌ای از طلا یا نقره از سطحی به سطح دیگر به کار می‌رفته است.

بیشتر بدانید
📖

کاربرد فناوری در صنعت: فازمتر



فازمتر وسیله‌ای برای تشخیص وجود ولتاژ الکتریکی است. برای تشخیص سیم فاز از سیم نول نیز به کار می‌رود. هرگاه نوک فازمتر را داخل یکی از خانه‌های پریز یا سر سیمی که برق در آن جریان دارد بگذاریم و انگشت دست را روی پیچ انتهایی دسته آن قرار دهیم، اگر لامپ آن روشن شد آن

سیم فاز است. وقتی که فازمتر را وارد پریز برق می‌نمایید بخش بسیار کمی از الکترون‌ها که از مقاومت فازمتر عبور می‌کنند وارد بدن فرد شده و لامپ درون فازمتر در اثر عبور این جریان کم روشن می‌شود. بدن ما نقش سیم را ایفا می‌کند و زمین نقش نول، اگر ما کفش عایق پوشیده باشیم، ارتباط ما با زمین قطع شده و لامپ روشن نمی‌شود.

شایستگی ۲: مقاومت الکتریکی و کاربردهای آن

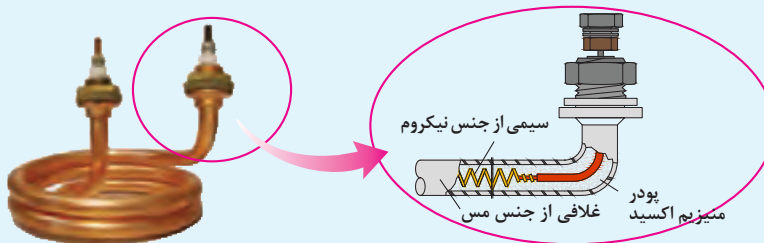
مقاومت الکتریکی



در مسیر حرکت الکترون‌ها درون مواد مواعی وجود دارد (اتم‌های جسم ماده، الکترون‌های آزاد دیگر و ...). هرچه این مواع کمتر باشند عبور جریان بهتر صورت می‌گیرد و می‌گوییم جسم مقاومت کمتری دارد و رسانای بهتری است. الکترون‌ها در مسیر حرکت خود، طی برخوردهایی که با اتم‌های جسم رسانا دارند، با انتقال انرژی جنبشی به اتم‌ها، باعث گرم شدن قطعه می‌شوند (شکل ۱۲-۵). گاهی این گرما به قدری است که باعث تابش نور می‌گردد؛ شکل ۱۲-۵ حرکت همانند نور تابش شده از فیلامان لامپ‌های رشته‌ای. گاهی مقاومت مانند مقاومت سیم‌های الکترون در اتم رابط به صورت ناخواسته و مزاحم باعث اتلاف انرژی الکتریکی می‌شود و گاهی می‌تواند به‌عنوان عاملی از پیش تعیین‌شده به صورت یک مصرف‌کننده در مدارهای الکتریکی مورد استفاده قرار گیرد، مانند فیلامان داخل سماور برقی، اتو، بخاری برقی و ... که در اثر مقاومت زیاد، گرما ایجاد می‌شود و مورد استفاده قرار می‌گیرد. مقاومت الکتریکی را با نماد R نشان می‌دهند و یکای آن اهم است که با حرف یونانی Ω نمایش داده می‌شود.

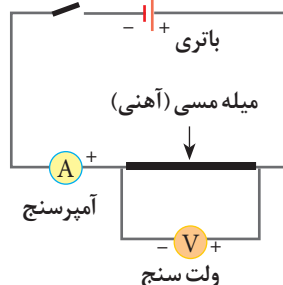
سماورها و کتری‌های برقی یکی از انواع گرم‌کن‌های الکتریکی به‌شمار می‌آیند که با تبدیل انرژی الکتریکی دریافتی به گرما منجر به گرم شدن آب درون مخزن خود می‌شوند. در ساختمان اینگونه گرم‌کن‌ها به‌طور معمول از المنت‌های حرارتی حلزونی شکلی با غلافی از مس استفاده شده است. در درون این غلاف رشته سیمی از جنس نیکروم (معمولاً ۸۰ درصد نیکل و ۲۰ درصد کروم) قرار دارد که وظیفه آن تبدیل انرژی الکتریکی به گرما است. آلیاژ نیکروم به دلیل داشتن نقطه ذوب بالا (در حدود 1400°C)، عدم اکسید شدن، انبساط طولی ناچیز و داشتن مقاومت الکتریکی نسبتاً بالا و ثابت جزء مرسوم‌ترین آلیاژهای انتخابی در ساخت بخش داخلی المنت‌های حرارتی به‌شمار می‌آید. همچنین برای عایق کردن این سیم از بخش بیرونی المنت‌های حرارتی از پودر سفید رنگی به نام منیزیم اکسید استفاده شده است. این پودر یک عایق الکتریکی به‌شمار می‌آید که توانایی انتقال حرارت خوبی دارد و باعث عایق شدن سیم نیکروم و عدم تماس الکتریکی آن با بدنه المنت و آب درون کتری یا سماور می‌شود.

بیشتر بدانید



جدول ۱-۵ نمادهای مربوط به مدار

نماد در مدار	قطعه
	باتری
	مقاومت
	آمپرسنج
	ولت‌سنج
	کلید



شکل ۱۲-۵ مدار ساده قانون اهم

قانون اهم: شما در کتاب علوم و کار و

فناوری پایه هشتم با قانون اهم آشنا شده‌اید. در این بخش آشنایی بیشتری با این قانون پیدا خواهید کرد. هنرجویی مداری را مطابق شکل ۱۳-۵ بسته و کلید را برای لحظه‌ای کوتاه می‌بندد، سپس اعداد آمپرسنج و ولت‌سنج را یادداشت کرده و بلافاصله کلید را قطع می‌کند.

برای بار دوم، او دو باتری را پشت سرهم قرار داده و آزمایش را تکرار می‌کند. این آزمایش را برای باتری‌های دیگر نیز تکرار کرده ولی در مدت آزمایش، جسمی را که در مدار قرار داده، تغییر نمی‌دهد.

فکر کنید



اعداد آمپرسنج و ولت‌سنج آزمایشی که هنرجو انجام داده در جدول زیر آمده است.

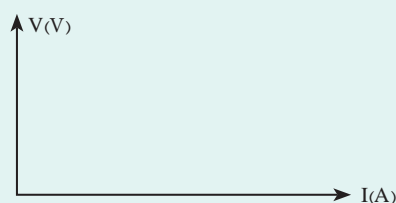
I(A)	V(V)	$\frac{V}{I}$
۰/۲	۲	
۰/۴	۴	
۰/۶	۶	
۰/۸	۸	

(الف) نمودار زیر را برای اعداد به دست آمده در جدول رسم کنید.

(ب) چه رابطه‌ای بین V و I وجود دارد؟

(پ) خانه‌های ستون سوم جدول را کامل کنید.

(ت) از محاسبه اعداد ستون سوم چه نتیجه‌ای می‌گیرید؟



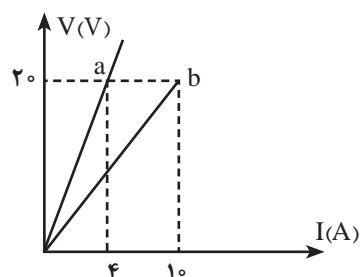
همان‌طور که از «فکر کنید» بالا مشخص شد، چنانچه دمای رسانا ثابت باشد و جنس جسم تغییر نکند، نسبت $\frac{V}{I}$ ثابت است و نمودار V بر حسب I خط راستی است که از مبدأ می‌گذرد. جرج سیمون اهم، ریاضی‌دان آلمانی، در سال ۱۸۲۷ براساس تجربیات و آزمایش‌های فراوان ارتباط بین ولتاژ V ، جریان I و مقاومت R را در یک مدار به دست آورد. نتایج آزمایش‌های اهم به نام قانون اهم شناخته شده است که رابطه آن چنین بیان می‌شود: نسبت ولتاژ دوسر مقاومت به شدت جریان گذرنده از آن در دمای ثابت مقدار ثابتی است که این مقدار همان مقاومت الکتریکی است.

$$R = \frac{V}{I} \quad (۲-۵)$$

معادله $R = \frac{V}{I}$ اشاره به تعریف مقاومت دارد (و نه لزوماً قانون اهم). این معادله برای همه رساناها به

کار می‌رود، خواه آن رسانا از قانون اهم پیروی کند یا پیروی نکند.

نکته



شکل مقابل مربوط به دو نوع رسانا در دمای ثابت است. مقاومت

کدام رسانا بیشتر است؟

پاسخ:

$$R_b = \frac{V_b}{I_b} = \frac{2.0V}{1.0A} = 2\Omega \quad R_a = \frac{V_a}{I_a} = \frac{2.0V}{0.4A} = 5\Omega$$

نتیجه: مقاومت a بیشتر شد و همان‌طور که از شکل مشخص

است شیب نمودار a نیز بیشتر است.

در نتیجه در نمودار $V-I$ شیب نمودار بیانگر مقاومت است؛ هرچه شیب بیشتر باشد، مقاومت نیز

بیشتر است.

مثال



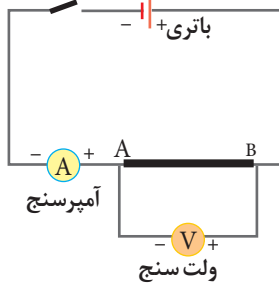
عوامل مؤثر بر مقاومت رساناهای فلزی در دمای ثابت

آزمایش کنید



وسایل آزمایش: منبع تغذیه، سیم رابط، سیم‌هایی از جنس تنگستن، نیکروم (یا آلیاژهای مختلف دیگر)، آمپرسنج، ولت‌سنج و کلید.

شرح آزمایش



۱- در مداری مطابق شکل روبه‌رو بین دو نقطه A و B قطعه‌ای با طول معین مثلاً ۱ متر (از سیم تنگستن) را قرار دهید. پس از بستن کلید، به مدت خیلی کوتاه، اختلاف پتانسیل دو سر سیم (برحسب ولت) و جریانی که از مدار می‌گذرد را (برحسب آمپر)، اندازه بگیرید. سپس با استفاده از تعریف مقاومت $R = \frac{V}{I}$ مقاومت قطعه سیم را (برحسب اهم) به دست آورید و در جدول زیر ثبت کنید.

۲- آزمایش را اکنون با همان سیم (تنگستن) اما با قطعه‌ای به طول ۲ متر

انجام دهید و با اندازه‌گیری I و V مقاومت قطعه اخیر را به دست آورید. نتیجه را در جدول زیر ثبت کنید.

۳- حال آزمایش را با دو قطعه سیم هم طول و با سطح مقطع یکسان، یکی از جنس تنگستن و دیگری از جنس نیکروم تکرار کنید و نتیجه را در جدول زیر بنویسید.

۴- سرانجام با انجام دادن آزمایش با سیم‌های هم طول از یک جنس ولی با سطح مقطع‌های متفاوت، به همان ترتیب، نتیجه‌های به دست آمده را با یکدیگر مقایسه کنید و به کلاس گزارش دهید. مقاومت هریک از سیم‌ها را به دست آورید و نتیجه را در جدول زیر ثبت کنید.

شماره آزمایش	جنس	طول	سطح مقطع	I	V	$R = \frac{V}{I}$

جدول ۵-۲ مقاومت ویژه مواد مختلف در دمای 20°C

مقاومت ویژه ρ (Ωm)	ماده (رسانای الکتریکی)
$1/62 \times 10^{-8}$	نقره
$1/69 \times 10^{-8}$	مس
$2/35 \times 10^{-8}$	طلا
$2/75 \times 10^{-8}$	آلومینیوم
$5/60 \times 10^{-8}$	تنگستن
$9/68 \times 10^{-8}$	آهن
$10/6 \times 10^{-8}$	پلاتین
100×10^{-8}	نیکروم

همان‌گونه که آزمایش نشان می‌دهد، مقاومت رساناهای فلزی در دمای ثابت به طول، سطح مقطع و جنس رسانا بستگی دارد. اگر سطح مقطع سیم در تمام طول آن یکسان باشد، مقاومت سیم از رابطه زیر به دست می‌آید:

$$R = \frac{\rho L}{A} \quad (5-3)$$



شکل ۵-۱۴ عوامل مؤثر بر مقاومت رسانا

که در آن L طول سیم برحسب متر (m) و A مساحت مقطع سیم برحسب مترمربع (m^2) و R مقاومت الکتریکی سیم برحسب اهم (Ω) است. در این رابطه ρ کمیتی به نام **مقاومت ویژه** رساناست که برای رساناهایی که از قانون اهم پیروی می‌کنند فقط به جنس رسانا و دمای آن بستگی دارد.

وقتی دمای یک رسانای فلزی افزایش می‌یابد ارتعاشات کاتوره‌ای اتم‌ها و یون‌های آن نیز افزایش می‌یابد و موجب افزایش برخورد الکترون‌های آزاد با شبکه اتمی رسانای فلزی می‌شود. به این ترتیب، مقاومت ویژه رسانا در برابر عبور جریان افزایش می‌یابد.

یکای ρ را با توجه به مطالب پودمان اول به دست آورید.

فکر کنید



چرا در «آزمایش کنید» صفحه قبل توصیه شده به مدت خیلی کوتاه کلید وصل و سپس قطع شود؟

فکر کنید



موادی که دارای مقاومت ویژه کم هستند، مانند نقره و مس در چه مواردی کاربرد دارند؟ موادی که مقاومت ویژه بالایی دارند چه کاربردی می‌توانند داشته باشند؟

فکر کنید



استانداردهای مهندسی سیم‌ها: در استانداردهای مهندسی، سیم‌ها را برحسب قطر و مساحت مقطع آنها نمره‌بندی می‌کنند. در صنعت تولید سیم، سیم‌ها را با ضخامت‌های معینی می‌سازند و معلوم می‌کنند هر سیم چه جریان بیشینه‌ای را می‌تواند تحمل کند. به هر سیم با ضخامت معین کد مشخصی را اختصاص می‌دهند. جدول زیر برخی از این کدگذاری‌ها با جریان مجاز بیشینه هر سیم را براساس یکی از استانداردها نشان می‌دهد.

جدول ۳-۵ کدگذاری سیم‌ها

نمره سیم	قطر سیم (اینچ)	جریان بیشینه مجاز (آمپر)	نمره سیم	قطر سیم	جریان بیشینه مجاز
۰۰۰۰	۰/۴۶	۳۸۰	۲۱	۰/۰۲۸۴۶	۹
۰۰۰	۰/۴۰۹۶۵	۳۲۸	۲۲	۰/۰۲۵۳۵	۷
۰۰	۰/۳۶۴۸	۲۸۳	۲۳	۰/۰۲۲۵۷	۴/۷
۰	۰/۳۲۴۸۵	۲۴۵	۲۴	۰/۰۲۰۰۱	۳/۵
۱	۰/۲۸۹۳	۲۱۱	۲۵	۰/۰۱۷۹	۲/۷
۲	۰/۲۵۷۶۳	۱۸۱	۲۶	۰/۰۱۵۹۴	۲/۲
۳	۰/۲۲۹۴۲	۱۵۸	۲۷	۰/۰۱۴۲	۱/۷
۴	۰/۲۰۴۳۱	۱۳۵	۲۸	۰/۰۱۲۶۴	۱/۴
۵	۰/۱۸۱۹۴	۱۱۸	۲۹	۰/۰۱۱۲۶	۱/۲
۶	۰/۱۶۲۰۲	۱۰۱	۳۰	۰/۰۱۰۰۲	۰/۸۶
۷	۰/۱۴۴۲۸	۸۹	۳۱	۰/۰۰۸۹۳	۰/۷
۸	۰/۱۲۸۴۹	۷۳	۳۲	۰/۰۰۷۹۵	۰/۵۳
۹	۰/۱۱۴۴۳	۶۴	۳۳	۰/۰۰۷۰۸	۰/۴۲
۱۰	۰/۱۰۱۸۹	۵۵	۳۴	۰/۰۰۶۳	۰/۳۳
۱۱	۰/۰۹۰۷۴	۴۷	۳۵	۰/۰۰۵۶۱	۰/۲۷
۱۲	۰/۰۸۰۰۸	۴۱	۳۶	۰/۰۰۵	۰/۲۱
۱۳	۰/۰۷۱۹۶	۳۵	۳۷	۰/۰۰۴۴۵	۰/۱۷
۱۴	۰/۰۶۴۰۸	۳۲	۳۸	۰/۰۰۳۹۶	۰/۱۳
۱۵	۰/۰۵۷۰۷	۲۸	۳۹	۰/۰۰۳۵۳	۰/۱۱
۱۶	۰/۰۵۰۸۲	۲۲	۴۰	۰/۰۰۳۱۴	۰/۰۹
۱۷	۰/۰۴۵۲۶	۱۹			
۱۸	۰/۰۴۰۳	۱۶			
۱۹	۰/۰۳۵۸۹	۱۴			
۲۰	۰/۰۳۱۹۶	۱۱			

* American Wire Gauge

مثال

سیمي از جنس تنگستن با مقاومت ویژه تقریباً $5/6 \times 10^{-8} \Omega m$ به طول $31/4 m$ و به قطر $0/4 mm$ را در نظر بگیرید. الف) مقاومت الکتریکی سیم چقدر است؟ ب) اگر اختلاف پتانسیل (ولتاژ) $224 V$ در دو سر سیم برقرار شود چه جریانی از سیم می‌گذرد؟

پاسخ:

$$\rho = 5/6 \times 10^{-8} \Omega \cdot m, \quad L = 31/4 m, \quad r = 0/2 mm, \quad V = 224 v, \quad R = ?, \quad I = ?$$

(الف)

$$A = \pi r^2 = 3/14 \times (0/2 \times 10^{-3})^2 = 12/56 \times 10^{-8} m^2$$

$$R = \frac{\rho L}{A} = \frac{5/6 \times 10^{-8} \Omega m \times 31/4 m}{12/56 \times 10^{-8} m^2} = 14 \Omega$$

$$I = \frac{V}{R} = \frac{224 V}{14 \Omega} = 16 A$$

(ب)



مثال

مهندس ناظر برق یک ساختمان در حال ساخت، به استادکار موارد زیر را یادآوری می‌کند:

نمره سیم‌های مسی مورد استفاده در سیم‌های لامپ روشنایی ۱۵ (قطر $0/5707$ اینچ) معادل $1/44 \times 10^{-3} m$
 نمره سیم‌های مسی مورد استفاده در سیم‌های لامپ پریز ۱۳ (قطر $0/07196$ اینچ) معادل $1/82 \times 10^{-3} m$
 نمره سیم‌های مسی مورد استفاده در سیم‌های لامپ برق اصلی ۱۲ (قطر $0/0808$ اینچ) معادل $2/05 \times 10^{-3} m$
 مقاومت $20 m$ از هر کدام از سیم‌ها، در دمای اتاق چند اهم است؟

$$A = \pi r^2 = \pi \left(\frac{D}{4}\right)^2 = 1/62 \times 10^{-6} m^2$$

سطح مقطع سیم لامپ روشنایی

$$R = \frac{\rho L}{A} = \frac{1/69 \times 10^{-8} \times 20}{1/62 \times 10^{-6}} = 2/08 \times 10^{-1} \Omega$$

$$\text{سیم پریز} \quad A = \pi r^2 = 2/6 \times 10^{-6} \Rightarrow R = 1/3 \times 10^{-1} \Omega$$

$$\text{سیم اصلی} \quad A = \pi r^2 = 3/2 \times 10^{-6} \Rightarrow R = 1/05 \times 10^{-1} \Omega$$



انواع مقاومت: در بسیاری از مدارها، به خصوص در وسایل الکترونیکی مقاومت‌ها برای کنترل جریان و ولتاژ استفاده می‌شوند. اندازه یک مقاومت می‌تواند کمتر از ۱ اهم تا میلیون‌ها اهم (مگا اهم) باشد. مقاومت‌های اهمی با توجه به نوع استفاده به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند: الف) **مقاومت‌های ثابت**^۱
 ب) **مقاومت‌های متغیر**^۲ که خود شامل دو دسته هستند: مقاومت‌های معمولی و مقاومت‌های وابسته.

الف) مقاومت‌های ثابت

همان‌طور که از اسم آنها بر می‌آید، مقاومت‌هایی هستند که مقدار آنها ثابت است. شکل ۵-۱۵ نمونه‌ای از این مقاومت‌ها و ساختار داخلی آنها را نشان می‌دهد. این مقاومت‌ها ترکیبی از کربن با یک نوع چسب هستند که هر اندازه میزان کربن بیشتر باشد، مقاومت کمتر خواهد بود.



در مقاومت‌هایی که توان بالایی دارند، عدد مقاومت بر روی بدنه نوشته می‌شود ولی در مقاومت‌هایی با توان کمتر از ۲ وات، به دلیل ساخته شدن آنها در ابعاد کوچک، جایی برای نوشتن مقدار مقاومت روی بدنه وجود ندارد. به همین منظور برای تشخیص مقدار مقاومت بر روی بدنه آنها معمولاً از ۴ نوار رنگی استفاده می‌کنند (نوار چهارم درصد خطا را نشان می‌دهد). هر نوار با توجه به رنگ خود، مبین یک کد یا عدد است (شکل ۵-۱۶). برای پیدا کردن عدد مقاومت طبق شکل ۵-۱۶ و با کمک جدول ۴-۵ عمل می‌کنیم.

جدول ۴-۵ کدهای رنگی مقاومت‌ها

درصد خطا	کد رنگ	رنگ
-	۰	سیاه
۱ درصد	۱	قهوه‌ای
۲ درصد	۲	قرمز
۳ درصد	۳	نارنجی
۴ درصد	۴	زرد
-	۵	سبز
-	۶	آبی
-	۷	بنفش
-	۸	خاکستری
-	۹	سفید
۵ درصد	-	طلایی
۱۰ درصد	-	نقره‌ای

شکل ۵-۱۵ انواع مقاومت ثابت



شکل ۵-۱۶ نحوه خواندن مقاومت رنگی

با توجه به کد هر رنگ، مقاومت روبه‌رو چند اهم است؟

پاسخ:

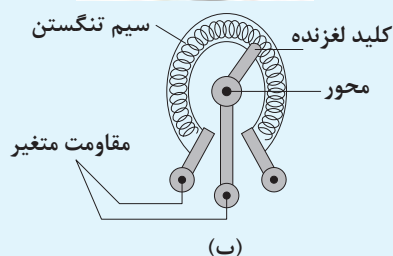
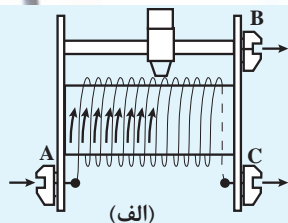
$R = 47 \times 10^2 \Omega$

مثال

+ -
x ÷

اگر مقدار مقاومت نمایش داده شده در شکل، ۳۴۰۰ اهم باشد، رنگ نوارها را تعیین کنید.

تمرین کنید



نمونه‌ای از الف) رئوستا و ب) پتانسیومتر



مقاومت‌های وابسته به حرارت



مقاومت نوری

ب) مقاومت‌های متغیر

مقاومت‌هایی هستند که مقدار آنها را می‌توان توسط عوامل مختلف مانند تغییر مشخصه مکانیکی (متغیر معمولی)، یا تغییر نور (تابع نور) و حرارت (متغیر وابسته) تغییر داد.

مقاومت‌های متغیر معمولی مقاومت‌هایی هستند که مقدار مقاومت آنها را می‌توان با تغییر مکان یا تغییر زاویه محور متحرکی که دارند تنظیم کرد. یکی از انواع مشهور این نوع از مقاومت‌ها، رئوستا نام دارد که در مدارهای الکترونیکی پتانسیومتر^۱ نامیده می‌شود. یک رئوستا از سیمی با مقاومت ویژه نسبتاً زیاد ساخته شده است. این سیم روی استوانه‌ای نارسانا پیچیده شده و با استفاده از دکمه‌ای لغزنده که روی ریلی در بالای استوانه قرار دارد و انتهای آن با سیم در تماس است می‌تواند قسمت دلخواهی از سیم را در مسیر جریان قرار دهد و بنابراین مقدار مقاومت را تغییر دهد و به این ترتیب جریان را در مدار تنظیم و کنترل کند. شکل روبه‌رو طرحی از یک رئوستا را نشان می‌دهد.

مقاومت‌های وابسته به حرارت: به آن دسته از مقاومت‌های متغیری که مقدار آنها توسط عواملی از قبیل نور، حرارت، ولتاژ و... تغییر می‌کند، **مقاومت وابسته** گفته می‌شود. این مقاومت‌ها به انواع زیر تقسیم می‌شوند:

مقاومت‌های وابسته به حرارت: مقدار این دسته از مقاومت‌ها که به آنها ترمیستور^۲ نیز گفته می‌شود وابسته به حرارت است. این مقاومت‌ها در دو شکل NTC^۳ و PTC^۴ وجود دارند. مقاومت‌های PTC با افزایش دما مقاومتشان افزایش و با کاهش دما کاهش می‌یابند. مقاومت‌های NTC با افزایش دما مقاومتشان کاهش می‌یابد و برعکس. از این مقاومت‌ها در مدارها به صورت حس‌کننده‌های حرارتی در مسیر دستگاه‌های الکتریکی نظیر موتورهای الکتریکی، کوره‌ها، سیستم‌های تهویه و تبرید استفاده می‌شود. همچنین این مقاومت‌ها برای جریان زیاد در لحظه روشن شدن یک دستگاه به کار می‌رود. به طور کلی ترمیستورها در مدارهایی که دما را اندازه‌گیری یا کنترل می‌کنند به کار می‌روند. **مقاومت وابسته به نور (LDR):**^۵ این مقاومت‌ها با تغییرات نور تابیده شده به سطح آنها، مقدار مقاومتشان تغییر می‌کند. از این مقاومت در ساخت فوتوسل‌ها یا به عنوان سنسور نور در برخی

۱- Potentiometer

۲- Thermistor

۳- Negative Temperature coefficient

۴- Positive Temperature Coefficient

۵- Light Dependent Resistor

دستگاه‌ها استفاده می‌شود. همچنین در مدارهای الکترونیکی به‌عنوان تشخیص‌دهنده نور (نورسنج) مورد استفاده قرار می‌گیرد. از جمله کاربردهای دیگر این مقاومت استفاده از آن در دوربین‌های عکاسی و کلیدهای نوری و چشم‌های الکترونیکی است.

مقاومت وابسته به ولتاژ (VDR): ولتاژ و مقدار مقاومت در این نوع مقاومت‌ها، با هم رابطه عکس دارند. به این صورت که با افزایش ولتاژ دو سر قطعه، مقاومت آن کاهش می‌یابد. از این مقاومت‌ها برای محافظت از مدار در برابر ولتاژهای بالای زودگذر ناخواسته استفاده می‌شود. در ایستگاه تقویت نیروگاهی نیز برای حفاظت شبکه استفاده می‌شود.

انرژی الکتریکی مصرفی

همان‌طور که در قسمت مقاومت ذکر شد، علت تولید گرما در مقاومت در اثر عبور جریان، آن است که الکترون‌ها به اتم‌های درون رسانا برخورد می‌کنند. این برخوردها انرژی جنبشی اتم‌ها و در نتیجه دمای مقاومت را افزایش می‌دهد. هیتر، بخاری برقی و المنت یک سشوار براساس تبدیل انرژی الکتریکی به گرما طراحی شده‌اند. مقدار گرمایی که در یک رسانا ایجاد می‌شود به عوامل زیر بستگی دارد:

- مقاومت رسانا

- مجذور شدت جریان عبوری از رسانا

- مدت زمان عبور جریان

$$U = RI^2t \quad (4-5)$$

مقاومت قسمت گرماده یک سماور برقی 50Ω است. وقتی آن را به برق وصل می‌کنیم شدت جریان $4A$ از آن می‌گذرد. انرژی الکتریکی مصرف شده در آن را در مدت 5 دقیقه حساب کنید.

پاسخ:

$$t = 5 \times 60 = 300 \text{ s}, \quad I = 4A, \quad R = 50\Omega, \quad U = ?$$

$$U = RI^2t = (50) \times (4)^2 \times 300 = 240000 \text{ J}$$

توان مصرفی: توان به معنی سرعت تبدیل انرژی است. در دستگاه‌هایی که برای تبدیل انرژی به کار می‌روند، هرچه این سرعت بیشتر باشد، قدرت دستگاه نیز بیشتر است. سرعت تبدیل انرژی از تقسیم مقدار انرژی بر زمانی که آن انرژی تبدیل شده (آهنگ مصرف انرژی) به دست می‌آید. توان مصرفی را با نماد P نمایش داده و یکای آن وات با نماد W است.

$$P = \frac{U}{t} \quad (5-5)$$

$$P = RI^2 \quad (6-5)$$

با استفاده از قانون اهم، رابطه‌های دیگری برای توان مصرفی به دست آورید.

مثال



تمرین کنید



در دستگاه‌هایی مانند لامپ رشته‌ای، اتو، کتری برقی و... که در قسمت اصلی آنها یک سیم گرماده (المنت حرارتی) وجود دارد، توان مصرفی در صورتی برابر توان نوشته شده روی آن (توان اسمی) است که دستگاه به اختلاف پتانسیل نوشته شده بر روی آن (اختلاف پتانسیل اسمی) وصل شده باشد. اگر دستگاه به اختلاف پتانسیل کمتر یا بیشتری وصل شود توان مصرفی دستگاه تغییر می‌کند.

مثال

+ -
× ÷

روی یک آسیاب برقی دو عدد 200 V و 800 W نوشته شده است. این آسیاب برقی را به اختلاف پتانسیل 200 V وصل می‌کنیم.

الف) شدت جریانی که از آن می‌گذرد چند آمپر است؟ ب) انرژی الکتریکی مصرفی ماهانه این دستگاه در صورتی که هفته‌ای دو بار و هر بار به مدت 20 دقیقه مورد استفاده قرار گیرد چند ژول و چند کیلووات ساعت است؟

پاسخ:

$$P = VI \rightarrow 800 = 200 \cdot I \rightarrow I = 4\text{ A}$$

$$t = 4 \times 2 \times 20 \times 60 = 9600\text{ s} \approx 2/7\text{ h}$$

$$P = \frac{U}{t} \rightarrow 800\text{ W} = \frac{U}{9600} \rightarrow U = 7/68 \times 10^6\text{ J}$$

$$800\text{ W} = \frac{U}{2/7\text{ h}} \Rightarrow U = 2160\text{ Wh} = 2/16\text{ kWh}$$

روی لامپی دو عدد 60 وات و 220 ولت نوشته شده است. با فرض ثابت ماندن مقاومت لامپ اگر این لامپ را به اختلاف پتانسیل 110 ولت وصل کنیم توان مصرفی آن تقریباً چقدر می‌شود؟

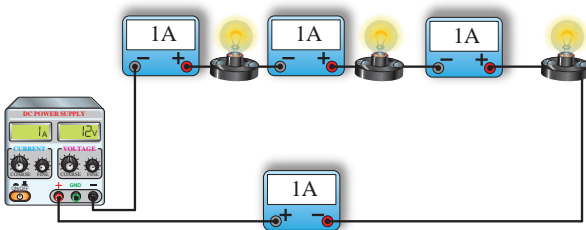
تمرین کنید



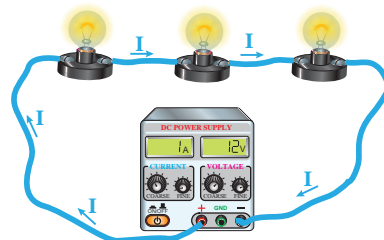
نحوه به هم بستن مقاومت‌ها

به هم بستن سری: اتصال متوالی یا سری به معنی بسته شدن مقاومت‌ها یکی پس از دیگری است به طوری که هیچ انشعابی بین آنها وجود نداشته باشد (شکل ۵-۱۷)
اگر در مدار شکل ۵-۱۷ در مسیر هر یک از لامپ‌ها آمپرسنج‌هایی را قرار دهیم (شکل ۵-۱۸) مشاهده خواهیم کرد که همه آمپرسنج‌ها جریان برابری را نشان می‌دهند. پس می‌توان در مدار سری چنین نوشت:

$$I_1 = I_2 = I_3 = I_{eq} \quad (5-17)$$



شکل ۵-۱۸ قرار دادن آمپرسنج در مدار

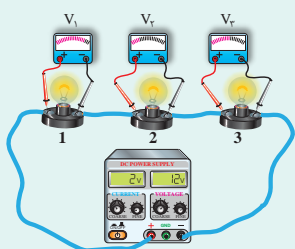


شکل ۵-۱۷ لامپ‌هایی که به طور متوالی به هم بسته شده‌اند

فکر کنید



هر گاه مطابق شکل، ولت‌سنج‌هایی را به صورت جداگانه به دو سر لامپ‌ها ببندیم، چه مشاهده خواهید کرد؟



همان‌طور که از «فکر کنید» متوجه شدید ولتاژ معادل به نسبت مقدار مقاومت‌ها بین آنها تقسیم می‌شود، بر پایه همین مطلب می‌توان ولتاژ معادل را از حاصل جمع ولتاژهای دو سر هر مقاومت به دست آورد.

$$V_1 + V_2 + V_3 = V_{eq} \quad (۸-۵)$$

مقاومت معادل به مقاومتی گفته می‌شود که با جایگزینی‌اش به جای مقاومت‌ها، اثری مشابه و معادل با آن مقاومت‌ها در مدار از خود نشان می‌دهد. اگر ترکیب مقاومت‌ها را با R_{eq} جایگزین کنیم از آنجا خواهیم داشت:

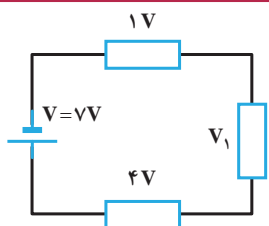
$$R_1 + R_2 + R_3 = R_{eq} \quad (۹-۵)$$

مثال



در مدار داده شده ولتاژ مجهول را تعیین کنید.

پاسخ:

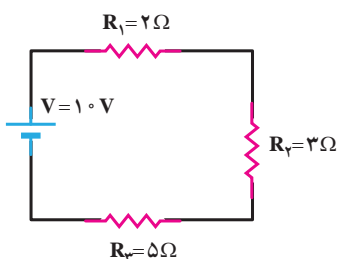


$$V_1 + V_2 + V_3 = V_{\text{باتری}} \Rightarrow V_1 + 1 + 4 = 7 \Rightarrow V_1 = 2V$$

تمرین کنید



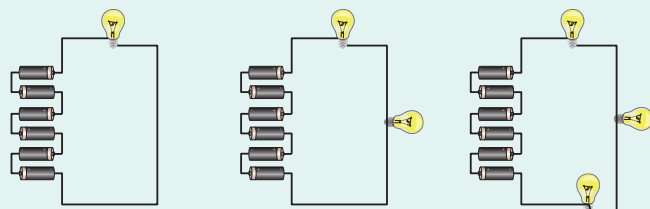
مقاومت معادل مدار چقدر می‌شود؟

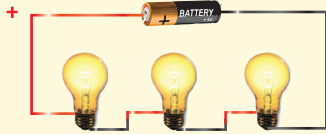


فکر کنید



در سه شکل روبه‌رو، ابتدا یک لامپ، سپس دو لامپ و در نهایت سه لامپ در مدار قرار گرفته است. روشنایی لامپ‌ها را مقایسه کنید. چه نتیجه‌ای می‌گیرید؟

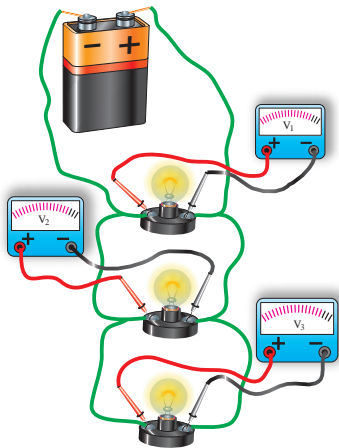




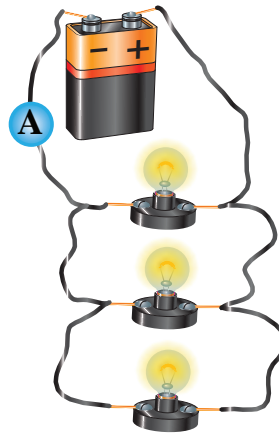
مداری را با ۳ لامپ ببندید. اگر یکی از لامپ‌ها بسوزد برای بقیه لامپ‌ها چه اتفاقی می‌افتد؟ برای برطرف کردن این مشکل چه پیشنهادی دارید؟

به هم بستن موازی: نوع دیگری از به هم بستن مقاومت‌ها، حالت موازی است. در این حالت دو سر مقاومت‌ها مستقیماً به هم وصل می‌شود و اختلاف پتانسیل یکسان به دو سر مقاومت‌ها اعمال می‌شود (شکل ۱۹-۵). هرگاه مطابق شکل ۲۰-۵ ولت‌سنج‌هایی را به‌طور جداگانه به دو سر هر یک از لامپ‌ها متصل کنیم، مشاهده می‌کنیم که مقادیر ولت‌سنج‌ها با یکدیگر برابر هستند.

$$V_1 = V_2 = V_3 = V_{eq} \quad (10-5)$$



شکل ۲۰-۵ ولتاژ در لامپ‌های موازی



شکل ۱۹-۵ لامپ‌هایی که به‌طور موازی به هم بسته شده‌اند

در مدارهای موازی بیش از یک مسیر برای عبور جریان وجود دارد، بنابراین جریان به نسبت مقاومت‌ها تقسیم می‌شود.

$$I_1 + I_2 + I_3 = I_{eq} \quad (11-5)$$

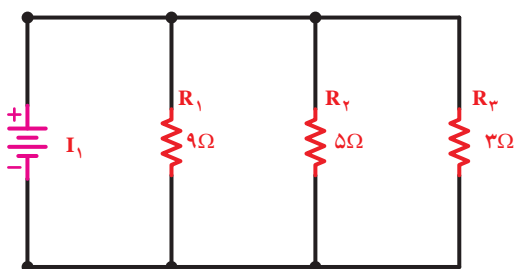
مقاومت معادل در این مدارها از رابطه زیر محاسبه می‌گردد.

$$\frac{1}{R_1} + \frac{1}{R_2} + \frac{1}{R_3} = \frac{1}{R_{eq}} \quad (12-5)$$

مثال

+ -
× ÷

در مدار روبه‌رو مقاومت معادل را به دست آورید.



پاسخ:

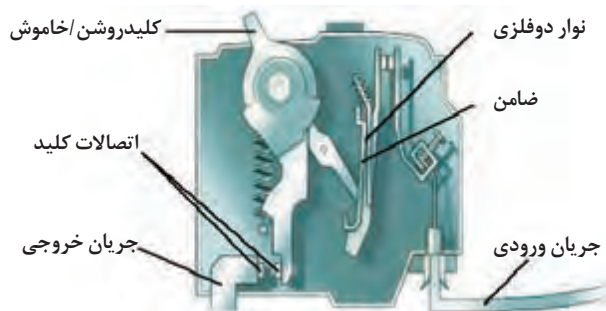
$$\frac{1}{R_1} + \frac{1}{R_2} + \frac{1}{R_3} = \frac{1}{R_{eq}} \Rightarrow \frac{1}{9} + \frac{1}{5} + \frac{1}{3} = \frac{1}{R_{eq}} \Rightarrow \frac{5+9+15}{45} = \frac{1}{R_{eq}} \Rightarrow R_{eq} = \frac{45}{29} \Omega$$

فکر کنید



الف) به نظر شما سیم‌کشی داخل ساختمان‌ها از چه نوعی است؟ متوالی یا موازی؟
ب) روش به هم بسته شدن لامپ‌ها در ریشه‌ها چگونه است؟
پ) آیا می‌توانید نمونه‌هایی از کاربرد اتصال موازی و متوالی را که در زندگی روزمره با آنها برخورد دارید، نام ببرید؟

کاربرد فناوری در صنعت: فیوز



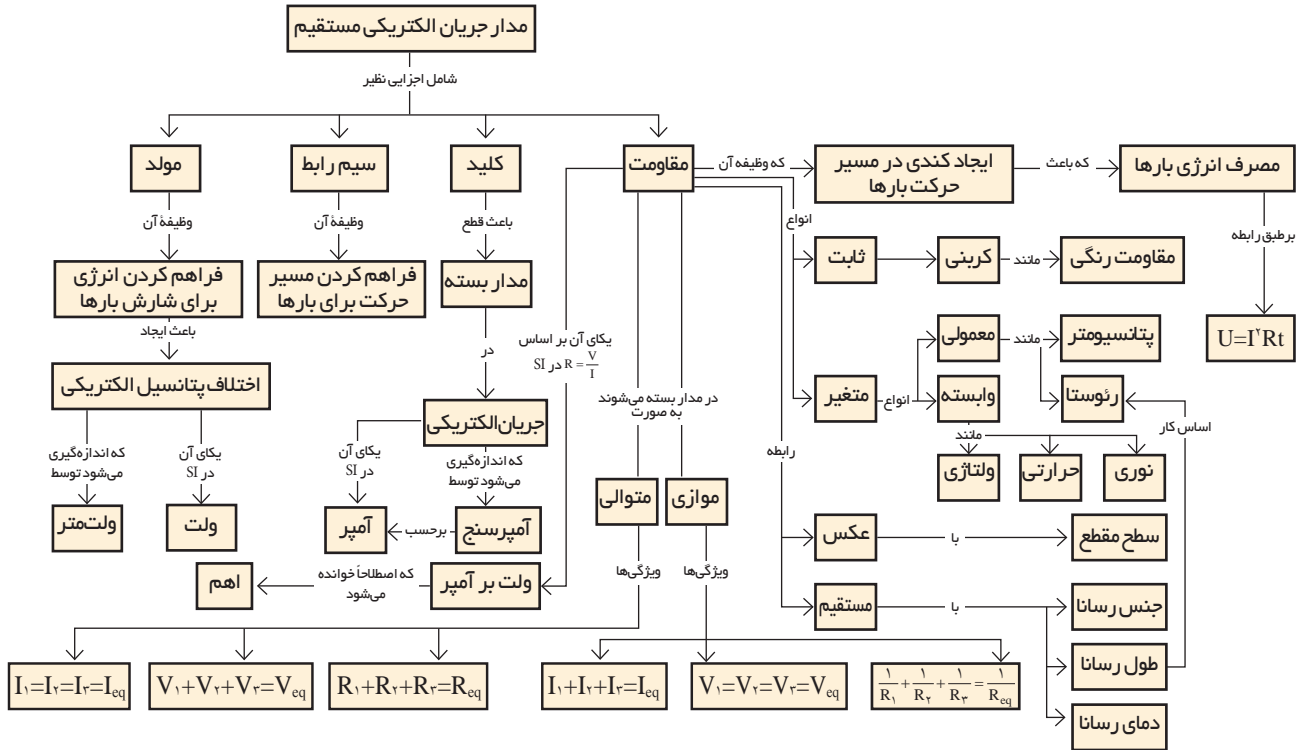
دستگاه‌های الکتریکی در خانه به‌طور موازی با یکدیگر قرار می‌گیرند و یک فیوز را به‌طور متوالی با کل مدار مصرف‌کننده‌های خانگی قرار می‌دهند و این مجموعه به مولد جریان الکتریکی متصل می‌شود. فیوز از سیم باریکی که در اثر جریان الکتریکی بالا ذوب می‌شود تشکیل شده است. بعد از اینکه فیوز ذوب شد باید جایگزین شود (مثل فیوز موتور اتومبیل). امروزه در منازل

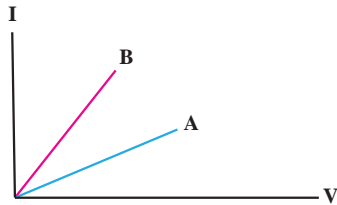
از فیوزهایی استفاده می‌شود که جریان الکتریکی بالا در آنها سبب قطع مدار می‌گردد و با وصل کردن یک کلید در آنها فیوز دوباره در مدار قابل استفاده است. هرچه تعداد مصرف‌کننده‌ها در خانه بیشتر شود به دلیل موازی بسته‌بودنشان، مقاومت کل مجموعه کمتر خواهد شد و شدت جریان الکتریکی بیشتری از مدار خواهد گذشت. چون فیوز به‌طور متوالی در مدار قرار دارد جریان الکتریکی بیش از حد مجاز نیز از فیوز می‌گذرد و به قطع شدن جریان (در صورتی که از حد معینی بیشتر شود) می‌انجامد. فیوز به عنوان یک عنصر کنترل‌کننده و پیشگیری از خطر در منازل است.

تحقیق کنید



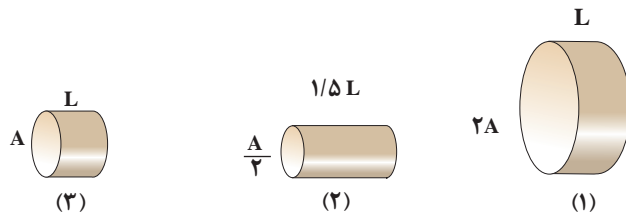
حتماً تاکنون سه شاخه را دیده‌اید. در شکل روبه‌رو، ساختمان داخلی این سه‌شاخه نشان داده شده است. در مورد مزیت این سه‌شاخه‌ها نسبت به دوشاخه‌ها با هم گروهی‌های خود تحقیقی را انجام دهید.





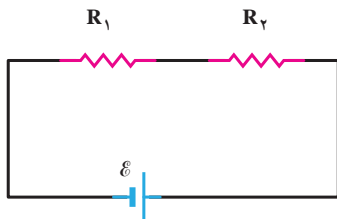
۱- با توجه به نمودار $I-V$ که برای دو رسانا در شکل روبه‌رو نشان داده شده، مقاومت کدام رسانا بیشتر است؟

۲- در شکل زیر سه رسانای مسی استوانه‌ای بر حسب طول L و مساحت مقطع بر حسب A نشان داده شده است. اگر به دو سر هر یک از آنها اختلاف پتانسیل یکسان اعمال شود این رساناها را با توجه به جریان‌های گذرنده از آنها از بیشترین تا کمترین مقدار مرتب کنید.



۳- به نظر شما چرا پرندگان با نشستن روی یک سیم برق دچار برق‌گرفتگی نمی‌شوند؟

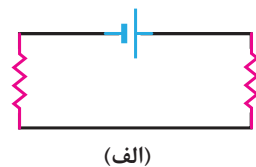
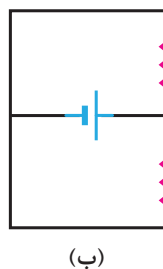
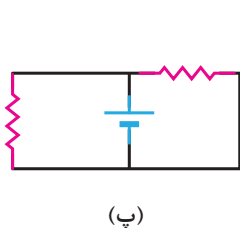
۴- در مدار شکل روبه‌رو $R_2 > R_1$ است. کدام یک از جمله‌های زیر درست و کدام نادرست است؟



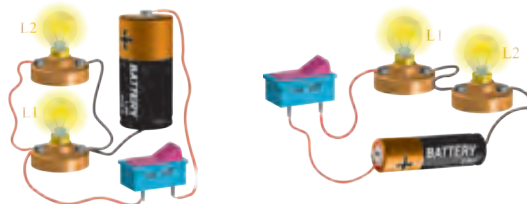
- الف) جریان در جهت چرخش عقربه‌های ساعت در مدار شارش می‌کند.
- ب) جریان گذرنده از R_1 بیشتر از R_2 است.
- پ) اختلاف پتانسیل دو سر R_2 بیشتر از R_1 است.
- ت) توان مصرفی در مقاومت R_2 بیشتر از R_1 است.

۵- یک مهندس نیاز به مقاومت‌های $6\text{ k}\Omega$ و $9\text{ k}\Omega$ دارد. اما فقط مقاومت‌های $18\text{ k}\Omega$ را در اختیار دارد. آیا باید مقاومت‌های مورد نیاز او را خریداری کرد؟ توضیح دهید.

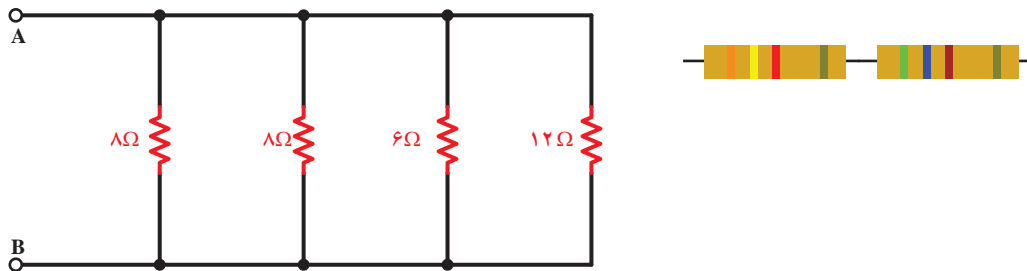
۶- در سه مدار زیر نوع ترکیب مقاومت‌ها را تعیین کنید: موازی، متوالی یا هیچ کدام.



۷- در مدارهای شکل زیر، لامپ‌ها و باتری‌ها یکسان هستند. با ذکر دلیل بگویید نور لامپ‌ها در کدام مدار (موازی یا سری) بیشتر است؟



- ۱- انسان در اثر عبور یک جریان ضعیف 50 mA از مجاور قلبش دچار برق گرفتگی می شود. برق کاری با دست‌های خیس دو سیم برق را به طور کامل در هر یک از دو دست خود نگه داشته است. اگر در این حالت مقاومت بدن برق کار 2000 اهم باشد، ولتاژ لازم برای برق گرفتگی چقدر است؟
- ۲- هرگاه برای برق رسانی به یک موتور الکتریکی که در فاصله 1 کیلومتری از تابلوی برق قرار دارد، بخواهیم از سیم مسی با مقاومت 20Ω استفاده کنیم، سطح مقطع سیم را باید چند میلی متر مربع انتخاب کنیم؟
- ۳- کابلی شامل 125 رشته سیم است که مقاومت هر کدام $2/56$ میکرو اهم است. با ایجاد اختلاف پتانسیل یکسان به دو سر کابل جریان کل $0/75 \text{ A}$ در سیم‌ها برقرار می شود. الف) جریان در هر رشته سیم چند آمپر است؟ ب) اختلاف پتانسیل اعمال شده چند ولت است؟ ج) مقاومت کابل چند اهم است؟
- ۴- دانش‌آموزی رادیوی 9 V و 7 W خود را از ساعت 9 بعد از ظهر تا 2 بامداد با بلندترین صدا روشن نگه می دارد. در این مدت چه مقدار بار الکتریکی به این رادیو وارد می شود؟
- ۵- مقاومت یک بخاری که با ولتاژ 120 V کار می کند. در حال کار 14 اهم است. آهنگ تبدیل انرژی الکتریکی به گرما چقدر است؟
- ۶- مقاومت معادل هر یک از مدارهای زیر را به دست آورید.



پروژه انتخابی (نیمه تجویزی)

- ۱- به کمک یک سیم و یک باتری تلاش کنید تا یک لامپ را روشن کنید (از برش دادن سیم بپرهیزید).
- ۲- با راهنمایی هنرآموز خود یک چراغ قوه دو لامپی بسازید که با یک کلید دو طرفه کار کند؛ یعنی با فشردن کلید در یک سمت یکی از لامپ‌ها و با فشردن کلید در جهت دیگر، لامپ دوم روشن شود.
- ۳- با توجه به توانمندی خود شرایط شارژ الکترون در اثر اختلاف پتانسیل را نمایش دهید. (ارائه به صورت انیمیشن، به صورت دست سازه مکانیکی، ...)

استاندارد ارزشیابی پیشرفت تحصیلی مبتنی بر شایستگی درس فیزیک پودمان پنجم (جریان و مدارهای الکتریکی)

عنوان پودمان	شایستگی های مورد انتظار (واحدهای یادگیری)	استاندارد عملکرد (کیفیت)	سطح شایستگی	شاخص تحقق
جریان و مدارهای الکتریکی	۱- درک، تبیین و کاربرد کمیت های الکتریکی	اختلاف پتانسیل الکتریکی، جریان الکتریکی و مدار الکتریکی تبیین و تعمیم قانون اهم و تحلیل ساختارهای مختلف اتصال مقاومت ها و تحلیل توان الکتریکی مصرفی	بالتر از حد انتظار	انجام کلیه فعالیت های پودمان (اعم از تجربه کنید، تحقیق کنید، فکر کنید، آزمایش کنید و پروژه های پیشنهادی...)
	۲- مقاومت الکتریکی و کاربردهای آن		در حد انتظار	۱- شناسایی و اندازه گیری اجزای یک مدار الکتریکی ۲- بیان مقایسه ای اجسام رسانا و نارسانا ۳- نمایش عددی عوامل مؤثر بر مقاومت الکتریکی ۴- ارائه دلیل برای تعیین جهت جریان اصلی و قراردادی ۵- محاسبه جریان با داشتن تعداد الکترون های جابه جا شده و تشخیص جهت جریان، محاسبه توان و انرژی الکتریکی با فرمول های متفاوت، مقایسه انواع مقاومت ها با یکدیگر، بیان نوع رابطه عوامل مؤثر بر مقاومت با مقاومت ۶- تعریف جریان، انرژی الکتریکی و توان مصرفی، بیان عوامل مؤثر بر مقاومت. تبیین تفاوت بین انواع مقاومت ها
			پایین تر از حد انتظار	در صورتی که هنرجو تنها بخشی از شاخص های در حد انتظار (و نه همه آنها) را محقق نماید، پایین تر از حد انتظار ارزشیابی می شود.
لازم است تا کیفیت فرایند کسب شایستگی (بر اساس انجام فعالیت های کلاسی و آزمایشگاهی، نظم، مشارکت در فعالیت های آموزشی و تربیتی، ابتکار در تکالیف عملکردی درسی، مشارکت در فعالیت های گروهی و جمعی و...) در نظر گرفته شود.				

سطح شایستگی کسب شده در پودمان (بالتر از حد انتظار، در حد انتظار، پایین تر از حد انتظار)

پودمان ۱ - اندازه گیری

Physics and Measurement

Measurement	اندازه گیری
Inch	اینچ
Vector	بردار
Pound	پوند
Precision	دقت
Micrometer	ریزسنج
Accuracy	صحت
Foot	فوت
Quantity	کمیت
Caliper	کولیس
Gallon	گالون
Scalar	زده ای
Scientific Notation	نمادگذاری علمی
Unit	یکا
Base Units	یکاهای اصلی
Derived Units	یکاهای فرعی

پودمان ۲ - مکانیک

Mechanic

Equilibrium	تعادل
Displacement	جابہ جایی
Mass	جرم
Motion	حرکت
Accelerated Motion	حرکت شتاب دار
Uniform Motion	حرکت یکنواخت
Instantaneous Velocity	سرعت لحظه ای

Average Velocity	سرعت متوسط
Instantaneous Acceleration	شتاب لحظه‌ای
Average Acceleration	شتاب متوسط
Newton's Laws	قوانین نیوتن
Action	کنش
Inertia	لختی
Place	مکان
Motion Diagram	نمودار مسیر حرکت
Force	نیرو
Dynamometer	نیروسنج
Static Friction Force	نیروی اصطکاک ایستایی
kinetic Friction Force	نیروی اصطکاک جنبشی
Normal Support Force	نیروی عمودی تکیه‌گاه
Gravity Force	نیروی گرانش
Weight Force	نیروی وزن
Reaction	واکنش

پودمان ۳- حالت‌های ماده و فشار

Properties of Matter and Pressure

Archimedes' Principle	اصل ارشمیدس
Pascal's Principle	اصل پاسکال
The Principle of Buoyancy	اصل شناوری
Solid	جامد
Density	چگالی
Phase	حالت
Volume	حجم
Fluid	شاره
Pressure	فشار
Manometer	فشارسنج
Gas	گاز
Liquid	مایع

پودمان ۴- دما و گرما

Temperature and Heat

Thermal Expansion	انبساط گرمایی
Transfer Thermal	انتقال گرما
Radiation	تابش
Thermal Equilibrium	تبادل گرمایی
Expansion Joint	درز انبساط
Temperature	دما
Temperature Equilibrium	دمای تبادل
Conductive Heat	رسانای گرما
Heat Conductivity	رسانش گرمایی
Specific Heat Capacity	ظرفیت گرمایی ویژه
Heat Insulator	عایق گرمایی
Temperature Scale	مقیاس دما
Convection	همرفت

پودمان ۵- جریان و مدارهای الکتریکی

Electric Current and Circuits

Potential Difference	اختلاف پتانسیل
Ampere Meter	آمپرسنج
Net Charge	بار خالص
Potentiometer	پتانسیومتر
Electric Current	جریان الکتریکی
Direct Current	جریان مستقیم
Electrically Conductive	رسانای الکتریکی
Rheostat	رئوستا
Ohm's Law	قانون اهم
Free Electron	الکترون آزاد

Electrical Circuit
Series Circuits
Parallel Circuits
Resistor
Electric Resistance
Fixed Resistors
Thermistor
Equivalent Resistance
Resistivity
Electrical Insulator

مدار الکتریکی
مدارهای سری (متوالی)
مدارهای موازی
مقاومت
مقاومت الکتریکی
مقاومت ثابت
مقاومت حرارتی
مقاومت معادل
مقاومت ویژه
نارسانای الکتریکی

- ۱- برنامه درسی درس فیزیک شاخه فنی و حرفه‌ای و کاردانش، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، دفتر تألیف کتاب‌های درسی فنی و حرفه‌ای و کاردانش، ۱۳۹۴.
- ۲- مبانی فیزیک، دیوید هالیدی، رابرت رزنیک و یرل واکر، ویرایش نهم، ترجمه محمدرضا خوشبین خوش‌نظر و دیگران، چاپ اول سال ۱۳۹۰.
- ۳- دوره درسی فیزیک جلد اول، گ. س. لندسبرگ، ترجمه لطیف کاشی‌گر و دیگران، چاپ اول ۱۳۷۴، انتشارات فاطمی.
- ۴- اصول فیزیک، اوهانیان، ترجمه یوسف امیر ارجمند و نادر رابط، چاپ اول ۱۳۸۳، نشر دانشگاهی.
- ۵- فیزیک مفهومی، پ. ج. هیوئیت، ویرایش دهم، ترجمه منیژه رهبر، چاپ اول ۱۳۸۸، انتشارات فاطمی.
- ۶- فیزیک دانشگاهی (جلد دوم)، ویرایش دوازدهم، سیزر، زیمانسکی، یانگ و فریدمن، ترجمه اعظم پورقازی، روح الله خلیلی بروجنی، محمدتقی فلاحی مروستی، مؤسسه نشر علوم نوین.
- ۷- حرارت و ترمودینامیک، مارک زیمانسکی و ریچارد دیتمن، ترجمه حسین توتونچی، حسن شریفیان عطار و محمدهادی هادی زاده، چاپ اول ۱۳۶۴، مرکز نشر دانشگاهی.
- ۸- دانشنامه فیزیک، جان ریگدن و دیگران، ترجمه محمدابراهیم ابوکاظمی و دیگران، چاپ اول ۱۳۸۱، مرکز تحصیلات تکمیلی زنجان و بنیاد دانشنامه بزرگ فارسی.

1. College physics, Raymond A.Serway, Chris Vuille, Jerry S.Faughn, 2009.
2. Dictionary of scientific and technical terms, Parker, Fourth edition, 1989, MC Graw – Hill.
3. Fundamental of Physics, David Halliday, Robert Resnick and Jearl Walker, 2008, John Wiley and Sons.
4. Light and Matter, Benjamin Crowell, 2015, Fullerton California.
5. Everything Science, Mark Homer, Heather Williams, Bridget Nash, Teacher Guide, 2012.
6. Everything Science: Grade 10, 11, 12 Physical Science, Siyavula core team, 2012.
7. The Free High School Science Texts: Textbooks for High School Students Studying the Sciences Physics Grades 10 -12, FHSST Authors, 2008.
8. The People Physics Book, James H Dann, James J Dann, 2006.
9. Holt, McDougal, Physics: Student Edition, A. Serway, Jerry s.Faughn, 2012.



هنرآموزان محترم، هنرجویان عزیز و اولیای آنان می توانند نظر اصلاحی خود را درباره مطالب کتاب های درسی از طریق سامانه «نظرسنجی از محتوای کتاب درسی» به نشانی «nazar.roshd.ir» یا نامه به نشانی تهران - صندوق پستی ۴۸۷۴-۱۵۸۷۵ ارسال کنند.



سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی